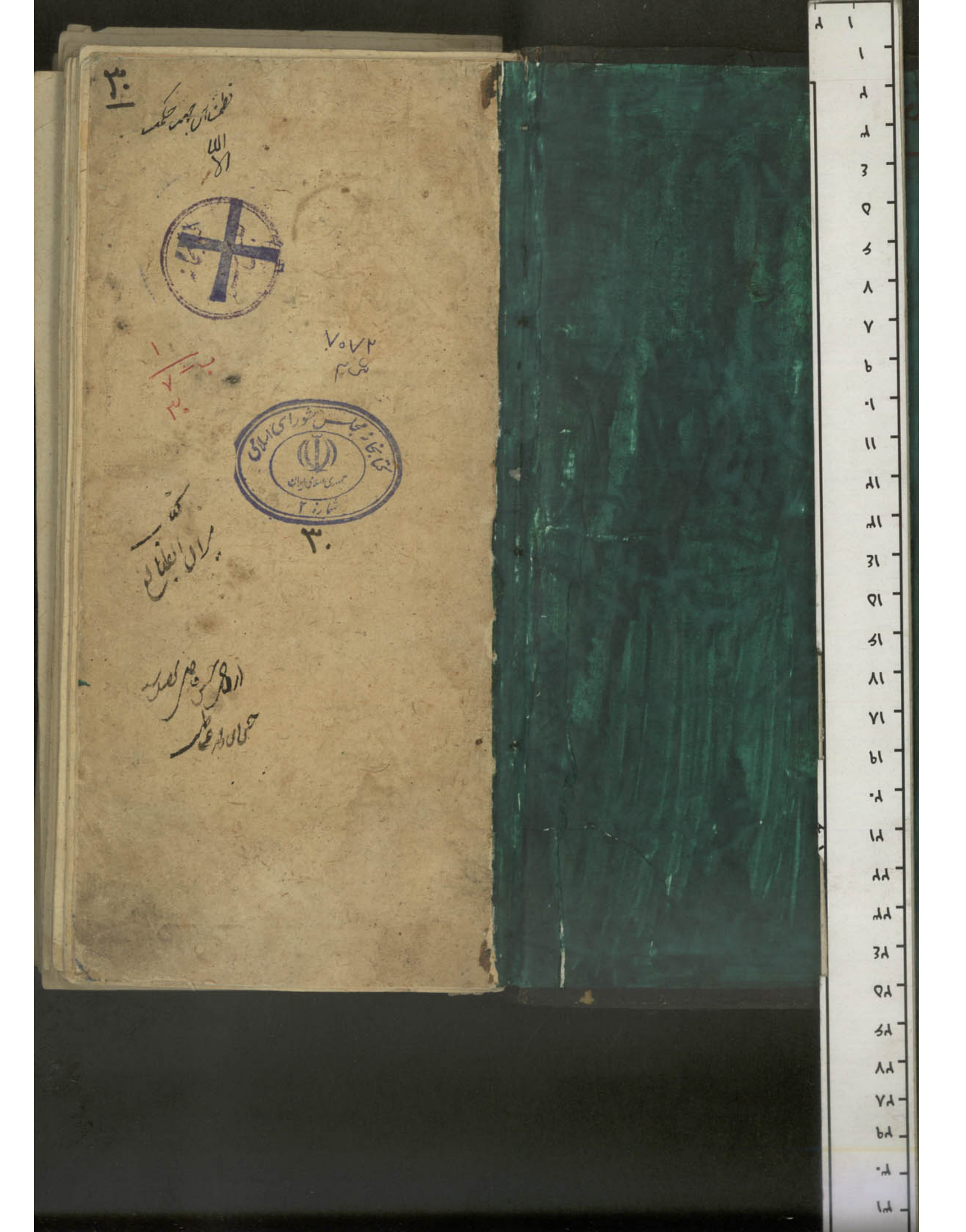
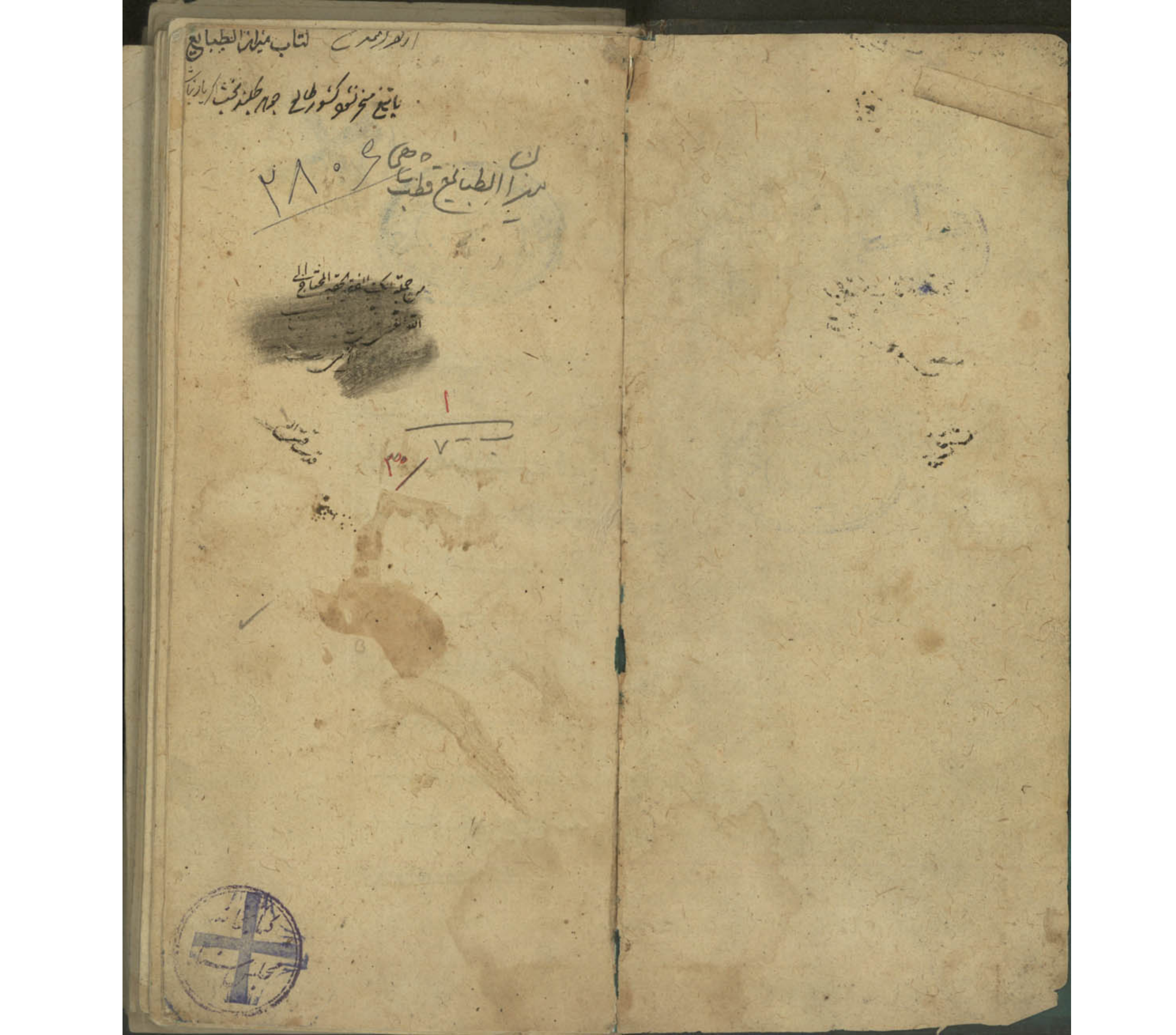




۳۰
۷۰۷۲
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ۲
۳۰





کتاب میزان الطبایع
میزان الطبایع قطب شاهی ۲۸۰۶



بسم الله الرحمن الرحیم

زیب دیباچه هر رساله بستایش صانع حکیمی رواست
که قلوب ارباب عقول را بشناخت حکمت علمی و عملی
هدایت نمود و زینت خطبه هر نسخه بدرود رسول
کریمی سزاست که زنگ علت جرم و گناه از مرآة عقول
اصحاب قلوب بصیقل عنایت زدود علیه و آله
صلوات الله الملک المعبود اما بعد فقیر حقیر تقی الدین
محمد بن صدر الدین علی در معرض می آورد که روزی
از ایام عشرت فرجام که سحر لیلة القدر از هوای جانفزای
کسب انوار سعادت کردی و صبح نوروز از نسیم
دلکشایش گلهای رنگارنگ بصحن گلشن روزگار

آوردی این بضاعت بمساعدت بخت و
معاونت دولت بحضور مجلس فلک رتبت
و جلوس محفل فردوس زینت نواب کامیاب
ثریا جناب سلیمان مرتبت گردون معدلت قطب
سپهر فرمان روائی مرکز دائره کشورگشائی سکندر
ارسطو روش افلاطون جمشید منش گوهر شب چراغ
درج کامرانی اختر گیتی افروز برج جهانبانی روشن
رای که شعله ماه ضمیرش اگر شمع راه عقل
گشتی پرده تاریک خفا از رخساره ماهیت روح
دور نمودی بیضا ضمیری که اگر پرتو مهر رایش
چراغ خلوت خیال نشدی گره ظلمت از رشته
حقیقت جوهر اصم گشودی که جلوه کنان انجمن
سخاوت مهر او معز و حاتم و هنگام جولان معرکه
شجاعت صد هزار اسفندیار و رستم غبار در رزمگاهش

صیقل آینهٔ فتح و نصرت و هوای بزم کامکاریش بهار
گلشن عیش و عشرت از نفحات ریاض عالم
قدس مشام روحش معطر و از انوار مصابیح
مجلس انس صبح جانش منور و ماه خاطر ملکوت
ناظرش از خورشید لوح محفوظ نور پذیرفته
و گلبن ضمیر حق پذیرش از نسیم بهار فردوس
شکفته مطلع انوار شهنشاهی مخزن اسرار عنایت
الهی شعر آنکه ظل الله شد از عالم غیبش خطاب
تا بود در سایهٔ او خلق عالم را پناه ماه برج شهریاری
شمع جمع سروری آفتاب اوج شاهی سایهٔ لطف اله
قیصر خاقان نشان اسکندر دارا حشم خسرو صاحب
قران سلطان محمد قطبشاه من الله تعالی علی کافة الانام
بنظام سلطنت علی الدوام و قیام خلافته
الی یوم القیام سرافراز بود و چنانچه ذات

صاحب مجلس و رسم اصحاب آن محفلست از اقسام و انواع
علوم معقول و منقول ایراد سخن میشد تا بتقریب بعضی
مفرحات و معاجین که دران بزم عشرت آیین باعث
ازدیاد تفریح خاطرهای مسرت آگین بود بعرض اشرف
رسید که فلان خیرخواه قبل ازین رساله مشتمل بر تشخیص امزجه
اکثر تراکیب و قواعد تحقیق آن تألیف نموده و بالفعل نسخه
ازان در کتابخانه خاصه موجود است بعد از استماع این حرف
بر زبان اعجاز ترجمان آن گوهر یکتای آفرینش که معدن
جواهر حکمت و منبع زلال معرفت جاری شد که اگر درین
باب نسخه جدید ترتیب یابد یقین که بمضمون صدق
مقرون مصرع نقاش نقش ثانی بهتر کشد ز اول ترکیب
الفاظش نور افزای دیده اصحاب کمال و فحوای تحقیقات
آرای شکل جدیدش بترتیب معانیش لذت بخش
مذاق ارباب حال خواهد بود و چون این کمترین دولتخواهان
که ممنون اکرام و احسان و مرهون بر و امتنان

آن قدوهٔ سلاطین دوران است همیشه بسرافرازی
رجوع خدمتی امیدوار بود و این امر را غنیمتی شگرف
دانسته انگشت اطاعت بر دیده قبول نهاد و نسخه
قدیم را بکلی برخی از زواید و زیادتی بعضی فواید آراستی
جدید داد امید که از پرتو نظر خورشید اثر آن شهریار
ذره پرور بهره‌مند باد و از چشم زخم کوته بینان آسیبش
مرساد و این رساله که موسوم است بمیزان الطبایع
قطبشاهی مرتب است و صغری و کبری و نتیجه و لازمه
اما صغری مشتملست بر چند مقدمه مقدمهٔ اول آنچه وارد
بدن میشود از قسم ماکول و مشروب چهار قسم است
زیرا که حال خالی از آن نیست که اول بدن دران تصرف
نموده او را تغییر میدهد پس ثانی الحال آن ماکول یا
مشروب تغییر میدهد بدن را و نقل میکند بدن را
بمزاجی مثل مزاج خودش این قسم را اطبا دوای
مطلق میگویند مثل زنجبیل و فلفل و آنچه مانند آنست

یا آنکه آن مشروب و ماکول در بدن تصرف میکند و بدن
را قوت و قدرت آن نیست که در وی تصرف کند و تغییر
آن دهد از ادویهٔ قتال می‌نامند چون بیش و ماشند آن
یا آنکه ماکول و مشروب تغییر میدهند بدن را و اول بدن
دران تصرف نموده تغییر آن میدهد تا ثانیا چون غذای
که از قوت دوا باشد چون ماء الشعیر و آنچه مانند وی است
و این قسم را غذای دوائی خوانند یا آنکه ابتداء بدن
دران تصرف نموده تغییر آن میدهد و از آن متخیل ساخته
جزء اعضا میسازد و از اغذای مطلق گویند پس دوای مطلق
و غذای دوائی که از قوت دواست مساوی قوت
بدن اند یا نزدیک بان و لهذا هر دو هم تغییر میدهند
بدن را و هم از بدن متغیر می‌شوند لیکن دوای مطلق اول
از بدن متغیر میشود و پس بدن را تغییر میدهد و غذای دوائی
اول بدن را تغییر میدهد پس از بدن متغیر میشود و دوای
قتال مثل سم اقوی قوی است از بدن بنابران قادر

نیست که تغیر او دهد بلکه از و متغیر میشود و بدن او قوی است
از غذای مطلق باین سبب تغیر آن میدهد و از و متغیر
نمیشود **مقدمه** باید دانست که احتیاج بغذا بواسطه
آنست که بدل شود آنچیزی را که از بدن تحلیل می یابد
بانقسام تحلیل ظاهر و خفی و غذا بسبب نمو بدن زیادتی
آنست در اقطار ثلثه و نفع میرساند ببدن بسبب جوهر
و بسبب کیفیت و غذا مختلف میباشد بجهت کیفیت چون
غذای معتدل یا غذای گرم یا سرد یا رطب یا یابس
و از حیثیت جوهر نیز مختلف میباشد چون غذای لطیف
و غلیظ و غیر آن و غذا گاه از نباتات میباشد و گاه
از حیوان آنچه از نباتاتست یا از دانه و مغز است
یا از برگ یا از میوه یا از بیخ و آنچه از حیوانست
یا از حیوانیست که بر روی زمین تردد مینماید یا از حیوانیست
که طیران میکند یا در آب شنا میکند و غذا گاه
از اعضای حیوانست و گاه از فضلات آن چون

عسل اما اشربه اشامیدن آن بواسطه ترطیب بدنست
و بدل شدن آنچه از رطوبات بدنی بتحلیل رود و یا بجهت
نرم ساختن غذا و سرعت نفوذ آن و باعضا رسانیدن
و اشربه بر سه قسم است اب و انبذه و اشربه که قایم
مقام ادویه است اما اب غرض از ان ترتیب بدن
و ترقیق غذا و سرعت نفوذ انست باعضا چنانکه مذکور
شد و بانفراده غذای بدن نمیشود و کرسنه و کرسنه
را سیر نمیکرداند و منعقد نمیشود در طبخ معده و اما انبذه
غرض از ان رسانیدن غذاست بسیار اخذا و تغذیه
بدن و گرم ساختن آن بسبب آنکه نشر حرارت غریزی
میکند بسیار بدن و غذا را خوب بهضم میسازد و اما اشربه
که قایم مقام ادویه است مثل سکنجبین و ربوب و شربت
خشخاش و عناب و ترنج و مانند آن غرض از آن تنفید
غذاست بجمیع اعضا و تغذیه بدن و قایم مقام ادویه
بودن در نفع و معالجه یا با جسام تابعست یا با جسام

حیوانی یا باجسام معدنی آنچه باجسام نباتیست یا بیخ
آنست یا برگ یا میوه یا بشاخ و همچنین یا باجزا که از آن
بیرون آمده و منعقد شده چون تداوی بصموغ یا منعقد
نشده چون تداوی بشیره تاک انگور و تداوی باجسام
حیوانی یا شیر طست که آن حیوان زنده باشد چون تداوی
بشیر شتر یا شرط نیست و این قسم یا باجزای حیوانست
و تداوی باجسام معدنی چون طلا و نقره و لاجورد
و غیر آن **مقدمه ثالثه** در بیان اغذیه که مکروهست جمع
کردن ایشان در معده اطبا مکروه داشته اند جمع نمودن
میان دو طعام که هر دو حار باشند یا هر دو بارد
یا هر دو لزج یا هر دو منفخ یا هر دو قابض یا هر دو غلیظ
یا هر دو مرخی و همچنین مکروه داشته اند خوردن
سرکه بعد از برنج و ماست یا ترب یا بعد از ترب
و گوشت مرغ با ماست و انار بعد از هریسه و آب گرم
بعد از طعام شور و آب سرد بعد از میوه و حلوا و طعام

یا بعضدان

گرم

گرم و اما چیزهای که مستحسن است جمع میان ایشان بسبب
آنکه بعضی اصلاح بعضی دیگر میکنند از جمله طعام شیرینست
با طعام ترش که هر یک اصلاح دیگری میکنند و طعام
چرب و شور نیز اصلاح یکدیگر مینمایند و قابض اصلاح
چرب و شیرین میکند و چرب و شیرین اصلاح قابض
مینمایند و ترش مصلح شور است و بعضی را زعم آنست
که جایز است زعم نمودن میان هر قسم غذای که باشد
زیرا که حال خالی از آن نیست که این هر دو غذا متشابهند
یا متضاد اگر متشابهند پس بمنزله آنست که از یک قسم
طعام بسیار خورده شود و این خود ممنوع نیست
و اگر متضادند هر یک دفع مضرت دیگری میکنند و تعدیل
حاصل میشود لیکن این زعم باطلست زیرا که این تقسیم صحیح
نیست چه میتواند بود که هر دو غذا نه متشابه باشند
و نه متضاد بلکه مختلف باشند و مضرت جمع آن دو غذا
به سبب مخالفت باشد نه بسبب تضاد و تشابه یا آنکه

ممکنست که دو چیز ضد یکدیگر باشند و هیچ کدام مصلح
دیگری نباشند و از جمع ایشان تعدیل حاصل نگردد
چنانچه هر دو متفق باشند در غلظت یا در فساد جوهر
یا فساد کیفیتی که عارض هر دو شده باشد و مضاد یکدیگر
نباشند یا فوت حاسه از هر یک از متضادین متأثر
شود بسبب ایذای که از هر دو یابد چنانکه شخصی از
آتش سوخته باشد بر آن موضع برف و یخ گذارند
یقین که از هر دو متأذی خواهد بود و همچنین می‌تواند
بود که دو شیئ متشابه باشند و احدهما دوا مصلح دیگری
باشد چنانکه اتفاق افتد که یکی از آن دو شی ملطف
دیگری نماید و همچنین می‌تواند بود که جمع میان دو شیئ
متشابه ضرر کند بجهت کیفیتی که عارض هر دو شده باشد
یا بسبب خاصیتی که لازم آن اجتماعست یا آنکه مزاج هر دو
متشابهست **مقدمه رابعه** در بیان دانستن مزاج ادویه
و اغذیه دانستن مزاج ادویه و اغذیه یا بتجربه است

یا بقیاس و در تجربه چند شرط مرعی باید داشت تا اعتماد
بر آن توان کرد اول آنکه دوای مجرب خالی باشد از کیفیت
مکتسبه چون آب حمام که گرم باشد احداث حرارت کند
و چون حرارت عارضی زایل شود بمزاج اصلی که برودتست
عاید گردد دوم آنکه تجربه دوا بر ابدان معتدله نمایند
و آنچه ظاهر شود از حرارت و برودت و رطوبت و
یبوست حکم کنند که آن دوا مکیف بآن کیفیت است
که ظاهر شده و بعضی گفته اند که سزاوار آنست که بر علل
متضاده تجربه نمایند تا معلوم شود که کدام را نفع
و کدام را ضرر و باید که بر علت غیر مرکبه تجربه نمایند
که اگر تجربه بر علت مرکبه نمایند معلوم نخواهد شد که بهر
یک از آن دو علت نفع کرد یا ضرر نمود و باید که
قوت دوا مقاومت کند با قوت علت زیرا که برودت
بعضی از ادویه گاه عاجز می باشد از حرارت

علتی و دران اثر تمامی نمیتواند کرد و همچنین گاه حرارت ادویه
حاضر می باشد از برودت علتی پس اگر مجرب خواهد که کار
بر او مشکل نشود باید که اول بر علت ضعیفی تجربه نماید و بتدریج
در علت قوی ترقی نموده قوت دوا را معلوم نماید
سیم مراعات زمانی نماید که فعل و اثر دوا در آن زمان
ظاهر میشود پس اگر در اول استعمال ظاهر شود از دوا فعلی
که مضاد فعلی باشد که در آخر از دوا ظاهر می شود
یا در اول فعلی از دوا ظاهر نشود و در آخر ظاهر
شود ممکنست که آنچه اولا از دوا ظاهر شده بالذات
بوده باشد و آنچه در آخر ظاهر شود بالعرض باشد
چه تواند بود که ابتدا از دوا بالذات فعلی
خفی ظاهر شده باشد و در آخر بالعرض فعل ظاهر
از دوا ظاهر گردد چهارم باید که مراعات
استمرار فعل دوا نماید یعنی باید که فعل دوا دائمی باشد

یا اکثری که اگر گاهی ظاهر شود و اگر اوقات نشود
صدور آن فعل از دوا بالعرض خواهد بود نه بالذات
پنجم باید که حکم کند بر دوا بقیاس ابدانی که آن دوا را در آن
ابدان تجربه نموده یعنی اگر آن دوا در بدن انسان
تخمین نماید حکم کند که این دوا گرمست در بدن انسان و پس
در باقی حیوان حکم بگرمی نماید زیرا که بسیار اتفاق
می افتد که دوای قیاس بدن انسان خاصیتی دارد و قیاس
بیدن باقی حیوانات آن خاصیت ندارد چون سوکران
که غذای جانوریست که آن را زرزور گویند و خربق
غذای جانوریست که آن را سمانی خوانند و بیش غذای
جانوریست که آن را موش بیش نامند و اینها که مذکور
شد همه نسبت ببدن انسان سم قاتل اند و در تجربه
مخاطره بسیار است چنانکه بقراط اشاره بآن نموده
و بسیار باشد که تجربه موجب هلاک بعضی نفوس شود
بجهت آنکه آن دوا از سموم باشد و لهذا اطبای

ما تقدم وصیت نموده اند که دوائی را که اراده تجربه
آن داشته باشی پیش از تناول باید که ملاحظه طعم و
بوی آن دوا نمائی اگر بوی ناخوش و طعم کریه داشته
باشد آن دوا خالی از مضرتی نخواهد بود باید که احتیاط
استعمال آن نمائی و اگر نفرت بسیاری از طبیعت نباشد
استعمال آن توان نمود و چنان نیست که حقیقت مزاج
جمیع ادویه را تجربه یافته باشند بلکه اگر ادویه ابتدا
بطریق اتفاق از آن کیفیتی یافته اند بعد از آن تجربه بر کرده
مکرر و موافق آن اتفاق یافته اند پس حکم کرده اند
که فلان دوا را کیفیت مزاج اینست و بفلان مرض نفع
دارد یا ضرر و گویند که حقیقت بعضی از ادویه بخواب
معلوم شده که فلان دوا را مزاج اینست و فلان مرض را
نافع است و بعد از تجربه چون موافق یافتند اعتماد بر آن
نمودند و حقیقت بسیاری از ادویه باشاره و ارشاد
انبیا و اولیا صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین معلوم

شده

شده و بعضی از حیوانات ملهم شده اند که بعضی از بیماریها
را به بعضی از ادویه مخصوصه معالجه نمایند و مردم بعد از
ملاحظه استعمال نموده اند و همان نفع بر آن مترتب
شده چنانکه مشهور است که بقراط حکیم استخراج نموده
علم حقنه از طایری نمود که در دریا ماهی بسیار میخورد
و چون از آن ممتلی و متاذی میشد آب دریا در دهن
گرفته منقار را در موضع مخصوص می نهاد و آن آب
را در آن موضع میریخت آنچه خورده بود مستفرغ میشد
و مشهور است که مار در ایام زمستان در زیر زمین
پنهان میباشد و چشم او بجهت تاریکی و کم نور میشود
چون صولت برودت زمستان تخفیف می یابد از مکان خود
بیرون آمده طلب نبات رازیانه مینماید و از آن میخورد
و چشم خود بر آن میمالد ظلمتی که عارض شده مرتفع
میگردد و بحالت اول معاودت مینماید بنا بر این
اطبا شیره رازیانه را بجهت ظلمت و ضعف چشم و تقویت

بصر و حرارت آن استعمال مینمایند و نفع مطلوب بران
مترتب میگردد و گویند که باز هرگاه که در درون وی
دردی بهم میرسد صید طایری میکنند که یونانیان آن طایر را
دودیقوس می نامند و از جگر آن مبجوز دان درد مرتفع
میگردد و می تواند بود که حقیقت بسیاری از ادویه
که تا غایت بر کسی معلوم نبوده بعد ازین معلوم شود
و اما دانستن امزجه ادویه بقیاس چند شرط است
از آنجمله سرعت استحاله و بطوء آن سرعت جمود و بطوء آن
طعوم اراییح الوان اما سرعت استحاله و بطوء آن بیان
نحو است که آنچه زود تر مستحیل باتش شود گرم خواهد بود
نسبت بانکه دیرتر شود بشرط آنکه هر دو متساوی باشند
در تخلخل و تکاثف و قوام که اگر مختلف باشند در تخلخل و تکاثف
و متخلخل زود تر مستحیل گردد یا در بدن انسان احداث
حرارت نماید حکم نخواهیم کرد که آن دوا گرمتر است
چه می تواند بود که سرعت استحاله بجهت تخلخل آن دوا

بوده باشد بجهت زیادتی حرارت و اما سرعت جمود
و بطوء آن بر نحویست که اگر دو شئ متساوی در غلظت
و لطافت و یکی از آن دو زود تر منجمد شود از برودت
آن شئ ابرد خواهد بود از آن شئ دیگر که اگر مختلف
باشند در غلظت و لطافت و غلیظ زود تر منجمد گردد
از برودت حکم نخواهیم کرد که آن سرد تر است در
مزاج چه جایز است که جمود آن از غلظت باشد نه از برودت
مجملاً آنچه سرد تر و غلیظ تر است زود منجمد میشود و آنچه
لطیفتر و برودتش کمتر است دیر تر منجمد میگردد و اما طعوم
مفرداتش هشت است دسومت حلاوت مرارت
ملوحت حموضت حرافت عفوصت قبض
اما دسم بجهت مائیت و هوائیت که در اوست
ترطیب و تلیین میکند و معین است بانکه گرم سازد
و ابطال آن مینماید و نرم و هموار میسازد ازا
و طبیعت را نرم میسازد و اما حلو معتدل الحراره

مرخی و منضج است بغیر استخوان قوی و زبان را املس میسازد
و تسکین گزندگی امن مینماید و لذت میدهد و حلو
قوی الحرارة زبان را درشت میگرداند و در یکدیگر میکشد
و تشنگی می آورد اما در ان ارضیتی ست جلا میدهد
و قطع بلغم میکند از سطح اعضا و فی الجمله گرم میسازد و زبان را
بسیار درشت میگرداند و می شوید رطوبات
لزجه که بر سطح آن باشد اما مالح ارضیت و گرم جلا میدهد
بی استخوان قوی و زبان را درشت نمیسازد چنانکه
تلخ درشت میسازد زبان را و می شوید زبان را کمتر
از انکه تلخ میشوید و منع تعفن میکند اما حریف قوی
الحرارتست و ناری لطیف و پاکیزه میسازد
و محللت و تعفن و می سوزاند بجهت گرمی بسیاری که
در اوست و بجهت لطافت جوهر وی و احداث
میکند در زبان گزندگی اما حامض ابی و لطیفست
و تلطیف و تقطیع میکند و سده می گشاید و مجاری

را پاک میگرداند و احداث برودت و خشکی مینماید
و در جوهر زبان فرو میرود و میکشد زبان را کمتر از گزندگی
حریف و گرم نمیسازد و تسکین میدهد صفرا را و مولد
ریاحست و مضرت میرساند بعصب اما قابض ارضیست
جمع میگرداند اجزای اعضا را اینک میسازد مسامات
را و احداث سردی و خشکی مینماید و کند و درشت
میسازد زبان را و قبض میکند زبان را کمتر از قبض
عفص و تقویت شهوت میکند اما عفص ارضی است
جمع میگرداند اجزای اعضا را و کثیف و صلب میسازد
زبان را و بسیار در یکدیگر میکشد بحدی که می فشارد
از او درشت میسازد و گاه هست که دو طعم یا زیاده
در یک چیز جمع میشود چون تیزی و شیرینی در عسل
و بعضی دبیل گفته اند زیرا که طعوم منحصر در هشت است
باین نحو که هر دوائی یا غذائی که هست خالی ازان نیست
که جوهرش کثیف است یا لطیف یا معتدل است

در کثافت ولطافت وهر یک ازین سه قسم خالی از ان
نیست که مزاجش حار است یا بارد است یا معتدل است
میان حرارت وبرودت بنا برین تقسیم نه قسم حاصل
میشود هشت قسم ازان صاحب طعمست ویکی بغیر طعم کثیف
حار وتلخست کثیف بارد عفص کثیف معتدل در گرمی وسردی
حلو لطیف حار حریف لطیف بارد حامض لطیف معتدل
دسم متوسط در کثافت ولطافت حار مالح متوسط
در کثافت ولطافت بارد قابض متوسط در کثافت
ولطافت معتدل تفه که بی طعمست وگاهست که یک
شی مرکب از دو چیز است یکی بارد بی طعم ودیگری
حار با طعم ومرکب بارد است بواسطه انکه جوهر بارد
غالبست بر وی وجوهر حار مغمور ومضمحلست در وی پس طعم از
طعم جوهر حار است وفعلش فعل بارد چون افیون
که آن تلخ وسرد است با انکه تلخی آن از جوهر حار است
وتاثیرش از جوهر باردی که طعم وی غالب نیست

واکثر

واکثر این قسم که اتفاق می افتد در طرف سردی می باشد
یعنی طعم وی دلالت بر حرارت میکند وغالب
بر مزاج آن شی برودتست چون اثر حرارت قوی را است
وظاهر تر طعمی که مقتضای حرارتست ازان ظاهر میشود وغالبست
بران از جمله اموری که توضیح این مطلب نماید وموجب
زیادتی بیان آن باشد انست که اگر اندکی از صبر در
بسیاری از دوغ ترش اندازی از تلخی بیازد اما مزاج
انرا گرم نخواهد ساخت پس هرگاه بطریق صناعت
ممکن باشد که چیزی طعم دهد وتغییر مزاج ندهد جایز خواهد بود
که بطریق طبیعت این قسم چیزی موجود گردد واما
از رایحه ممکنست که ازان استنباط مزاج اشیا نمایند
ولهذا بسیاری از اشیا مزاج وی از بوی وی معلوم
میشود بغیر انکه چشیده شود وبسیار واقع میشود که طعم
با بوی مخالف می باشد مثل گل خوشبوی که با وجود
بوی خوش طعمش از تلخی وعفوصت خالی نیست واکثر

آنست که رایحه از جوهر حار می باشد خصوصاً کاهی
که مایل بشیرینی باشد یا از زکرندگی محسوس شود
یا بوی شدید لطیف داشته باشد و آنچه از وی حموضت
و تکرّج محسوس شود بارد خواهد بود و اگر خوشبوها گرم
می باشد مگر آنچه با او تسکین نفسی باشد چون کافور و نیلوفر
و افاویه جمیعها گرمند و لهذا قصد عنبر و در دهری
آورند و آنچه بو ندارد در مراتب از طعم و فعل معلوم
توان کرد و آنچه او را رایحه باشد دلالت میکند
بر لطافت مزاج اما در همه جا حکم نمودن بر مزاج
و استنباط آن از رایحه نمودن موثوق به نیست و اعتماد
را نمی شاید و اما الوان استدلال بآن دون استدلال
با رایح است و اضعف چیزهاییست که از آن استدلال
مینمایند بر مزاج و وجه ضعف استدلال بالوان
مثل آنست که در طعوم گفته شد زیرا که جایز است
که یک شیء مرکب باشد از دو جوهر حار و بارد و هر دو

والوان

الوانی باشد که دلالت کند بر برد و حار را لون نباشد
و جوهر حار غالب باشد بر آن شیء پس تأثیر جوهر حار
غالب را خواهد بود نه بارد صاحب لون را و گاه
هست که استدلال مینمایند بر افراد یک نوع بمقایسه
بعضی ببعضی بلون مثل بار و حبوب و بر و ر باین نحو که
از افراد یک نوع هر کدام که سفیدتر است ابرد است
و آنچه سفیدیش کمتر است احر است و بعضی این استدلال
را قبول ندارند و میگویند که اشیائی که از یکنوع حار باشند
آنچه از افراد آن نوع سفیدتر است حرارتش
بیشتر است و آنچه سفیدیش کمتر است حرارتش کمتر است
و نوع بارد آنچه از افراد آن نوع سفیدتر است
برودتش بیشتر است و آنچه سفیدیش کمتر است لیکن
رای اول صحیح و اظهر است زیرا که شراب نوع آن
حار است و سفید از آن گرمیش کمتر است بخلاف آنچه
قایل دوم ذکر کرده و اعتقاد نموده و بنا بر قول

قایل دوم بایست که شراب سفید گرمتر باشد و دلیل
بر صحت قول اول آثار و افعالست که از شراب سفید
ظاهر میشود و همچنین دلیل کافیست این مطلب را

در معرفت امزجه مرکبات مزاج مرکبات

و درجه ان امزجه مفردات و درجات ان معلوم باید کرد
پس اگر مرکب مرکب باشد از کیفیات متضاده مقابله
باید کرد درج حار را با درج بارد و رطب را با یابس
اگر هر دو متساوی باشند حکم باعتدال مرکب باید کرد
و اگر احدهما فاضل باشد حکم کنیم بر مرکب بمزاج
فاضل و اگر مرکب باشد از کیفیات متشابهه مثلاً
مجموع اجزا حار باشد یا مجموع بارد و اگر متساوی
باشند در درجه مزاج ان مرکب مثل مزاج مفردات
ان مرکب باشد و اگر یکی از مفردات در درجه
اولی باشد و دیگری در غیر اولی مزاج مرکب
مختلف باشد مثلاً اگر یکی از مفردات گرم باشد

در درجه اولی و دیگری گرم باشد و در درجه ثالثه
مزاج مرکب از ان دو جزو گرم خواهد بود در درجه
ثانیه چنانکه اگر آب نیم گرم را باب گرم ممزوج سازیم آن
آب ممزوج گرمتر از آب نیم گرم و سردتر از آب گرم
خواهد بود اگر کسی گوید که بنابر ان که تو بیان کردی
لازم می اید که حار و بارد مساوی باشند در افعال
ذاتیه زیرا که اگر بارد در درجه اولی را اضافه نماییم
با حار در درجه ثالثه مزاج مرکب از ان دو جزو می
باید که گرم باشد در درجه ثانیه بواسطه انکه یک درجه
از برودت مقابله باشد با یک درجه از حرارت
و باقی ماند مرکب حار و در دو درجه پس فرق نباشد
میان حار درجه اولی و بارد در درجه اولی جواب
گوییم که مرکب از بارد در درجه اولی و حارد در درجه
ثالثه حار در درجه ثانیه نیست زیرا که چون درجه
از برودت مقابله شد با درجه از حرارت

باقی ماند نصف مرکب حار در دو درجه و نصف دیگر
از مرکب معتدل شد بجهت تقابل درجه برودت
با درجه حرارت و چون اضافه نمودیم معتدل را
با حار در دو درجه مرکبی حاصل شد که حرارت آن کمتر
از دو درجه است پس حار و بارد مساوی نباشند
و التفرقه باشد میان هر دو و توضیح این مقام آنست
که مراد اطبا ازین قول که فلان دوا گرمست در درجه
اول آنست که در آن دوا دو جزء گرم است و یک جزء
بارد یک جزو بارد مقاومت کرد با یک جزء حار
و معتدل شد و آن دوا باقی ماند در یک جزو گرم و مراد
از آنکه فلان دوا گرمست در درجه سیم آنست که در آن
دوا چهار جزو گرم است و یک جزء سرد یک جزو
گرم مقاومت نمود با یک جزو سرد و آن دوا باقی
ماند در سه جزو گرم پس چون دو مثال مذکور ترکیب
سازیم آن دو جزو را در آن مرکب شش جزو

گرم خواهد بود و دو جزو سرد بعد از مقابله دو جزو
سرد با دو جزو گرم باقی میماند نصف مرکب گرم
در چهار جزو چون این چهار جزو گرم سرایت کند
در مجموع مرکب گرم خواهد بود در دو درجه و اگر مرکبی
فرض کنیم از یک جزو بارد در یک درجه و یک
جزو گرم در سه درجه درین مرکب سه جزو بارد خواهد
بود و پنج جزو حار بعد از مقابله باقی میماند نصف
مرکب گرم در دو جزو و بعد از سریان گرم خواهد
بود در یک درجه پس ظاهر شد که مرکب از حار در
یکدرجه و حار در سه درجه حار است در دو درجه و مرکب
از بارد و یک درجه و حار در سه درجه حار است
در یکدرجه

مقدمهٔ خامسه در معرفت

قانون ترکیب ادویه در اکثر کتب طبی مذکور است
که طبیب را سزاوار آنست که اگر دوای مفرد را در
مرضی که علاج میکند کافی داند از آن تجاوز

[illegible]

نماید زیرا که مفرد اخفت بر طبیعت از مرکب دیگر آنکه
دوای مفردی که در مرکبات می باشد اگر آنست
که شربت تام نیست پس فایده که بر شربت تام مترتب
میشود بران مترتب نخواهد شد و اگر احیاناً آن دوای
مفرد در ادای مقصود خود کافی نباید دران صورت جایز است
او را که ترکیب نماید و بدوای مرکب معالجه کند و اینکه
دوای مفرد در مقصود کافی نباشد بواسطه دو امر
میتواند بود اول آنکه دران دوا ضعفی و حالتی باشد
که علاج مقتضی و مستدعی آن باشد که اصلاح آن دوا باید
کرد که بجهت آن علاج و ممکن نباشد اصلاح مگر بضم نمودن
دوای دیگر با آن دوای مفرد دوم آنکه مرضی که طبیب
علاج میکند مرکب باشد و مقتضی آن باشد که دوای
دیگر را با آن ضم باید کرد اما اول منقسم بچند قسم میشود
اول آنکه دوای مفرد حار بالطبع باشد و طبیعت بسبب
حارتی که آن دوا دارد قبول نکند دران صورت

چیزی

چیزی دیگر با آن اضافه باید کرد تا حدت آن دوا را
زایل سازد مثلاً زنجبیل چون حدتی در وی موجود است
با عسل ضم نموده مربا می سازند تا حدت طعم آن شکسته
شود دوم آنکه حاد الرائحه باشد پس چیزی با آن اضافه
باید نمود تا حدت ازا ساقط گرداند مثلاً خیارشنبر
چون حدت رایحه در وی موجود است گلاب با آن
منضم می سازند تا طبیعت و معده از آن نفرت ننماید و
موجب غثیان نشود سیم آنکه ضعیف القوه باشد و وفا
بمقصود نکند پس چیزی را با آن منضم باید کرد تا تقویت
آن نماید مثلاً تربد زنجبیل را با آن اضافه میکنند تا بقوت
آن بلغم غلیظ را دفع کند و از این قبیل است ضم نمودن دوای
گرم با دوای گرم دیگر تا بسبب انضمام حرارت
و سخونت آن قوی شود و در امری که از آن مطلوب است
اتم و اقوی باشد چه حرارت دوای مفرد وفا بمقصود
نمیکند و همچنین ضم نمودن دوای بارد با دوای بارد

دیگر گاهی که احتیاج بتبرید زاید بوده باشد چهارم
انکه آن دوای مفرد قوی القوه باشد و مقصود بکمتر
ازان حاصل شود و زیادتی قوت ضرر داشته باشد
مثلا زنجار ضم مینمایند با وضع را در شیاف زنجار
تا قوت زنجار را بشکند و کم سازد و از این مقوله است
ضم نمودن دوای حار با دوای بارد پنجم انکه دوای
مفرد سریع النفوذ باشد و در موضعی که مقصود
عمل آن دواست توقف نماید پس چیزی با ان اضافه
مینمایند که ان دوا را در ان موضع نگاه دارد تا مطلوب
ازان بحصول پیوندد مثلا داروییکه مفتح سده جگر است
مثل تخم رازیانه و تخم کرفس و انیسون که سریع النفوذ اند
از جگر پس با ایشان دوای جاذبه ضم باید نمود که آن
دوا را بضد جهت جگر جذب نماید مثل تخم ترب که جاذبست
بفم معده پس دوا را در جگر انقدر نگاه میدارد که منفعتی
که ازان دوا مطلوبست بجگر برسد بعد ازان نفوذ کند

ششم

ششم انکه دوای مفرد بطی النفوذ است و پیش از انکه
بعضو مقصود رسد قوت ان باطل میگردد یا ضعیف
میشود و این قسم منقسم بدو قسم میگردد بواسطه انکه بطوء
نفوذ بواسطه انست که ان دوا منقسم بدو قسم میشود
یک قسم متوجه عضوی میشود که مقصود علاج ان عضو است
و قسمی دیگر متوجه عضوی دیگر و بهمین سبب که بعضی
ازان دوا بعضوی دیگر میرود موجب بطوء نفوذ
باقییست بعضو مقصود خصوصا گاهی که بیشتر متوجه
عضو غیر مقصود باشد و یا نه بواسطه انست در صورت
دوم چیزی با ان اضافه باید نمود که مسرع نفوذ آن
دوا باشد و این دو وجه است بواسطه انکه مسرع
یا ان دوا را بعضو مخصوص میرساند یا بجمیع اعضا
انکه بجمیع اعضا میرساند مثل مهر که بواسطه حدتی که
در انست روغن گل را با وجود لزوجت بجمیع مسالک
و مجاری میرساند و انکه بعضو مخصوص میرساند

چون رسانیدن زعفران کافور را در قرص کافور بدل
و بعد از رسانیدن طبیعت در ان عمل نموده ابطال عمل
زعفران مینماید و دل را بکافور سرد میسازد و همچنین بابونه
که در ان دو قوتست قوت تحلیل و قوت قبض عمل قوت
تحلیل در نفس عضو ملست و عمل قوت قابضه در مجاری
ماده که منع ریختن ان ماده مینماید در ان مجاری و در صورت
اول که بطو نفوذ دو اسطه است که ان دوا منقسم
بدو قسم میشود بعضی متوجه عضو مقصود و بعضی متوجه
عضو غیر مقصود لازمست که چیزی با ان منضم سازند
که مخصوص سازد ان دوا را بعضوی که مقصود علاج
آن عضو است چنانکه دراریح را بادویه مدره منضم
میسازند تا آن ادویه مدره دراریح را از جهت
عروق بر گردانیده بطرف کلیه و مثانه متوجه گردانند
اما امر دوم که موجب ترکیب ادویه ترکیب مرض باشد
این نیز منقسم بچند قسم میشود اول انکه مرض مرکب

را دو حال باشد که دوای مفرد مقابله با ان دو حال نتوانند
کرد چنانکه در قرحه متوسخه دوای مفردی که هم اصلاح
قرحه کند و هم چرک و وسخ را دور کند بهم نمیرسد بالضروره
چیزی که گوشت رویاند اضافه مینمایند بچیزی که چرک
و وسخ را خورده دور کند چنانکه در مرهم زنجار را
بتنخ را که گوشت میرویاند با زنجار که چرک و وسخ را میخورد
اضافه مینمایند دوم انکه مرض مرکب را دو حال باشد
و دوای مفردی که متقاومست با ان دو حال کند بهم میرسد
اما یکی از دو قوت دوای مفرد ضعیف است و وفا
بدفع یک مرض میکند پس چیزی با ان منضم میسازند
که ان قوت را قوی سازد و معادله و مقابله با مرض
بکند و شیخ ابو علی مثل بابونه فرموده اند که در ان
قوت تحلیل بیشتر است و قوت قبض کمتر محتاج بقبض
شدند باشیم دوای بسیط قابضی با ان منضم میسازیم
تا در امر مقصود تمام باشد سیم انکه مرض مرکب را دو

حال باشد و دوای مفرد را دو قوت باشد که هر یک
از آن دو قوت وفا کند بمقصود اما احدهما اقوی باشد
و موافق مقصود نباشد پس چیزی بآن اضافه باید نمود
که یکی از آن دو قوت دوای مفرد را ضعیف سازد تا موافق
مطلوب شود مثلاً چیزی منضج میسازیم بابونه که تحلیل از
فی الجمله کمتر سازد و تعدیل کند تا مساوی مرض شود چهارم
آنکه مرض مرکب را دو حال باشد و دوای مفرد بی
بهم رسد که از او دو قوت باشد که وفا کند بهر دو و لیکن
یکی از آن دو حال که مرض را وقعت اقوی باشد از دیگری
پس محتاجیم که چیزی اضافه دوای مفرد نماییم که تقویت
آن قوت نماید که در مقابل یکی از آن دو حال مرض است
چنانکه در مرض سل و تب کسی که از امرکب میدهد
حرارت دقیه اقوی باشد از قرحه شش و برودت
ماء الشعیر وفا نکند بتطفیه حرارت دقیه و اگر چه
جلایی که در اوست وفا میکند بقرحه شش بالضروره

کافور را

کافور را اضافه ماء الشعیر باید نمود تا برودت
ماء الشعیر ببرودت کافور تقویت یافته وفا کند بدفع
حرارت دقیه **کلمه ثانیه** در بیان مقادیر اوزان
اجزای مرکبات شیخ ابو علی در قانون میفرماید
که هر گاه که محتاج شوی بچند امر که در یک دوا بهم نرسد
و بالضروره ترکیب چند دوا باید کرد تا آن مدعیات
بفعل آید مثلاً محتاج شوی باستفراغ سقمونیا و شحم
الحنظل و صبر و تربد واجبست بر تو که ملاحظه نمایی اگر آن
مدعیاتی که داری همه در یک مرتبه اند و هیچ یک را زیادتی
بر دیگری نیست باید که از هر یک از این چهار دوا نوع
شربت آن دوا اخذ نموده ترکیب و اگر آن مدعیات
مختلف باشند و بعضی احتیاج بیشتر از بعض دیگر باشد
و بعضی کمتر باید که حدس صناعی بکار داشته تقدیر
و تخمین قدر حاجت نمایی و نسبت حاجت را بحاجت
دیگر قانون سازی و بهمان نسبت از شربات بعضی

از دو واجبری کم کنی و بعضی دیگر جیزی بیفزایی و ترکیب
نمایی تا مطلوب حاصل گردد و اجزای مرکب بعضی اصل
و عمود اند دران مرکب که اگر اهمال دران جزو شود و یا بدل
آن جزو دیگر داخل نمایی فایده که مقصود است ازان
مرکب بالکلیه باطل و مرتفع میشود و یا کمتر میشود مثل گوشت
افعی در تریاق فاروق و صبر در ایارج فیقرا و خربق
در ایارج لوغاذیا و بعضی دیگر اصل و عمود نیستند اگر
اسقاط آن نمایی یا بدل آن کنی یا بعضی را کم کنی و بعضی
را زیاد جایز است و فایده که مقصود است ازان
مرکب باطل نمیشود و بعضی اجزا ازین قبیل است که اگر
زیاد کنی ضرر دارد مثلاً اگر در تریاق بلادر زیاده
کنی از وزن مقرر ادویه را فاسد بسیار زود خصوصاً
گوشت افعی را و بعضی خبائث که اگر زیاد کنی ضرر ندارد
چون جوز بوا در تریاق و صاحب منهاج الادویه
این مطلب را بسطی هرچه تمامتر ذکر کرده میفرماید

اما مقادیر اوزان ادویه مفرده که در مرکبات
ماخوذ است مختلف میشود بقلت و کثرت و توسط
بواسطه اختلاف حالات ادویه در قوت و ضعف
و غیر آن و آن بدو طریق معلوم میشود یکی مفرد و دیگری
مرکب اما طریق مفرد چنانست که گوییم اختلاف
اوزان ادویه مفرده در مرکبات یا بسبب قوت
دواست یا ضعف آن و یا بجهت کثرت منافع است
یا بجهت قلت آن و یا به سبب شرف آن دوا است
یا خست آن و یا بواسطه آنست که آن دوا منفرد
و مخصوص است بنفعی و غیر را در آن شرکتی نیست یا غیر
دران منفعت با آن دوا شرکت است و یا موضعی که معالجه
میشود از مفرده دور است یا نزدیک است یا آن دوا
مضر است بعضی اعضا یا دران مرکب بعضی از ادویه
موجود است که مضرت میرسانند بان دوا لیس
اگر دوا قوی باشند اندکی ازان در مرکب باید کرد

واگر ضعیف باشد بسیار باید کرد و اگر کثیر المنافعت
بسیار باید کرد و اگر قلیل المنافعت اندک و اگر
شریف المنافعت بسیار باید کرد و اگر خسیس المنافعت
اندک و اگر مخصوص و منفرد است بنفعی که در باب قوی
ادویه ان مرکب نیست بسیار باید کرد و اگر در ترکیب
ادویه دیگر باشد که همان نفع دهد کمتر باید کرد
واگر موضع عضوی که معالجه میکنیم دور باشد از معده
بسیار باید کرد و اگر نزدیک باشد اندک
واگر ان دوا مضر باشد بعضی اعضا یا کم کند نفع بعضی
از ادویه را که در ان مرکبست اندک باید کرد و اگر
در مرکب بعضی از ادویه باشد که قوت دوایی
را کم کند آن دوا را در مرکب بسیار باید کرد پس معلوم
شد که اسباب بسیار کردن دوای مفرد در مرکب
یکی از چند امر است ضعف دوا و کثرت منافع
و شرف ان و دوری عضو مداوی از موضعی که این

دوا باو میرسد و منفرد بودن دوا بمنفعتی و بودن دوای
در مرکب که از شان ان دوا باشد که ضعیف سازد
قوت دوای نافع را و اضداد این اسباب موجب
انست که دوای مفرد را در مرکب کمتر کنند و آن
قوت دوا است و قلت منفعت و خست دوا و قرب
عضو مداوی از موضعی که دوا بان میرسد و شارکت
غیر با آن دوا در منفعت و انکه در مرکب دوایی باشد
که از شان آن باشد که قوت دوای نافع را
ضعیف سازد و اما طریق مرکب که معلوم شود از ان
مقدار وزن دوای مفرد که در مرکب داخل
میکنند و ان ترکیب طریق مفرد است که مذکور شد
و بالجمله هر گاه که در دوا دو سبب یا بیشتر از ین
اسبابی که مذکور شد بهم رسد اگر ان اسباب
مقتضی اکثار است بسیار باید کرد و اگر مقتضی
تقلیلست کم باید کرد و اگر یکی از اسباب

مقتضی تقلیل میانه باید کرد مایل بکمی و اگر اسبابی
که مقتضی اکثار است بیشتر باشد میانه باید کرد به بسیاری
و اگر اسباب کثرت و قلت متساوی باشد مقدار
معتدل باید کرد نه بسیار و نه کم **کلمهٔ ثالثه** در شناختن
آنکه داروها را چگونه ترکیب باید کرد صاحب ذخیرهٔ
خوارزمشاهی میفرماید که داروهای مرکب بعضی معجونها
باشد و بعضی اقراص و بعضی حبها و بعضی شیاف و بعضی
ضماد و مرهم و آنچه بدین ماند هر گاه که ترکیب خواهد
کرد نخست دارو بباید شناخت و بباید گزید تا بهتر
باشد پس از خاک و چیزهای که بآن آمیخته باشد
پاک باید کرد و آنگاه هر چه کوفتنی باشد بهاون
سنگین باید کوفت و بحریر بباید بیخت و دارو
هر چند نرمتر باشد ترکیب آن خوبتر آید و منفعت
آن تمامتر بود مگر داروهای گوارش که بسی نرم
نباید کرد خاصه گوارش ریزه چنانکه جالینوس

[illegible]

میگوید

میگوید که من گوارش ریزه بکار داشتم و آن منفعت
که از وی توقع کردم نیافتم لیکن ادرار بول آورد
و از آن رنج دیدم اندر و یقین شدم که مزاج من بحد الحد
تا بهست که مرا از این دارو منفعت نمی باشد و مضرت
می باید پس گمان بردم که اخلاط آن سخت نرم بود
دیگر باره بساختم و اخلاط آن درشت تر کردم منفعت
آن بدید آمد دانستم که اخلاط چنین گوارشها سخت نرم
نمی باید و داروها هر یک جدا باید کوفت و از آن آن
راست باید کرد و هر چه صمغها و عصارها باشد از آن
اندر شراب و غیر آن تر باید کرد و اندر داروها بمالید
تا هموار شود پس از آن انگبین بباید بیخت پس داروهای
کوفته بر وی بباید پراکندن و شیر شتر اما آنچه زمستان
سرشند انگبین سه بار هم سنگ داروها باید و آنچه
تابستان سرشند انگبین دو بار و نیم هم سنگ داروها
و انگبین صاف کرده باید و از موم جدا کرده

و کفک بر داشته و معجون اندر ظرف چندان باید که
چهار انگشت ناقص بود تا اگر ترکیبی باشد بر جوشد و دم
زند تباه نشود و ظرف را سخت کنند و معجونهای بزرگ را
هر چند گاهی بباید جنبانید تا بخار از وی بر رود و دم زند
تا آن وقت که تمام شود و بعد از آنکه نگاه باید داشت
و اقراص را نخست دار و ها نرم باید کرد و اندر هاون
بگلاب یا بد الغصاره که اقراص بدان خواهند سرشت
و گلاب یا عصاره اندک اندک بر دارو همی باید
چکانید و میکوفت تا هموار سرشته شود چنانکه
اقراص توان کرد و اندر سایه خشک باید کرد و هر بدارو
و شیافها نگاه می باید کرد و از غبار و دود نگاه باید
داشت تا خشک شود و تباه نشود و سنگریزه نگردد و اگر
اقراص لک سازند نخست لک را پاک باید کرد و شستن
چنانکه بگیرد و هیچ اذخر و ریوند صینی اندر آب بپزند
و لک را بکوبند و بحریر فرو گذارند و اندر هاون کنند
و این آب بر وی بچکانند و می مالند و می پالایند تا تمام
بحریر فرو گذارد و حبها که اندر وی مقل و کتیرا و دیگر
صمغها بود نخست آنرا بگلاب یا بعصاره که اندر کتاب
یاد کرده شد حل باید کرد و در هاون مالیدن تا هموار شود
پس دارو بر وی پراکندن و کوفتن تا سرشته شود
پس حب کردن **رابعه** در داشتن بعضی دارو ها که
بباید شست و بباید سوخت و بریان باید کرد و بریان کردن
هلیله نخست
هلیله را پاک کنند و بکوبند و به بپزند و اندر آب
بجوشانند و نگاه دارند تا آب را نشف کند پس آنرا
بروغن زیت یا روغن گاو بجوشانند و نگاه دارند
تا نسوزد و بریان کردن تخمها تخم را پاک باید کرد و سفال
نو بر آتش نهاد تا گرم شود پس از آتش بدارند و تخم
در وی کنند و می گردانند تا تخم از سفال گرم شود
و بوی آن ظاهر شود و نگاه باید داشت تا نسوزد
شستن سنگها که اندر دارو های چشم بکار آید

چون توتیا و شادنج و قلیمیا ان و غیران نخست از ا
رزم بباید سود و آب صافی اندر هاون کردن و
ان اب را بسودنج از هاون بپاله چینی باز بسکردانیدن
تا هر چه با آب برود اندرین پیاله گرفته شود باقی
را سودن با اب و در پیاله می کردانیدن تا هر چه
کوهر دارو بود و بتوان سودن سوده شود و با اب
برود و انچه ریگ بود بماند پس پیاله را بباید پوشید
و بنهاد تا دارو در پیاله نشیند پس اب از وی بیز
بیرون ریختن و باقی را در افتاب خشک کردن و از
کرد نگاه داشتن مروارید و بسد را که در مفرحات
بکار دارند همچنین باید کرد و از مغسول خواهند
و حجر ارمنی و حجر لاجورد که اندر داروها بکار دارند
همچنین مغسول باید کرد سوختن بسد و مرجان و کهربا
و صدف و غیران هر یکی را اندر کوزهٔ سفال نو باید
کرد و کوزه در گل حکمت باید گرفت و در تنور گرم باید

نهاد یک شب تا چنان شود که بتوان سود سوختن الحجر آبگینه
کوهر ابگینه را اندر آتش باید نهاد تا سرخ شود پس اندر
اب اشخار سرد انداختن تا ریزان شود و اسان توان
سود و یا قوت و لیشب را و هر چه مانند آن باشد همچنین باید
کرد تا کفته و سوده شود و لیکن اندر اب سرد باید
انداختن بی اشخار سرطان تابستان که اقتاب
در اسد باشد سرطان را باید گرفت و اطراف او را دو
کردن و شکم او را پاک شستن و اندر کوزهٔ نو نهادن
و کوزه را در گل حکمت گرفتن و یک شب اندر تنور
گرم که آتش از وی بیرون کرده باشند نهادن تا خاکستر
نشود و لیکن بریان شود و اگر اندر شیشه نو نهند بهتر باشد
و کژدم را اندر شیشه باید کرد تا انچه رطوبت او را نکاه
دارد و نشف نکند عمل قیروطی نخست روغن که باید
کرد و موم اندر روی کد خت و اندر ده درم روغن
دو درم موم باید کرد و انچه بوی کرفت خواهند کرد

از عصارها و غیر آن پاره پاره اندر هاون برین می باید
افکند و بدسته هاون مالیدن تا هموار گردد مرهمها و ضمادها
هم برین گونه باید ساخت خاصه آنچه اندر وی موم
روغن بود و هر موم روغنی که اندر فصل تابستان
سازند ده درم روغن سه درم موم باید کرد
و در فصل زمستان دو درم عمل روغنها بر چشمی و گیاهی
که بروغن آن حاجت آید نخست از آنچه کوفته باید کرد
و اندر آب خیسانید و یکشبانروز بگذاشت و آب
چندان باید کرد که دو انگشت بالای دارو بود پس
دیگر روز باید جوشانید و بدست مالیدن و فشردن
و صاف کردن و سه یک وزن آب روغن کنجد با وی
باید آمیختن و باتش نرم بجوشانیدن تا روغن بماند
و آب برود و اگر سخت تر باشد داروی از آتش ساعت
باید پخت و هر ساعت آب گرم زیادت میکردن
پس بمالیدن و اندر دیگ کنند و در میان آب بجوشانند

تا دارو

تا دارو پخته شود پس بمالند و بپالایند و آب را شیشه
باز گردانند و روغن بر افکنند و دیگر بار بهم درمیان
آب کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند تریاق
اربعه این تریاق منفعت کند بگزیدگی عقرب و عنکبوت
و جمیع بیماریهای سرد را و بادهای غلیظ که در معده و روده
و جگر و سپرز بود و صرع و خفقان را سود دهد
و اگر زنی را بچه زیان افتد یا دشوار زاید یکمثقال ازین
تریاق فرو برد سهل و آسان گردد اخلاط جنطیانای
رومی حب الغار زراوند طویل مر اجزاً مساوی یکدیگر
عسل بقدر کفایت شربتی یکمثقال با آب گرم و صاحب
جوامع میگوید که بعضی بجای مر قسط تلخ میکنند مزاجش
گرمست در دو درجه و نیم خشکست در آخر دو درجه
تریاق شبه بعد از تریاق اربعه این تریاق ساختند
و منفعت این زیاده است اجزای آن زراوند
طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صافی

قسط خطیا نا عروق اجزا مساوی یکدیگر همه را بکوبند
و با انگبین بسرشند شربتی یکمثقال مزاج گرمست و خشک
در اخر دو درجه تریاق الطین تریاقیست آزموده کسی را
که زهر داده باشند یا حیوانی زهرناک گزیده باشد
این تریاق بدهند قی آرد تا قوت زهر تمام از تن
بیرون کشد و بعد از آن هم می باید داد تا تن پاک
شود و اگر تهمتی افتاده باشد که زهر داده اند و نداده
باشند بدین تریاق معلوم شود که داده اند یا نه از
بهر آنکه اندرین زهر باشد هرچند ازین تریاق بخورند
قی کنند اجزای آن حب الغار گل مختوم را استار است
بکوبند و بر روغن گاو چرب کنند و بعسل مصفا بسرشند
شربتی مثل یک فندق در سه وقیه ماء العسل مزاج گرمست
و خشک در اخر یک درجه و نیم تریاق غزنوی این تریاقیست
که غزنه راست کرده و خلیفه تریاق فاروقیست
در جمیع امور اخلاط اجزا ما دوازده مثقال تفاح

از نخ

و خر هشت مثقال عاقرقرحا شش مثقال زعفران سی
و شش مثقال مر دوازده مثقال فطراسالیون دوقو از
هر یک سه مثقال کندر امی مثقال عصاره لحیه التیس هشت
مثقال زنجبیل سوسن آسمانجونی یازده مثقال تخم بادیان
شش مثقال مقل ازرق هشت مثقال لبان سفید
بیست و هشت مثقال کبریت شش مثقال زرنبج
بیست و هشت مثقال سلیخه ده مثقال خشخاش سفید
سی مثقال سنبل هندی دوازده مثقال تخم سداب
یکمثقال تخم ترنج پوست کنده سماق شامی از هر یک
دو مثقال تخم شبت کبد المالک اسارون فودنج
فرفیون افیون از هر یک شش مثقال فلفل سیاه سی
مثقال گل سرخ خشک مقروع الاقماع ده مثقال
ساذج دوازده مثقال دهن بلسان بیست و چهار
مثقال ناردین اقلیطی فقاح الکروم از هر یک
شش مثقال لک منقی دوازده مثقال مامیثا و فلفل

دارچینی سی و شش مثقال

از هر یک دوازده مثقال فقاع سنبل رومی شش مثقال
ریوند چینی دوازده مثقال فو شش مثقال فقاح موجهیا
مثقال و نیم قیمولیا دوازده مثقال عصاره قیصوم
بیست مثقال تخم کاسنی بیست مثقال قسط تلخ خیطیانا
از هر یک دوازده مثقال ورق ترنج سیزده مثقال
ورق ترنج سیزده مثقال قرص اندرو خوردن
نه مثقال انیسون شش مثقال اذخر دوازده مثقال
عسل بقدر کفایت این نسخه پنجاه و یک جزو است
وزن آن پانصد و هفتاد و هفت مثقال و نیم مزاجش
گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه
دوم **صفت قرص اندروخوردن** که داخل این ترکیب است
بابونه سرخ بابونه سفید سماق فو انیسون اسارون
اشنه قصب الذریره عود بلسان اجزا متساوی یکدیگر
بجهوری خمیر کنند و تا سه روز هر روز حرکت
دهند و قرص سازند هر یک بوزن یکمثقال و در

سایه خشک کنند اجزای این نسخه نه است مزاج
گرم است در یک درجه و نیم خشک است در آخر دو درجه
معجون اکبر
۲ و از اسوطیرانیز گویند خداوند صرع و فالج و تشنج
بلغمی و نقرس و اوجاع مفاصل و رعشه و صداع
کهن و دوار و درد دندان و وسواس را سود دارد
و خداوند درد چشم بلغمی را و ماده‌ها از چشم باز دارد
و از پس آنکه چشم را آب کشاده باشد اندر چشم کنند
سود آرد و از معاودت آن ایمن کند و خداوند
درد سینه و پهلو و نیز اسیف را در ماء العسل دهند سود
دارد و کسی که قی خون بر آید اندر آب لسان الحمل
و آب عصا الراعی دهند سود دارد و خداوند درد
معده و آروغ ترش و بادها و درد سپرز را اندر آب
بادیان دهند سود دارد و یرقان و طحال را زایل
کند و گونه را صافی کند و قروح امعا و مثانه را
بحش روده‌ها را سود دارد و فضله گرده و مثانه را

با ورا بیار رد و بر قضیب طلا کند شهوت جماع بجنباند
و نعوظه پدید آورد و شهوتهای کهن را ایل کند و اماس را
تحلیل کند و اندر حقنه بکار دارند شکم اطلاق کند
و مضرت زهرهای جانوران زیان کار را باز دارد

اجزای او سلیخه اذخر از هر یک اوقیه و نیم جند
بیدستر قطراسالیون از هر یک پانزده مثقال تخم کرفس
دو اوقیه سیسالیوس یک مثقال قسط تلخ دارچینی قرص اندرو
معما میعه سائله اسارون از هر یک شش مثقال انیسون
ده مثقال فلفل سفید دو از ده مثقال دار فلفل چهار
مثقال سنبل الطیب چهار مثقال حماما زعفران از هر یک
چهار مثقال افیون ده مثقال عسل مصفا سه وزن ادویها و
چنانکه رسم است بسرشند و از پس شش ماه بکار دارند
شربتی از یک درم تا یک مثقال و در ذخیره مرضافی یک اوقیه
و نیم است و سنبل هفت مثقال است و در جوامع سنبل
پنج مثقال است در این نسخه قانون بجوی که مذکور شد

هجده جزو است و وزن آن یکصد و چهل و شش مثقال و نیم
مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه
و نیم **قرص اندرومما** که داخل این کتب است حماما دار شیشعان
قسط تلخ قصب الذریره قرنفل فلفل سفید با بخواه
از هر یک سه مثقال و یکمثقال سنبل هندی ساذج
از هر یک هفت مثقال دارچینی مصطکی زعفران
مرصافی از هر یک شش مثقال اجزا را بماء العسل بدل
شراب بسرشند و اقراص کنند هر یک بوزن یکمثقال
و در سایه خشک نمایند اجزای این نسخه چهارده است
وزن آن شصت مثقال مزاج گرم است در نصف اول
درجه سیوم خشک است در آخر درجه دوم **بزرگ دارو**
از جمله داروهای فارسانست منفعت آن چون منفعت
فلونیا و تریاقست و اندر قولنج سودمند است **اخلاط**
زعفران زراوند زرالبنج سفید از هر کدام یک استار
افیون فرفیون از هر یک بیست درم سنبل. لبنی

از هر یک دو استار ساذج قرنفل از هر یک چهار درم
فلفل سفید دو درم مرواریذ ناسفته توتیا درتخم سداب
دشتی کافور مشک فاقله دارچینی سلیخه از هر کدام یکدرم
قسط هشت درم تخم هزارنفیند عاقرقرحا دارفلفل
از هر یک چهار درم سکنجبین جاوشیر جندبیدستر از هر یک
دو درم درنباد درونج روغن بلسان از هر یک
هشت درم صاحب ذخیره میگوید که در بعضی نسخها مر
چهار درم آورده اند عسل مصفا بقدر حاجت داروها
را بخنت بماء العسل بدل شراب ترکنند بعد از ان بعسل
بسرشند و پس از شش ماه استعمال نمایند شربتی از یک درم را
با یکمثقال این نسخه بیست و هفت جزو است وزن ادویه
یکصد و چهل و هفت درم مزاج گرم است در ربع سوم
درجه اول خشک است در اخر سه درجه منافع این معجون را
مادة الحیوة نیز گویند فضلهای بلغمی بگذارد و شهوت
طعام آرد و قوت هاضمه را یاری دهد و دفع

اروغ

اروغ کند و قوت حفظ زیاده کند و خرد بیفزاید
و مردم را بقوت جوانی باز آرد و خداوند سلس البول
سود دارد و منی را زیادت گرداند و دندانها را سخت
کند و درد پشت و درد تهیگاه و درد مفاصل را سود دارد
اجزای فلفل دارفلفل زنجبیل دارچینی آمله بلیله شیطرج
زراوند مدحرج ورج بابونه مغز جلغوزه خوبهندی خصیة
الثعلب از هر یک یک اوقیه تخم بالنگو نیم اوقیه مویز دانه
بیرون کرده سه اوقیه مویز دانه بیرون کنند و بکوبند
چنانکه پوست از وی جدا شود و داروها با وی بکوبند
و با دو برابر اجزا عسل بسرشند شربتی دو درم این نسخه چهارده
جزو است وزن ان پانزده اوقیه و نیم قریب یکصد
شانزده مثقال و ربع است و بحساب درم یکصد و شصت
و شش درم و یک بخش از هفت بخش یک درم و مزاج گرم است
در اخر دو درجه خشک است در یک درجه و سه ربع انوشدارو
این معجون هندی است و منفعت آن آزموده گونه روی

صافی کند و زردی ببرد و بوی دهان و بوی عرق خوش

کند و جگر را سخت سود دارد پیش از طعام و بعد از طعام

خوردن روا باشد **اخلاط** گل سرخ شش درم سعد پنج درم

قرنفل مصطکی سنبل اسارون از هر یکی سه درم قرفه

زرنب زعفران بسباسه قاقله هیل جوزبوا از هر یک دو درم

آب آمله بطریقی که در کتب معتبره مسطور است سه رطل فانید

سنجری با عسل دو رطل طریقش آنست که یک رطل آمله

در نه رطل آب بجوشانند تا به سه رطل باز آید و فرو

دارند و در دست بمالند و صافی کنند بعد از آن

فانید یا عسل را با آن بقوام آورند و داروها بر ان

بسرشتند و بچوب بید برهم زنند تا یک سرشته شود

شربتی از یک مثقال تا دو مثقال این نسخه سیزده جزو است

بغیر آمله و فانید و زن آن سی و هفت درم در مزاج

گرمست در اوائل درجه دوم و خشکست در درجه دوم

و ربیع و تحقیق این مزاج بنابر آنست که چون شیر آمله

صاف آمله است عدد شربتش دوازده اخذ نمایم

و اگر با ثجیرش اخذ نمایم و عدد شربتش بیست و پنج قرار

دهیم گرم خواهد بود در نیم درجه و باعتدال نزدیک

خواهد بود چنانکه بدر الدین قلانسی در قرابادین

تصریح نموده که این مفرح معتدل که معروفست بانوشدارو

و تالیف کند بسبت دفع فزع و غم و هم سینماید و

نافعست خفقان و فواق را کاهی که مداومت نمایند

بان نفس را بنشاط می آرد تا بحدی که شبیه برعونت

باشد از خنده و فرح بسیار و مقوی قلبست و رنگ

روی را نیکو میگرداند و مقوی معده است و بوی

دهان و بوی عرق را خوش میکند **معجون نانخواه** هندی

که اکثر اطبا ذکر کرده اند و نفعش در تحلیت بنفع انوشدارو

و تقویت بصر کند و معده را پاک سازد و طبیعت

را نرم دارد و بواسیر را نفع تمام دهد **اجزای آن**

فلفل دار فلفل سلیله سیاه آمد آمله مترو ط السوی

وصاف نماید و بکمتر مانند سعید و ران رخته طبخ نماید

بقوام آید عسل آید بعد از ان ادویه را در ان ریخته خوب

بسر شند شربتی نیم مثقال تا یکمثقال و نیم این نسخه بیست

وچهار جزو است وزن ان هفتاد و چهار درم و نیم

مزاج گرمست و تپ بکید رجه خشکست در اخر دو درجه

و اگر جرم امله حساب شود گرم خواهد بود و تپ

به نیم درجه چنانکه پیش ازین مذکور شد معجون بزناوی کبیر

که شیخ در قانون ذکر نموده و منسوب بجود ساخته

و صاحب ذخیره نیز ذکر کرده و منسوب بشیخ ساخته

دال اقوت مید هد و قوت باه زیاده میکند و مجرب است

در منافع معاجینی که پیش ازین مذکور شد اخلاط

قشور اترج حنطیانا حب بلسان ورق بادرنجبویه

تخم بادرنجبویه تخم فرنجمشک زنباد درونج از هر

یک چهار درم مشک و عنبر از هر کدام یکمثقال عود

هندی دو مثقال کافور نصف مثقال قسط دارچینی

قنطوریون از هر یک چهار استار عسل انقدر که کفایت

کند اجزا را بروغن گاو چرب نماید و بعسل مصفا

بسرشند شربتی یکمثقال تا دو مثقال اجزای این نسخه

شش جزو است وزن ان بیست و چهار استار که

یکصد و پنجاه و دو درم باشد مزاج گرمست و خشک

در اخر دو درجه انوشدارو که بدر الدین قلانسی

در قرابادین ذکر کرده اجزای او آمله ده درم

گل سرخ شش درم سعد بهمن سفید قشور آمله هلیله از هر

پنج درم قرنفل سنبل اسارون بادرنجبویه بهمن سرخ

از هر یک سه درم قرفه زرنب مصطکی شقاقل تودری

سفید تودری سرخ خولنجان از هر یک دو درم بسباسه

هیل جوزبوا زعفران از هر کدام یکدرم لسان الثور

پنج درم عنبر اشهب نیم درم ادویه را کوفته و بیخته

قشور آمله نیم من در چهار من و نیم آب بپزد تا ثلث

آن بماند بعد از این فرود آورده بدست بمالد

دهند

وج زعفران ناردین افتیمون از هر یک سه درم مو
فطراسالیون از هر یک دو درم و نیم تخم جرجیر تخم شلغم
تخم کراث لسان العصافیر حب القلقل از هر یک دو درم
افیون سه درم عسل دو وزن همه ادویه شربتی یک مثقال
پس از شش ماه استعمال نمایند این نسخه بیست و هشت جزو است
وزن آن قریب هشتاد و یکدرم مزاج گرمست در اول
دو درجه دوم خشکست در اول سه درجه **معجون تریاقی صغیر** الشفا
منسوب بشیخ در قانون و ذخیره مذکور است **اجزای**
حب بلسان قسط مر خطبانا دارچینی فلفل سفید عود
هندی فطراسالیون از هر کدام یک جزو مشک ثلث
جزو جند بیدستر ربع جزو اجزا را کوفته و بیخته
با دو وزن همه ادویه عسل معجون سازد این ترکیب
ده جزو است و در بعضی نسخ قسط مر یک جزو است
بنابران یازده جزو خواهد بود مزاج گرمست در درجه دوم
و نیم خشکست در دو درجه و ربع **معجون نجاح**

نافع

نافعست امراض سوداوی را خصوصاً مالیخولیا و صرع را
نفع میدهد بالخاصیه اختناق رحم را و این نسخه ایست که جمهور
اطبا در کتب خود ذکر نموده اند **اجزاء** هلیله کابلی
بلیله آمله هلیله سیاه از هر یک ده درم تربد سفید
اسطوخودوس بسفایج افتیمون از هر یک پنج درم
عسل بقدر کفایت این نسخه هشت جزو است وزن آن شصت
درم مزاج گرمست در نیم درجه خشکست در اول درجه
سیم و در بعضی نسخ غاریقون سه درم و دو ثلث
حجر ارمنی مغسول و لاجورد مغسول از هر یک دو درم
و نیم سقمونیا دو درم اضافه نموده اند بنابران این
نسخه دوازده جزو خواهد بود و وزن آن هشتاد درم
و دو ثلث مزاج گرمست در سه ربع درجه خشکست در اول
درجه سیم و در نسخه دیگر درونج مازریون سنبل خیربوا
لسان الثور مصطکی قشور اترج از هر یک دو درم
ریوند یک درم زعفران یکدرم تربد دو استار اضافه

نموده اند بنابرین این نسخه بیست و یک جزو خواهد بود
وزن آن هشتاد و هشت درم و چهار دانگ مزاج گرم است
در یکدرجه و رنج خشک است در اول درجه بیسم معمول
مشهور بحری نفع میدهد مره صفرا و مره سودا را و بلیله
و چرب و سرد بهار او تقوی معده است و نفع میدهد
قولنج و جمیع بادهای غلیظ را و اشتهای طعام پدید آورد
و قوت جماع دهد اصلاط سقمونیا لباب تربد دار
فلفل از هریک شش درم عاقرقرحا تخم کرفس نانخواه
زنجبیل ملح هندی از هر کدام یکدرم قرنفل زرنب
از هریک نیم درم افلنجه یک مثقال محلب مقشر دو درم
شکر طبرزد زعفران از هریک سه درم عسل دو وزن
و نیم ادویه شربتی از دو درم و نیم تا سه درم این
نسخه چهارده جزو است وزن آن سی و سه درم مزاج
گرم است و خشک در دو درجه و نیم معمول منشط مقوی
که شیخ در قانون گفته که منشط و مقوی نفس است

و تقویت

و تقویت بدن میکند و رنگ روی خوب گرداند و بوی
دهان و عرق خوش کند و نفع میدهد جگر و معده و در آن
مضرتی نیست پیش از طعام و بعد از طعام توان خوردن
اجزای او کل سرخ شش جزو سعد هشت جزو قرنفل مصطکی
سنبل اسارون از هریک سه جزو قرفه زرنب زعفران
از هریک دو جزو بسباسه قاقله هیل بوا جوز بوا
از هر کدام یکجزو اجزا کوفته و بیخته و بازای هر سه جزو
دو ثلث از تمام اجزا یک رطل املهٔ پاکیزه تازه گرفته
در هفت رطل آب بجوشانید تا به سه رطل باز آید بعد از آن
از آن صاف کرده بازای یک رطل آمله یک رطل
قانید سنجری سفید ازند و نیز زند تا بقوام لعوق آید پس
آن ادویه را در آن بزنند و چندان حرکت دهند
که بیکدیگر خوب مخلوط شود و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی یکمثقال تا یکمثقال و نیم اجزای این ترکیب
بعینه اجزای نوشدارو است و اندک تفاوتی

در وزن ان بیست اجزای این نسخه یازده است تا آمله
و قاقیه وزن ادویه بطریقی که هر جزوی را قرص نمایم
سی و شش درم وزن هر یک از آمله و قاقیه ختمیا دوده رطل
مزاج گرم است در ربع درجه اول خشکست در اول درجه
دوم **معجون** که منسوب بست از طوباب فلفل سیاه
دارچینی دارفلفل سلیخه سعد برنج مقشر جوز بوا از هر
یک مثقال حب النیل شش مثقال تربد سفید شکر طبرزد
از هر یک بیست و چهار درم عسل بقدر احتیاج شربتی
بجهت صاحب برص و فالج یکمثقال در آب گرم و بجهت
استفراغ پنج درم هفت درم این نسخه یازده جزو است
با شکر وزن ان صد و شصت و هشت درم مزاج گرم است
و خشک در اول درجه سیوم **معجون قیصر** خداوند صرع
و فالج و خفقان که از سردی بود و تبهای کهن را
و درد معده و ضیق النفس را و خداوند فواق امتلای
را سود دارد و طعام نگوارد **اخلاط** چند بید ستر

در

رب السوس سلیخه قسط فلفل سیاه دارفلفل
میعه افیون زعفران سنبل از هر یک سه درم
جاوشیر یکدرم مشک یکدانگ زرنباد درونج
مروارید از هر یک نیم درم اجزا کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته بقدر حاجت معجون سازند شربتی
بقدر نخودی و در ذخیره مذکور است شربتی از یکدرم
تا یکمثقال این نسخه یازده جزو است وزن آن سی و دو
درم و چهار دانگ مزاج گرمست در آخر درجه دوم
خشکست در اول درجه سیوم این معجون هندیست نافعست
سوء مزاج بارد و ضعف معده را و باه را زیاده کند
و وسواس و سودا را برطرف سازد و مصلح حرکات
بدنست و محافظت مینماید جمیع حواس را و مصلح کلیه
و مثانه است و سنگ از ابر براند **اجزای او** مدحرج
قسط تلخ زراوند طویل زراوند مدحرج از هر یک
سه استار دارفلفل زنجبیل از هر یک پنج استار

رامهران کبیر

تخم کرفس نانخواه کرویا تخم رازیانه تخم اسبست
تخم خرفه تخم جرجیر لوذری سرخ لوذری سفید فرنکمش
زیره کرمانی تخم شبت از هر یک شش استار قرنفل
اشنه قصب الذریره عیدان بلسان از هر یک سه استار
اکلیل الملک شیح زرنب حب بلسان سلیخه بسباسه
قاقله قرفه از هر یک چهار استار هلیله زرد بلیله شیر امله
منزوع النوی از هر یک هشت استار لفاح یابس
خربق سفید آس مرماخور بزر البنج البری بزر البنج
البستانی حسک بستانی شیطرج زرنک حب اترج
مقشر زعفور سنبراس هندی بهمن سرخ بهمن سفید
لسان العصافیر از هر یک چهارده مثقال جوز بوا سعد
بیخ قنابری که ازابل خوانند تخم فنجنکشت از هر یک
سه استار تخم کرزحاما از هر یک شش درم افیون فرفیون
سفید بیدستر از هر یک سه درم هلیله سیاه منزوع النوی
چهار درم ساذج حلبه مو فطراسالیون دوقو

ریوند چینی از هر یک شش درم قانید سفید بوزن ادویه روغن
گاو بوزن ادویه و قانید کف گرفته عسل بوزن ادویه و قانید
و روغن گاو و قانید را در دیگ کرده سه رطل آب در آن
ریزد و چندان طبخ نماید که بقوام عسل شود پس عسل در آن
ریزد و روغن گاو را سرد کرده ادویه را با آن چرب
نماید بعد از آن قانید و عسل را در هاون بزرگ کرده ادویه
را در آن ریزد و خمیر کند چندانکه جمیع اجزا مساوی یکدیگر
شود و بعد از آن برآورده در ظرفی کند که عسل در آن چند
وقت بوده باشد و بعد از شش ماه برآورده استعمال
نماید شربتی از آن بقدر یک مازو در اول ماه سه روز
سه روز باب گرم یا به بعضی از اشربه که موافق بوده باشد
این نسخه شصت و چهار جزو است وزن آن هشتصد
و ده درم و چهار دانگ مزاج گرمست در یکدرجه
و نیم خشکست در یکدرجه و سه ربع **رامهران صغیر** صغیره
نفع این ترکیب نزدیکست بنفع نسخه که گذشت **اذواکر**

وج قسط تلخ زراوند مدحرج زراوند طویل از هر یک
سه استار حب الرشاد تخم حرمل از هر یک دو استار
فلفل دار فلفل زنجبیل از هر یک پنج استار تخم کرفس
کرویا سعد تخم اسپست تخم جرجیر زعرور تودری
سفید تودری سرخ تخم گندنا تخم گندنا تخم کتان
تخم حسک قوقی تخم رازیانه نانخواه تخم برنج مقشر تخم
خرفه فوتنج نارجیل حلبه تخم فرنگمشک زیره کرمانی
تخم شبت تخم گزر از هر یک ده درم قرنفل هیل
اشنه ساذج قاقله قرفه راسن جوز بوا قصب
الذریره زرنب اکلیل الملک مرماخور بو احب بلسان
از هر یک بیست درم سلیخه بساسه حب الآس
زرشک لسان العصافیر سنبل از هر یک بیست و چهار
درم گل سرخ خشک پنج درم هلیله سیاه
هلیله کابلی بلیله آمله از هر یک سه درم جند بیدستر
یک استار شیطرج هندی حسک زرنباد بهمن سرخ

بهی

بهمن سفید ریوند چینی درونج خولنجان مصطکی از هر یک
سه استار فانید بوزن جمع ادویه اجزا کوفته
و بیخته بروغن گاو چرب کرده بعسل کف گرفته بمقدار
که کفایت کند معجون سازند شربتی یک مثقال با آب نیم گرم
این ترکیب شصت و نه جزو است وزن آن هزار
و صد و هفت درم و نیم فانید مثل ادویه مزاج گرمست
در آخر درجه دوم خشکست در اول درجه سیوم **معجون جالینوس**
نافع گرده و مثانه را سوده دارد و گرم کند و سده
بگشاید **اخلاط** فلفل سفید فلفل سیاه حماما
قسط تلخ سنبل الطیب قصب الذریره ساذج
هندی زعفران بزر الکرفس انیسون عاقرقرحا
بزر الجزر تخم سداب جبلی اجزا همه مساوی بکوبند
و بیزند و با انگبین مصفا بسرشند شربتی یک درم
اندر ماء الاصول یا اندر آب بادیان و آب
کرفس این نسخه سیزده جزو است مزاج گرمست

در دو درجه و برنج خشکست درجه سیوم اول **معجون ایارمس**
خداوند نقرس وا وجاع مفاصل وا وجاع کلیه
را و معده و قروح امعا را سود دارد و بادها را
بشکند و خداوند استسقا و یرقان و سودا را سود دارد
و با وجاع مفاصل و نقرس مخصوص است فالج و لقوه
و قولنج بلغمی و ریحی و تشنج و استرخاء عصاب را سود دارد
و فضلهای که اندر گرده و مثانه باشند فرود آورد
و حیض بگشاید **اخلاط** غاریقون اسارون و ج
فودنا تخم سداب فرفیون فو زوفای خشک
از هر یک یک اوقیه زراوند طویل اصل عرطنیثا
از هر یک دو اوقیه نانخواه قرنفل از هر یک
دو اوقیه جنطیانا رومی شش اوقیه قنطوریون
باریک هشت اوقیه حاشا تخم کرفس از هر یک
دو اوقیه سلیخه قسط تلخ مر از هر یک سه اوقیه
سنبل الطیب فوتنج جبلی فطراسالیون از هر یک

دو اوقیه جعده فراسیون از هر یک سه اوقیه کمافیطوس
کمادریوس اسقوردیون از هر یک هشت اوقیه
جمله بکوبند و بیزند و با انگبین مصفا بسرشند و اندر
ایام ربیع بکار دارند از یک مثقال تا دو درم این نسخه
بیست و هفت جزو است و نیز آن هفتاد و نه اوقیه
مزاج گرمست و خشک در دو درجه و نیم **معجون ایارمس**
نسخه دیگر نفع میدهد زحیر را گاهی که سی درم از آن با آب
بخورند و جهت درد جگر با آب جلنجبین و جهت
باب تخم گرم و از برای درد معده بسرکه ممزوج و جهت
درد گرده بخمر ممزوج و جهت نزف الدم بسرکه ممزوج
مقدار یک باقلا و جهت درد خاصره مثل آن و جهت
قبض شکم و روده و بادهای غلیظ بخمر کهنه ممزوج و جهت
درد سر و وسواس و جنون در شب باید نوشند و جهت
سرفه خشک در اول شب شراب ممزوج باید خورد و جهت
گزیدگی مار با آب ترنجبین و بر موضع گزیده باید طلا

کرد و نفع دهد سموم قاتله را چون با آب حنظلها بنوشند
و جهت گزندگی کلب با شیره دیو دار بنوشند
و زعم واضع این ترکیب است که جمیع آنچه مذکور شد
بتجربه معلوم شده **اخلاط** فلفل سفید بزر البنج
از هر یک پنج استار زعفران افیون از هر یک
ده استار فرفیون اشق ساذج عاقرقرحا پنج لفاح
القیحین سلیخه سنبل تخم کرفس از هر یک شش استار عود
بلسان سه استار عسل دو وزن و نیم ادویه شربتی
بمقدار آنچه در ترکیب معدم گذشت این نسخه چهارده
جزو است وزن آن هشتاد و هفت استار که پانصد و
پنجاه و یک درم باشد مزاج گرمست در نیم درجه و خشکست
در دو درجه و نیم **معجون کاسکبینج** بیماریهای کودکان
را سود دارد چون صرع و لقوه و کزاز و قولنجی که ایشان را
بود و خداوند خناق رحم را و بیماریهای از سود
دارد و افراط با اعتدال باز آرد **معجون کاسکبینج اخلاط**

سلیخه حب آفرید بیخ بیروح تخم حرمل تخم رازیانه
حب بلسان زراوند طویل زراوند مدحرج مشک
عنبر از هر یک چهار درم هیل چهار درم افیون
قسط جوزبوا هلیله زرد از هر یک دوازده درم
قرنفل بیست و چهار درم قرفه معجون کشوثا ریح
رزد تخم سوس از هر یک دو درم وج هشت درم
سکبینج دروج مر روغن دستر خان از هر یک شش درم
باعنت بیابه سعد زعفران از هر یک ده درم
معاث یازده درم سعه سایله یازده درم مورد
اسفرم بادرق آس جوز السرو تخم ابهل از هر یک سه درم
داروهای خشک را بکوبند و بیزند آنچه شواند که اجیت
در مفحج حل کنند و جمله با انگبین بقدر حاجت سرشته
شربتی پس از شش ماه از یک درم تا دو مثقال اجزای این
نسخه سی و چهار است وزن آن دویست و چهل و پنج
درم مزاج گرم است در آخر درجه خشکست در اول

درجه سیوم **برگشت بادو** که داخل این ترکیب است قصب
الذریره اظفار الطیب کندر از هر یک چهار درم
اشنه قرفه زعفران از هر یک یکدرم سعد سالیه چهار درم
مشک عود از هر یک نیم درم بماء العسل یا بشراب
تخمیر نمایند و داخل ترکیب کنند این نسخه نه جزو است
وزن آن بیست درم مزاج گرم است در آخر دو درجه
خشک است در یکدرجه و نیم ذخیره خوارزمشاهی
سعد چهار درم قرنفل دو درم اضافه این ترکیب
نموده و اندک در وزن آن هم هست **معجون مشک**
دل را قوی کند و خفقان سودائی و همه بیماریهای که از
راسو دد آرد و تنگی نفس بلغمی را ببرد **اخلاط** زرنباد
درونج مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک یکدرم
ابریشم خام بهمن سرخ بهمن سفید سادج هندی سنبل
قاقله قرنفل جند بیدستر از هر کدام یکدرم و نیم
زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ مشک سه طسوج
انگبین دو مقدار مجموع ادویه شربتی مقدار نخود در

اندر

اندر شراب ریحانی یا اندر جلاب گرم بنوشند این نسخه
شانزده جزو است وزن آن هفده درم و چهار دانگ
و سه طسوج مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در یکدرجه
و سه ربع **نسخه دیگر** دل و جگر و معده و ضعیفی بر دور آرد
دارو و بادها بشکند و سده بگشاید **اجزای او** مشک
دو درم سنبل الطیب سلیخه سادج هندی لک
پاک کرده ریوند چینی از هر یک دو درم عود هندی
قرنفل مر از هر یک یکدرم و نیم خطبیا ناروی دو درم
زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک چهار درم
دارچینی زراوند مدحرج از هر یک سه درم عسل
مصفی بقدر کفایت بسرشند شربتی مقدار یک دانه
نخود اندر آب گرم در جوامع شربتی از آن مقدار یک
باقلا گفته این نسخه شانزده جزو است وزن ادویه
چهل درم و نیم مزاج گرم است در اول درجه سیوم
خشک است در آخر درجه دوم **دواء المسک تلخ** رطوبت
معده را ببرد و اماس حنجره و خفقان سودائی

راسو و دارد اخلاط افسنتین رومی صبر سقوطری
از هر یک هشت درم ریوند چینی هشت درم نانخواه
زعفران تخم کرفس از هر یک چهار درم مشک نازبین
سادج هندی مر از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم
نیم بانگبین بسرشند این نسخه یازده جزو است
وزن آن چهل و پنج درم و نیم مزاج گرمست
و خشک در یکدرجه و سه ربع دواء المسک شیرین بیماریهای
سودایی را و خفقان را و تنگی نفس را و صرع و فالج
ولقوه و تب ربع راسود دارد اخلاط آن زرنباد
درونج از هر کدام یکدرم مروارید ناسفته کهربا سپید
ابریشم خام محرق از هر کدام یکدرم و نیم بهمن سفید
بهمن سرخ قاقله اشنه سادج هندی سنبل قرنفل
جند بیدستر از هر یک چهار دانگ زنجبیل دار فلفل
از هر یک دو دانگ مشک یکدانگ و نیم بانگبین بسرشند
شربتی یک مثقال این نسخه هفده جزو است وزن آن
چهارده درم و یک دانگ و نیم مزاج گرمست در آخر
درجه

درجه اول خشک در یکدرجه و سه ربع دواء المسک بارد
منقول از قرابادین قلانسی نافعست خفقانی را که
حادث شود از حمیات و تقویت میکند جمیع قوی را
اجزای او گل سرخ طباشیر کشنیز خشک لسان الثور
کهربا سپید از هر کدام یک درم مروارید ناسفته نیم درم
مشک یک دانگ شکر طبرزد و آب سیب ترش معجون
سازند این نسخه هشت جزو است وزن آن شش درم
و چهار دانگ مزاج معتدلست مایل برودت خشکست
در آخر دو درجه دواء دوالمسک نسخه که در بیمارستان
سجستان در ایام ابویزید معمول بوده نفع میکند فالج
ولقوه و خفقان و فزع و وحشت و ضیق نفس را و نفع میکند
استرخاء و گرانی که عارض شود از امتلا و تقویت
دل و معده میکند و معده را پاک میسازد و نشف
رطوبت از آن مینماید و اعانت معده مینماید بر هضم
و محرکست و معین اخلاط آن زرنباد درونج مروارید

بسبد از هر کدام ده درم ابریشم شش ده درم بهمن سفید
بهمن سرخ سنبل ساذج قاقله قرنفل از هر یک
پنج درم اشه دار فلفل زنجبیل از هر یک چهار درم
مشک سه درم عسل کمن ابریشم را خوب بمقراض نماید
چنانچه مثل غبار شود و بعد از آن در هاون کند با مروارید
و بسد و کهربا و خوب بکوبید و باقی ادویه را از هم سازد
و به بیزد و بعسل معجون سازد شربتی نیم مثقال با آب
نیم گرم این نسخه شانزده جزو است وزن آن صد و نه درم
مزاج گرمست در آخر درجه دوم خشکست در آخر درجه
سیوم **سحر بیتای بزرگ** این معجون جدوار و مزاج
سرد و بیماریهای سرد و بادهای غلیظ و حدوث درد
دندان و خورده شدن آن و قولنج و عسر البول را که
از بلغم بود و سود دارد و سده جگر بگشاید و صلابت
از تحلیل کند و معده را گرم کند و تخمه را زایل سازد
اجزای او جند بیدستر افیون دار چینی اسارون

فلفل

و مو د و فوار هر کدام یک درم فلفل دار فلفل بازرد
قسط از هر یک شش درم زعفران نیم درم بازرد
با انگبین بگدازند و داروهای خشک بدان بسرشند
و شش ماه نگاه دارند تا برسد و بعد از آن استعمال
نمایند شربتی نیم مثقال با آب نیم گرم ناشتا این
نسخه دوازده جزو است وزن آن سی و یک درم
و نیم مزاج گرمست در آخر درجه خشکست در دو
درجه و ربع **سحر بیتای کوچک** جند بیدستر و مواد و قوا
اسارون از هر یک ده درم فلفل دار فلفل قنه
و قسط از هر یک هشت درم زعفران ربع
اوقیه اجزا را کوفته و بیخته بعسل معجون سازد چنانچه
رسمست و بعد از شش ماه استعمال نماید شربتی نیم
مثقال با آب نیم گرم ناشتا و در نسخه دیگر شربتی
مابین یک دانگ تا دو مثقال و در نسخه دیگر شربتی
مثل فلفل بروغن سوسن حل کرده بر موضع
مار گزیده طلا نماید دفع زهر بکند و اگر زن اندک

بتشمی با آب الوده وساخته بخوذ برگیرد بادهای غلیظ که
در رحم بوده باشد بتحلیل برد و بتعدیل ولد وحیض نماید
واکر در روغن زنبق حل نمایند وزن ازان ببویید وبان
بخور کنند بچه را نگاه دارد و بجهة درد سینه و سرفه
و درد کلیه ومثانه وعسر البول که از سردی باشد مقدار
نخوذی بشراب صرف وبجهة یکمثقال بشراب صرف
بنوشند این ترکیب سیزده جزو است وزن
ادویه سیصد وهفتاد و دو درم ونیم مزاجش
گرم است در اخر دو درجه خشکست در اول درجه سوم
امروسیا صلابت جگر و سپرز را سود دارد
و سده بگشاید وادرار بول وسنگ کند و گرده را
و ابتدای استسقا سخت سود دارد و اخلاط در قورص
گرمای عود بلسان سلیخه قردمانا فقاح اذخر تخم
کرفس از هر کدام یکدرم دارفلفل قسط فلفل سفید
از هر یک نیم درم مر سه درم حب الغار ده
عدد وج زعفران از هر یک دو درم بانگبین

تم النسخه

بسرشند چنانکه رسمست شربتی مقدار قندقی اندر
آب گرم این نسخه چهارده جزو است وزن
ان پانزده درم ونیم مزاج گرمست در اول
سه درجه خشکست در اخر دو درجه انقردیا و از ابلای
گویند نافعست جمیع امراض مزمنه را اجزای هلیله
سیاه بلیله آمله از هر یک سی وشش درهم سبی
وشوتیر پیت وچهار درهم طباشیر شش
درم هیل هفت درم سعد شش درم عسل بلادر
شش درم فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلمویه
انیسون از هر یک دوازده درم اجزارا
کوفته وبیخته با شیصد درم فانید که در اب
گرم حل کرده باشد معجون سازند و در ظرف
چینی یا نقره یا شیشه کرده در میان جوهای
سازند و بعد از شش ماه برآورده استعمال نمایند
این نسخه موافقست بانسخه صهارنجت اجزای

آن نیز ده است وزن اجزاو بیست هفده درم

مزاج گرمست دریکدرم ونیم خشکست در اخر دودرجه

معجون انقردیا منقول از منهاج الادویه نفع میکند

اکثر اوجاع عصب و دوار ونسیان و صرع و صداع

واوجاع معده وسینه وجمیع اوجاع بارده را

اخلاط سنبل الطیب ساذج هندی مرصافی

سلیخه زعفران شیح ارمنی افتیمون اذخر

راوند چینی حب البان مقشر قرنفل از هر یک یک

اوقیه مصطکی عسل بلادر از هر یک دو مثقال حب

البان زنجبیل صبر اسقوطری از هر کدام یک

اوقیه غاریقون هشت درم ایرساد و اوقیه

پوست بیخ رازیانه سه رطل سرکه انگوری پنج رطل

ادویه انچه خشکست بکوبند وبیزند سوی پوست بیخ

رازیانه که انرا در سرکه می باید خیسانید سه روز

بعد ازان در دیک پاکیزه می باید جوشانید

تا دو

تا دو سه جوش بخورد و از اتش فرود آورد و صاف

نمود و باز مرتبه دوم سرکه در دیک می باید کرد و سه رطل

عسل دران ریخت و باتش نرم جوشانید تا قوامش

غلیظ شود بعد ازان ادویه کوفته را دران می باید ریخت

و بیکدیگر خوب مخلوط ساخت و در ظرف چینی یا نقره

یا شیشه کرد و بعد از شش ماه استعمال نموده شربتی

یکدرم باب نیم گرم این نسخه نوزده جزو است

وزن ادویه چهارصد مثقال تخمینا و بحساب درم

پانصد و هفتاد درم مزاج گرمست دریک درجه

و ربع خشکست دریکدرجه و نیم بجهت بهق و برص

و نسیان بغایت نافعست **اجزای ان** هلیله

سیاه بلیله آمله از هر یک پنج درم عسل بقدر

احتیاج این نسخه هشت وزن ان صد و پانزده

درم مزاج گرمست در سه ربع درجه خشکست در

دو درجه **اسطون کبیر** و معنی اسطون فاصل

فاضل نافعست نفع میدهد سردی بدن را و سل و درد شکم

و تبهای مختلف و ربع و قولنج و درد رحم را **اخلاط** فرفیون

زعفران سلیخه حماما افیون اقاقیا قسط مر

سنبل صمغ عربی تخم خروع تخم خندقوقی

تخم انجره مقل کندر دوقو سماق کبریت زرد

میعه سائله فلفل سفید از هریک پنج درم عاقرقرحا

تخم عطینیا گل سرخ خشک تخم سداب تخم کرفس

تخم اترج ناخواه تخم طرخشقوق از هریک چهار درم

بزرالجرک یکدرم بزرالبنج ده درم قرطم زنجبیل

از هریک دو درم و بعضی فلفل سفید اضافه نمیکنند اجزا

انچه خشکست بکوبند و انچه ترست در ماء العسل بدل شراب

بخیسانند سه روز تا خوب نرم شود و با عسل بقدر

کفایت بسرشند و بعد ازان روغن بلسان یک اوقیه

وران ریخته در دیگ سنگین کنند و بر بالای آتش نهند

تا دو سه جوش بر آرد بعد ازان از بالای آتش فرود آرند

و تا شش ماه

و تا شش ماه بگذارند بعد ازان استعمال نمایند شربتی

تمام وزن یک مثقال هر چند کهنه تر شود بهتر است این نسخه

سی و سه جزو است با روغن بلسان و وزن ان بغیر

روغن بلسان صد و چهل و هفت درم مزاج گرمست

در یکدرجه و نیم خشکست در دو درجه و نیم **معمول**

دمرثا سده جگر و سپرز بگشاید و بادها بشکند

و سرفه بلغمی و ضیق النفس را و استرخاء زبان که از سده

باشد زایل کند و حیض فرود آورد **اوائل**

تخم اسفند یکمن و نیم کندر ده درم زراوند طویل بوید

حسینی از هریک بیست درم زرنباد و وج از

هریک چهار درم مصطکی حب البلسان زعفران

اکلیل الملک سنبل الطیب از هریکی ده درم

افیون زنجبیل سلیخه قسط از هریکی سه استار

در نسخه سرابیون این چهار جزو از هریک

دوازده درم سعد دو استار صبر اسقوطری

چهار درم قرنفل شش درم خربق سفید کل شرح
شونیز از هر یک شش استار فلفل ده درم و در نسخه
سر انیسون فلفل شب عسل و برا جمیع ادویه
این نسخه بیست و دو جزو است وزن آن نهصد و
بیست هفت درم مزاج گرم است در یک درجه
و نیم خشک است در دو درجه و نیم معجون بادمهر ج
منفعت این ترکیب چون منفعت دحمرنا است
اخلاط زرنباد درونج افیون جند بید ستر
عاقرقرحا فلفل دار فلفل سلیخه مجوموم المجوس
بزرالنبج سفید قسط البنی جاوشیر زعفران از
هر یک شش درم حلیه هشت درم مروارید
ناسفته دو درم بازرد مر از هر یک دوازده درم
انگبین دو مقدار مجموع ادویه این نسخه هجده جزو است
وزن آن یکصد و بیست ده درم مزاج گرم است
در سه ربع درجه خشک است در دو درجه و ربع

معجون نافعست در درد سر کهنه را چون بشراب
ممزوج با عسل و اب نیم گرم بنوشند و کسی را که
صرع بوده باشد چون از آن بنوشند نفع یابد
و همچنین نافعست نزیان و ورم صلب را و قطع
فضول سکند که متوجه چشم است اخلاط سلیخه
دار فلفل دارچینی میا لیوس حماما از هر یک
چهار درم سنبل فقاح اذخر از هر یک دوازده
درم زعفران پنج درم افیون یازده درم تخم
کرفس جبلی سی و پنج درم انیسون تخم کرفس
از هر یک بیست درم فلفل سی و هشت درم
لبنی قسط فوه اسارون از کدام یک درم عسل بقدر
حاجت اجزا آنچه خشک است نرم بکوبند و آنچه
تر است در شراب بخوابانند بعد از آن همه
را بیکدیگر مخلوط ساخته معجون شربتی یک درم
با اب نیم گرم بیاشامند این نسخه هجده جزو است
وزن آن یکصد و هشتاد و پنج درم مزاج گرم است

در ثلث درجه خشک است در آخر سه درجه معجون اصفر سلیم
نافعست امراض مره سودا را و بادهای
غلیظ و خفقان و اوجاع صبیان و اوجاع
رحم را اجزا او فلفل سفید و زنجبیل نمک هندی
از هر یک شش درم افیون فرفیون جندبیدستر
قرنفل زعفران مصطکی عاقرقرحا از هر یک
پنج درم قسط شش درم فاشرا فاشرسین
سعد رهنباد درونج راوند طویل از هر یک
دو درم روغن بلسان آب کافور از هر یک چهار
درم عسل بقدر حاجت شربتی از آن بقدر مزاج هر
شخص این ترکیب نوزده جزو است وزن آن شصت و
و نه درم مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع
خشک است در دو درجه و نیم معجون اسود سلیم نفع
میدهد فالج و مره سودا و جمیع علل بارده
را اجزا تخم حرمل صد و بیست درم جاوشیر
هشتاد درم تخم شونیز پانزده قنابری از هر یک

شصت

شصت درم وج سکبینج اشق زراوند
طویل زراوند مدحرج خردل مقل ازرق خربق
بیخ هندبا جندبیدستر بیخ سپند حنظل کبریت زرد
تخم جرجیر فنجنگشت سداب جبلی از هر یک چهل درم افیون
فرفیون پنج فلفل سفید کندس ملح هندی سرخ
ملح نفطی سیاه بیخ لفاح پنج عاقرقرحا صبر
لبان شیطرج از هر یک بیست درم سنبل مصطکی زرنباد
درونج از هر یک هشت درم زعفران سه درم اجزا
آنچه خشک است بکوبند و صموغ را در قطران شامی آنقدر که حاجت
باشد بخیسانند بعد از آن نرم ساخته با ادویه مخلوط
سازند و در خاکستر دفن کنند تا دو ماه بعد از آن
برآورده استعمال نمایند شربتی از آن قوی مزاج را
سه درم و ضعیف مزاج را یک درم و مریض را که بآن
محتاج باشد بقدر یک فلفل این نسخه سی و نه جزو است
با قطران وزن آن هزار و دویست و نود و پنج درم

پنج درم مزاج گرمست در یکدرجه و سه ربع خشکست
در دو درجه و ربع **معجون ابن سلیم** و از افریادرس
نیز گویند مخدر و مسکن دردهاست از هر بادی دردها نفخست
جمیع دردها را که غالب شده باشد بر مزاج و حواس
را و جمیع دردها را فرو می نشاند **اجزای** افیون بزر البنج
سفید از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل
عاقرقرحا سورنجان قاقله دارفلفل از هر یک پنج
مثقال اجزا کوفته و بیخته با عسل انقدر که کفایت کند
معجون سازند شربتی قوی مزاج و جوانان را نیم مثقال
و ضعیف مزاج و اطفال را یک دانگ این نسخه نه
جزو است وزن ان پنجاه و پنج مثقال مزاج معتدلست
در گرمی و سردی خشکست در درجه و نیم نافعست بهق
را و برص و بهار را و خام و بلغم و قوت زیاده کند
و رنگ را صاف گرداند و بهیئت جوانان نماید
و نافع جمیع دردهاست چون در زمستان بنوشند

معجون بسر

اخذ ط نخود شامی یک قفیز سیر یک رطل شیر گاو
انقدر که چهار انگشت از سر نخود و سیر زیاده باشد
و روغن گاو تازه انقدر که کفایت کند عسل سفید
صاف انقدر که چهار انگشت بر سر همه بایستد
پس از آن برای هر یک رطل سیر دوازده مثقال توذری
و لوذری سفید و سه مثقال فلفل و ده مثقال حبق
و ده مثقال بزره کرمانی ده مثقال خولنجان و ده مثقال
دارچینی و پنج مثقال دارفلفل کوفته اضافه نمایند
طریق پختن این چنانست که یک قفیز نخود شامی که هشتصد
و ده مثقال بوده باشد یکشبانروز در آب
شیرین بخیسانند پس باتش آهسته بپزند تا ان آب سیاه
شود و نخود از هم فرو ریزد و بعد از ان آب نخود صاف
کنند و یک رطل سیر گرفته پاکیزه سازند و دانه دانه
از هم جدا کنند و در ان آب نخود طبخ نمایند
انقدر که سیر پخته و نرم شود و پس شیر گاو انقدر

در ریشهای روده که از بلغم شور بود و از سودا و سرفه
بلغمی و تنگی نفس را سود دارد و خون بواسیر و خون
حیض و قی خون و نفث خون باز دارد و اسهال بلغمی را
برطرف سازد و درد گرده و مثانه را سود دارد
و بالجمله منفعت این معجون و منفعت فلونیا یکیست اجزا
آن مر زعفران افیون جند بیدستر بزر البنج قسط
قردمانا تخم خشخاش سنبل غافث شاخ راست
ر سوخته جگر گرگ خشک کرده اجزا مساوی یکدیگر
جمله را بکوبند و بیزند و با انگبین بسرشند شربتی از پس
شش ماه از نیم درم تا یکدرم در شیره کاسنی
یا رب سیب و آب و مانند آن استعمال نمایند این نسخه
دوازده جزو است مزاج سرد است در ربع درجه
اول خشک است در آخر درجه دوم اناثاسیای کوچک
منفعت این چون منفعت اناثاسیای بزرگ است اخلاط
سبعه زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار
درم عصاره غافث هشت درم رب سوس دوازده درم

سیر نخته و نرم شود پس شیر گاو آنقدر که چهار انگشت
بر بالای آن بایستد در دیگ ریخته با آتش آهسته
جوش دهند تا آن شیر بالتمام تحلیل رود و ظاهر باشد
بعد از آن روغن گاو تازه آنقدر که کفایت بر آن
ریزند و با آتش آهسته جوش دهند تا آن روغن نشف
کند در آن اجزا پس آن اجزا را بر یکدیگر زده مخلوط و خمیر
سازند و عسل سفید چندانکه چهار انگشت بر سر آن
بایستد بریزند و باز طبخ نمایند تا منعقد شود بعد از آن
از ادویه و افاویه آنچه مذکور شد کوفته و بیخته بروریزند
و مخلوط سازند و در مرطبان چینی کرده بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی مقدار جوزی این نسخه سیزده
جزو است مزاج گرمست در اول درجه سیوم
خشکست در آخر یک درجه و نیم اناثاسیای بزرگ
بیماریهای جگر و سپرز و معده را که از سردی بلغم
و سودا بود و بادهای غلیظ را که اندر حشا و رحم باشند

بانگبین لسبر شیند شربتی مقدار فندقی و در نسخه دیگر عود

بلبان از هر یک چهار درم اضافه کرده اند این

نسخه هشت جزو است و بنابر نسخه دیگر ده جزو و وزن

ادویه بنابر اول چهل و چهار درم و بنابر ثانی نسخه

و دو درم مزاج سرد است در سه ربع درجه اول

خشکست در اخر دو درجه **دواء الکرکم** ترکیب جالینوس

نفع میدهد دردهای کهنه را که در جگر و سپرز باشد

از سردی و مواد غلیظ و میگشاید جمیع سدها را که در

آلات غذا بوده باشند و بر طرف میسازد بادهای

غلیظ را و ادرار بول میکند و درد گرده و مثانه

و رحم را که از مواد غلیظ بوده باشد نفع میدهد

نیز میسازد
و نرم می صلابتی که در گرده و مثانه و رحم باشد و نفع

میدهد استسقا را **اقراص** زعفران دوازده درم

مو فوا امینون و فو اسارون را و هیچ فطراسالیون

از هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط سلیخه

فقاح اذخر حب بلبان از هر کدام یکدرم فوه دو

درم رب سوس عافت جعده استقولوقندریون از

هر یک سه درم روغن بلبان نیم اوقیه مر چهار درم

و در نسخه دیگر بدل حب بلبان حب بان یکدرم و کبر

رومی سه درم کرده اند اجزا کوفته و بیخته و بروغن بلبان

چرب کرده بعسل معجون سازند شربتی یکدرم بعبر آب

عسل این ترکیب بلیست جزو است وزن ان هفتاد و سه درم

مزاج گرمست در دو درجه و ثلث خشک است

و در اخر دو درجه **دواء الکرکم کوچک** نافعست

ضعف جگر و سپرز و معده را و صلابت انها را

نرم میسازد و اگر در ابتدای استسقا بنوشند منع

ان مینماید و رنگ رو را نیکو میسازد و نافعست

اکثر امراض مزمنه را **زعوان** زعفران سلیخه سنبل

مر قسط فقاح اذخر دارچینی اجزا مساوی یکدیگر

همه را بکوبند و ببیزند و هر را یک شبانروز در

در مثلث بجوشانند پس اجزا را بعسل کف گرفته

انقدر که کفایت کند معجون سازند و در نسخه دیگر بدل
سنبل باردین کرده شربتی از یک درم تا یک مثقال این
نسخه هفت جزو است مزاج گرم و خشک است در اخر دو درجه

دواء الملک اکبر [2] منقول از قانون و ذخیره منافع این ترکیب و منافع
دواء الکرکم یکیست **اخلاط** لک پاک کرده
هشت درم مغز بادام تلخ مقشر دارچینی ساذج
هندی قرنفل از هر یکی پنج درم کمافیطوس مغز قوه
و فانی خشک از هر یک چهار درم سنبل دوازده درم
دو قو تخم کرفس فطراسالیون زیره کرمانی زنجبیل
از هر یک هشت درم خبطیانا زراوند مدحرج از هر یک
هفت درم زعفران سه درم اسارون بیست درم
فوه پانزده درم حب بلسان سلیخه مصطکی قصب الزریره
مقل ازرق از هر یک هفت درم رب سوس دوازده
درم و نیم ریوند چینی پانزده درم جعده اذخر از هر یک
سه درم فلفل سیاه قسط تلخ از هر یک ده درم

سیسالیوس سه درم روغن بلسان سه درم و نیم
داروهای خشک را بکوبند و انچه بباید که در اخت
اندر شراب انگوری یا باء العسل بدل شراب بگدازند
و همه را با انگبین بقدر کفایت بسرشند شربتی مقدار
با اشربه که موافق باشد این ترکیب سی و چهار
جزو است وزن ادویه دویست و سی و چهار درم
و نیم مزاج گرمست و خشک در اول درجه سیوم
در ذخیره خوارزمشاهی نسخه دیگر ذکر میکند و میگوید
که این نسخه معتمد است در ان نسخه طین سقوطری
دوازده درم و کندر سه درم و دارفلفل
و زراوند طویل از هر یک هفت درم و اخلست
و اندک تفاوتی در وزن هم هست **دواء
الملک صغیر** نافعست ضعف جگر و معده گرمی
و صلابت از او صلابت و سختی سپرز را
و تفتیح سده میکند **اخلاط ان** لک قسط حب

باب طبیخ هم

هفتده حوات

الغار ریتس حلبه فلفل از هر یکی دو درم ریوند درم
عسل بقدر احتیاج شربتی یکدرم افسنتین و در نسخه
دیگر بدل حب الغار فقاح اذخر کرده اند این نسخه
وران پانزده درم مزاج گرم و خشک است در اخر
دو درجه **معجون قوقی** نافعست سعال و سختی جگر
و شوصه را **اجزاء** مرمکی البطم از هر یک چهار درم
سنبل زعفران دارچینی سلیخه از هرکدام یکدرم فقاح
اذخر قصب الزریره مقل از هر یک دو درم و نیم
مویز بزرگ دانه بیرون کرده و پوست دور
کرده بیست درم عسل بقدر کفایت شربتی یکدرم

طرسوسی

بطبیخ این نسخه ده جزواست وزن ادویه چهل و چهار
درم و نیم مزاج گرمست در یکدرجه و سه ربع
خشکست در یکدرجه و نیم **فلونیا رومی**
بطریقی که در منهاج و ذخیره و باقی کتب معتبره
مذکور است صاحب ذخیره میگوید که این معجون

مبارکست

مبارکست زنها باز دارد و همه بیماریها ساکن کند خاصه
درد قولنج را و قی خون و اسهال خون و نزف حیض
و هیضه باز دارد **اخلاط** زعفران پنج درم فلفل
سیاه بزر البنج از هر یک بیست درم افیون ده درم
فطراسالیون سنبل الطیب از هر یک چهار درم
تخم کرفس نطی سه درم ساذج هندی سلیخه عاقرقرحا
ملبسان فرفیون از هرکدام یکدرم دارو ها را کوفته و بیخته
بروغن بلسان چرب کرده با سه چندان عسل کف
گرفته معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی مانند نخودی و درد کرده باب کرفس صاف.
ذخیره میگوید شربتی پس از شش ماه از نیم مثقال تا یک مثقال
اما از جهت درد قولنج اندر طبیخ شبت دهند و از جهت
درد جگر اندر طبیخ جعده و از جهت درد معده اندر
طبیخ بادیان و از جهت باز داشتن خون اندر
طبیخ سماق دهند و بعضی از اطبا بدل تخم کرفس

دو قوا میکند و قوت این معجون از شش ماه تا سه سال
باقیست این نسخه دوازده جزو است وزن آن
هفتاد و یک درم مزاج گرمست در سه ربع درجه خشکست
در آخر درجه سیوم که شیخ در قانون ذکر کرده [2] اصل ط

فلونیا رومی که شیخ در قانون ذکر کرده صح

فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست مثقال افیون
ده مثقال زعفران پنج مثقال فرفیون سنبل
عاقرقرحا از هر کدام یک مثقال عسل بقدر حاجت
شربتی مقدار نخودی با آب نیم گرم این نسخه هفت
جزو است وزن آن پنجاه و هشت مثقال مزاج سرد است
در یکدرجه خشکست در اواخر درجه سیوم این نسخه
بعینه نسخه برشعثاست اما شیخ در قانون بطریق
فلونیای رومی طرسوسی ذکر کرده و حکیم عماد الدین
محمود رحمه الله تعالی رساله افیون العبار ذکر
این ترکیب میگوید که بعضی این نسخه برشعثا منسوب
بابوالبرکات بغدادی ساخته اند و این غلطست

زیرا که شیخ در قانون از جالینوس حکایت میکند
که من این دوا را در خواب دیدم گفت من از جمله عادت
فیلن طبیب طرسوسی ام و منفعت من کسی را که نزدیک
باشد عظیمست و باصلاح می آورد دردها را که در امراض
مزمنه حادث شده باشد اگر صاحب درد قولنج
از من یک نوبت تناول نماید نفع می یابد و سیر رو نفس
الانتصاب مودی و سل و تشنج و درد پهلو که از خوف
هلاک باشد برطرف می سازد و کسی را که نفس دم باشد
یا خون قی میکرده باشد و از من قدری تناول
نماید حایل میشوم میانه او و موت و هر دردی را
که در امعاء و احشا حادث شود و سعال و خناق و فواق
و انواع زلی که از سر و دماغ علق و سینه میریخته باشد
ساکن میگردانم فلونیای فارسی نافعست ترف طمث
و بواسیر و نرمی طبیعت و انبعاث دم را و حیض
آمدن زنان بستن را و بادهای که در رحم حادث

کثیرا چهار درم در نسخه صهار بخت کثیرا نیست و مغز حبا
دو درم است جمله اجزا را بکوبند و بمنجنج لسبر سرشته شربتی
یکدرم با جند بقون با ماء العسل بعد از شش ماه استعمال
نمایند این ترکیب سیزده جزو است وزن ان پنجاه و
یکدرم مزاج سرد است در یکدرجه و نیم خشک است
در اخر دو درجه **دواء الخطاطیف** نافع است خناق
و جاع حلق و اوجاع بالای سینه را **اجزاء** انیسون تخم کرفس
نانخواه فقاح اذخر و پنج سوسن اسمانجونی دارچینی
حماما زراوند طویل شب یمانی نهر اسفند مر اصل
السوس سلیخه زعفران از هر کدام یک معجون
فرقوا معما تخم کل خشک کرده از هر یک دو اوقیه
قسط رماد الخطاطیف تازه از هر یک سه
اوقیه سنبل نشاسته کندم از هر یک نیم اوقیه
مازو نارسیده نه کوچک ونه بزرک بلکه میانه
در مقدار هشت عدد اجزا را کوفته و بیخته بعسل

میشود و محافظت مینماید جنین را و فم رحم را مستحکم می کرداند
اجزای فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست درم افیون
طین مختوم از هر یک ده درم زعفران پنج درم
سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم
زرنباد درونج مروارید ناسفته مشک از هر یک نیم درم
کافور یکدانک و نیم عسل بقدر احتیاج شربتی بمقدار
یکدرم با شربه که موافق باشد این نسخه چهارده جزو است
وزن ان نود و چهار درم و یکدانک و نیم مزاج
سرد است در نیم درجه خشک است در دو درجه و نیم
معجون کاکنج خداوند قرحه کلیه و مثانه و بول الدم را سود
دارد **اخلاط آن** بزر البنج تخم کرفس تخم بادیان
از هر یک هفت درم مغز تخم خیار پنج درم شوکران
بزر الحماض اقوین مغز حلغوزه بریان کرده مغز فندق
بریان کرده مغز بادام بریان کرده زعفران
از هر یک سه درم حب کاکنج بیست و پنج عدد

کند

کف کرفته انقدر که حاجت باشد معجون سازند
شربتی نیم مثقال تا یکدرم در کشکابی که در وی
بیخ سوسن و بیخ بادیان پخته باشند یا در طبیخ
افتیمون بنوشند یا در کشکاب حل کنند و بران
موضع طلا کنند سود دارد این ترکیب بیست
و یک جزو است وزن آن بیست و پنج اوقیه
مزاج گرمست قریب یکدرجه و نیم خشکست
در اول درجه سیوم **قرص زعفران** که داخل این ترکیبات است
اخلاط زعفران دارچینی از هر یک دو درم گل
خشک حماما قسط از هر کدام یکدرم مر چهار درم
اصل سوس اسمانجونی سایج هندی از هر یک
دو درم و نیم اجزا را بماء العسل خمیر کرده قرص
سازند و در سایه خشک کنند این نسخه بیست جزو است
وزن آن شانزده درم مزاج گرمست در اول
سه درجه خشکست در اخر دو درجه **مع رماد الخطاطیف**

صاحب

صاحب ذخیره خوارزمشاهی گوید که بچه پرستوک
را بکشند و پاک کنند و نمک سوده بران پر کنند
و اندر شیشه نهند و شیشه را بگل حکمت در گیرند
و سرش را استوار کنند و در تنور گرم نهند
یکشبانروز دیگر روز از آن بکشایند و بچه
پرستوک راسوخته را بسایند و رماد الخطاطیف
این باشد این ترکیب نافعست حمیات بارده **دواء الکبریت**
را و حمی ربع و حمی بلغمی و سعال خصوصاً
کهنه را و نفث مده و ضیق النفس را نفع میکند
گزار و استسقا و سپرز را و مدر بولست
و اخراج سنگ از گرده و مثانه میکند و نافعست
گزیدن مار و افعی و عقرب را نفعی ظاهر و رفع
ضرر او دهنده مینماید و نزدیکست که این
ترکیب در نفع معادله نماید با تریاق فاروق
اخلاط آن کبریت زرد بزر البنج
سفید قردمانا میعه مر از هر یک ست درم

سداب قسط از هر یک ده درم سلیخه دوازده
درم فلفل سفید بیست و دو درم اجزا را کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی از آن پیش از ظاهر شدن تب
یک درم با آب نیم گرم و بجهت تب ربع و تب بلغمی
با آب کرفس و رازیانه این ترکیب پانزده جزو است
وزن آن نود و هشت درم مزاج گرم است در آخر
دو درجه خشک است در نصف آخر درجه سیوم خداوند
تب سرد را و تب ربع را سود دارد خاصه
که مدتی دراز بر آمده باشد و ماده بدر ریخته
و مضرت زهر کژدم و رتیلا باز دارد اوایل د

معجون حلتیت

حلتیت فلفل و برگ سداب اجزا مساوی
یکدیگر با انگبین مصفا بسرشند شربتی یک درم
خداوند تب را پیش از نوبت بیک ساعت بدهند
با سکنگبین و از جهت دفع مضرت زهرها با آب
گرم یا با ماء العسل دهند این نسخه چهار جزو است

مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه
و ربع معجون بلغمی معده را پاک کند و قی باز
باز دارد و خاصه بلغمی و سودایی را و علت دوار
بلغمی و سودایی زایل کند اخلاط هلیله سیاه
بلیله آمله هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک
سه درم افتیمون چهار درم نمک نفطی دو درم
ایارج فیقرا ده درم غاریقون چهار درم بسکنگبین
بسرشند شربتی از آن سه درم اندر آب نیم گرم
ناشتا بدهند این نسخه نه جزو است وزن آن
سی و پنج درم مزاج گرم است در یک درجه و ربع
خشک است در اول درجه سیوم ابوالوا دوار حسنی
سلیخه قسط از هر یک سی درم انیسون تخم کرفس
از هر یک ده درم اسارون بیست و نه درم
زعفران هشت درم زرنوید چینی ده درم تفاح
اذخر از هر یک بیست و چهار درم عسل

بسبه وزن ادویه اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته
معجون سازند این ترکیب ده جزو است وزن
آن دویست و بیست درم مزاج گرم و خشک در دوم درجه
و نیم این نسخه منهاج الادویه برتوجه است
اصلاط دارچینی قنطوریون سلیخه از هر یک هفت
درم انیسون تخم کرفس اسارون از هر یک سی
و سه درم فقاح اذخر مرصاف از هر یک
سی درم عیدان سلیخه زعفران زراوند مدحرج
زراوند چینی از هر یک بیست درم عسل سه درم
ادویه مزاج ترکیب بمزاج نسخه قانون
معجون قبادالملک اوجاع مفاصل و نقرس را مستعد است
و خداوندان تبهای کهن و درد سر و بادهای
غلیظ و سرفه و ضیق النفس را و قروح امعا را که
از بلغم بود سود دارد و خداوند درد چشم و درد
گلو را سود دارد و تن درستی بر مردم نگاه دارد

اصلاطان تخم سداب وحشی فراسیون
اسقوردیون کماقیطوس جاوشیر اسطوخودوس — جنطیانا ح
فودنج نانخواه از هر یک پنج مثقال مر زعفران
قسط تلخ فلفل سفید اذخر سنبل الطیب فرفیون
پوست بیخ لفاح اشق بوزیدان تخم بادیان تخم کرفس
بری گل سرخ حب بلسان از هر یک سه مثقال
دارچینی هشت مثقال سلیخه یک اوقیه عصاره
غافث کاشم تخم حندقوقی صمغ بادام از هر یکی
چهار مثقال افیون زرنباد از هر یک شش مثقال
صمغ و عصاره به شراب بالعسل حل کنند و داروی
خشک را کوفته و بیخته با انگبین مصفا بسرشند
شربتی یک درم این ترکیب سی و یک جزو است
وزن آن یکصد و سی مثقال و نیم مزاج گرم است
در آخر درجه اول خشک است در آخر درجه دوم
و در منهاج الادویه زراوند سه مثقال گفته

چهار مثقال اضافه نموده **کل کلانج کبیر** ضعیفی معده را که از
سردی و تری بود و تبهای کهن را سود دارد و
باز کردن بول کشاید و بهق و برص و سرفه بلغمی و
تنگی نفس را ببرد و خداوند جگر و سپرز صلیب
را و خداوند باسور و قولنج و خداوند استسقا
و اختناق رحم و بیماریهای ازرا و خداوند صرع
و مزاج سرد را سود دارد **اخلاط** هلیله کابلی
بلیله آمله پاک کرده از هر یک هفت درم فلفل
دار فلفل زنجبیل فلفلمون نمک سندی
سرخ نمک هندی سیاه نمک اندرانی
نمک طبرزد خمیر لسان العصافیر شیطرج سعد
خیربوا فرفه قرنفل زنجبیل کابلی مقشر صعتر
فارسی شونیز حب البلیل زیره کرمانی ساذج
هندی تخم کرفس کشمیز خشک از هر یک یک درم
ترید سفید صد و پنجاه درم فلوس خیار شنبر

تازه ده درم مویز منقا نیم من شیر آمله پاک کرده
یکمن مویز و آمله اندر دوازده من آب بپزند
تا دو بهره بماند و بپالایند خیار چنبر اندرین حل
کنند و سه من و ده استار قند بیفکنند نیکو و درین آب
بگذارند با آتش نرم و نیم من روغن کنجد تازه با وی
بیامیزند و یک جوش دیگر بدهند تا قوام گیرد
بعد از آن داروها بدان بسرشند شربتی چهار
درم تا پنج درم این ترکیب سی جزو است بغیر
قانید روغن کنجد وزن این شش صد و شصت
و هفت درم و نیم تقریبا مزاج گرم است در آخر
دو درجه اول خشک است در سوم ربع **معجون کل**
کلانج صغیر خداوند استسقا و بیماریها جگر
و سپرز را سود دارد و سده و قولنج را هفت
اخلاط لک مغسول سنبل گل سرخ دو قوا
فطراسالیون فودنج حبشی نمک

هندی پنج سوس اسمانگونی عاریقون از هر یکی
شش درم کمافیطوس سیالوس راوند طویل
اسارون مصطکی عود بلسان خطباء زنگ
کابلی مقشر سلیخه از هر یکی چهار درم عصاره
غافت عصاره افسنتین سعد اذخر از هر یکی
پنج درم تخم کشوث سرمق اصل سوس رب سوس
سقموتیا از هر یکی ده درم تخم کرفس قسط و تخم
بادیان انیسون از هر یکی سه درم تربد صد و
پنجاه درم زیره کرمانی چهار درم جمله را بکوبند
و بیزند پس بگیرند هلیله زرد مقشر بیست درم
هلیله سیاه بلیله مقشر از هر یکی پانزده درم
املج مقشر یکمن و نیم خرمای هند پنجاه درم مویز
نیم من همه را اندر پانزده من آب بپزند تا
سه بهره آب برود و یک بهره بماند و بپالایند
پس بگیرند فلوس خیارشنبر نیم من اندرین

آب بگذارند و باز بپالایند و دو من
فانید بگوا اندرین آب بگذارند و بجوشانند
تا بقوام انگبین آید وسی استار روغن کنجد تازه
بادنی با همه بیرند پس بیست درم مازریون بگیرند
و اندر نیم من آب و سه اوقیه روغن کنجد
یا روغن بادام شیرین بپزند تا آب برود
و روغن بماند از آتش فرو گیرند و بپالایند و داروهای
کوفته را اندرین روغن بمالند پس بدان فانید
بقوام آورده بسرشتند شربتی از چهار درم
تا پنج درم با شیر شتر یا با آب عنب الثعلب
بدهند این نسخه چهل و سه جزو است بغیر فانید
و روغن کنجد وزن ادویه یکهزار و نود و [illegible] درم
مزاج گرمست در آخر درجه اول خشکست در دیگر درجه
در ربع معجون الکلکلانج متمد منقول از قرابادین قلانسی
این نسخه از ثابت بن قره است افواه ورق
مازریون در سرکه خوابانیده کهنه [illegible]

ملیله زرد غاریقون از هر یک چند درم عصاره
افسنتین سه درم ابرسا گل سرخ تخم خیار مقشر تخم کاسنی
رب سوس از هر یک دو درم زرنجبین منقا فلوس
خیار چنبر فانید از هر یک یازده درم ازین ادویه
آنچه تر است باب حل کنند و بپزند تا غلیظ شود
باقی ادویه خشک را کوفته و بیخته با آن جمع نمایند
و معجون سازند شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه
دوازده جزو است با فانید وزن ادویه باقی
هفتاد و سه درم مزاج چنانکه فلانسی اشاره
نموده معتدل است در گرمی تا خشک است در درجه
دوم معجون فرونتوش قولنج را بگشاید و بادهای غلیظ را
بشکند و پیچیدن شکم و فراموش کاری را دفع علتهای
زنان حامله را که از سردی بود سود دارد
اخلاط در هیون عاقرقرحا سنبل زعفران
از هر یک هفت درم افیون بزرالبنج از هر یک
بیست درم با انگبین بسرشند و پس از شش ماه بکار
دارند

دارند این نسخه شش جزو است وزن آن شصت و هشت درم
مزاج سرد است در اول درجه دوم خشک است
در آخر درجه سیوم معجون مشهور انکبندی زعفران
دو مثقال اسارون و ریوند چینی دو و قطراسالیون
از هر یک چهار مثقال سنبل هندی سنبل رومی
از هر یک شش مثقال قسط سلیخه فقاح اذخر از هر یک
کدام یک مثقال حب بلسان سه مثقال و نیم فوه هشت
مثقال رب سوس اسقولوقندریون جعده
عصاره غافت از هر یک غافت سه مثقال روغن
بلسان شش مثقال اخلاط اندر وخوردن هیچ
مثقال عسل القدر کفایت شربتی مقدار فندقی
با جلنجبین عسلی یک اوقیه این نسخه بیست جزو است
با قرص اندر و خوردن وزن آن هفتاد و
هیچ مثقال و نیم مزاج گرم و خشک است در آخر درجه دوم
معجون پودینه در معده و جگر و تهیای کهن

وتب سرما را سود دارد و **اخلاط** بود نه رشتی
بود نه کوهی فطراسالیون سیسالیوس از هر یک
بیست درم تخم کرفس بابونه حاشا از هر یکی چهار درم
کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل درم اندر بعضی
نسخها بیست وچهار درم با نگبین مصفا بسرشند
این نسخه نه جزو است وزن او یکصد و پنجاه درم
مزاج گرم وخشکست در دو درجه و نیم **معجون البزور**
در معده و جگر و سپرز را سود دارد و بادها را
بشکند **اخلاط** سلیخه حماما سنبل نانخواه تخم بادیان
تخم کرفس انیسون سیسالیوس جند بیدستر تخم
شبت زراوند طویل مصطکی اسارون کرویا اجزا
همه مثل یکدیگر با نگبین مصفا بسرشند این نسخه
چهارده جزو است مزاج گرمست و خشک در اول
درجه سیوم **معجون یاقوت** ترکیب شیخ ابو علی
وسواس و خفقان ضعف دل علتهای مزمن
چون علتهای دماغ معده و جگر و سپرز و قولنج

را و اوجاع مفاصل وتبهای کهن را سود دارد
اجزای او بگیرد یاقوت سرخ رمانی یکمثقال لنک
لشب و عقیق از هر یک یکدرم طلا دو دانگ
نقره یکدانگ این جواهر را بکوبند و بسایند
و طلا و نقره مدبر کرده را با جواهر بر صلایه بسایند
و شراب برمی چکانند تا مهیا شود پس بگیرند
غاریقون و افتیمون و فلفل و زنجبیل و قرنفل
و مرزنگوش از هر یک مقدار نیم وزن جواهر و طلا
و نقره و بگیرند حجر ارمنی و حجر لاجورد و نمک
نفطی و درنباد و درونج و بهمن سرخ و لسان الثور
از هر یک ثلث وزن جواهر و طلا و نقره بگیرند
سنبل اقریطی که انرا ردین است و حماما و ج
و ساذج هندی و دارچینی و صعتر و حاشا
و زوفا و زیره از هر یک ربع وزن جواهر
بگیرند مشکطرامشیع و فطراسالیون و حجر الیهود
و تخم کرفس و مرو و کندر و زعفران

وفلفل سفید از هر یک سدس درم جواهر وطلا ونقره
وبگیرند عاج ثلث وزن آنهمه را بکوبند وبسایند
وبیامیزند وبا عسل هلیله سرشته سرشند شربتی یکمثقال
این ترکیب سی وهفت جزو است مزاج گرمست
در یکدرجه و رنج خشکست در یکدرجه ونیم مفرح
معتدل منقول از ذخیره خوارزمشاهی مروارید
سفید پنج درم کهربا دو درم ونیم صندل سرخ وسفید
از هر یک چهار درم لسان الثور پنج درم
قلیجمشک سه درم تخم کاسنی دو درم ونیم درونج
یک درم ساذج هندی دو درم افتیمون سه درم
امله چهار درم گل سرخ سه درم زرنباد دو درم
طباشیر چهار درم سناء مکی سه درم تخم فرنجمشک
تخم بادرنجبویه از هر یک دو درم زعفران یکدرم
کافور دو دانگ عنبر چهار دانگ عود یکمثقال
کشنیز خشک دو درم خشخاش دو درم نعنع
دو درم گل ارمنی دو درم شراب سیب [illegible]

این

این ترکیب بیست وشش جزو است وزن آن
شصت وهشت درم ونیم تخمیناً مزاج معتدلست
در گرمی وسردی خشک در یکدرجه ونیم معجون اکبر
نافعست بیماریهای قصبه شش وقروح ازو
نفث القیح ونفث الدم وماده که سینه رنجیر
شود وبجهت عسر نفث افواه صمغ البطم زعفران
کندر مر دارچینی از هر یک چهار مثقال حمامه
مثقال حب صنوبر کبار چهار مثقال اصل السوس مقشر
چهار مثقال سنبل شامی دو مثقال ونیم سلیخه سیاه
دو مثقال کثیرا سه مثقال شحم الثمر الشامی سه مثقال طین
شاموس که انرا کوکب کویند چهار مثقال بارزد
سی مثقال عسل قسط چهار مثقال عسل چهار قوطولاس
که دویست وشصت درم باشد عسل وصمغ البطم
را در ظرفی نهند چون بقوام باز زد را با آن مخلوط
سازند وطبخ نمایند چندانکه اگر قطره از ان

ازان بر روی طبقی افکنند همین نشود بعد ازان از بالای
آتش فرود آورده سرد نمایند و باقی ادویه را
خوب کوفته و بیخته دران ریزند و بر هم زنند
چندانکه خوب بهم مخلوط شود و پس ازان استعمال
نمایند این نسخه یازده جزو است وزن آن هفتاد
و نه مثقال و نیم مزاج گرمست در اول درجه سیوم
خشکست در اول درجه و سه ربع **معجون ارسطوماخس**
علتهای سینه و الهای دم را دفع کند اندر آن
التهابها پدید آید و خون و ریم بر آمدن گیرد اما پس
عصبهای سینه و عضلهای دم زدن را و خداوند
و خداوند نفث و خداوند اسهال را و خداوند
علتهای مثانه و ختناق رحم و تبهای کهنه را
سود دارد و مضرت زهرهای جانوران زهر
دار باز دارد **اخلاط** او دارچینی قسط بارزد
جند بیدستر افیون فلفل سیاه دار فلفل میعه
سایله از هر یک یک اوقیه عسل یک قسط

که یکصد

که یکصد و هشتاد درم باشد بارزد با عسل بگدازند
و دواها بدان بسرشند و اندر ظرف آبگینه
یا نقره چینی کرده نگاه دارند شربتی مقدار یک
باقلا اندر ماء العسل و سه قطره روغن شیر خشت
بر وی چکانیده این ترکیب هشت جزو است
وزن آن هشت اوقیه مزاج گرمست در نیم درجه
خشکست در دو درجه و نیم **معجون خنطیانا** نافعست
صلابت سده و درد جگر و معده و سپرز و تبهای
کهن را **اخلاط او** خنطیانای رومی فلفل از هر یک
ده درم قسط تلخ ساذج هندی سنبل بوزیدان چینی
از هر کدام یک اوقیه اجزا را کوفته و بیخته بعسل
کف گرفته آنقدر که احتیاج باشد معجون سازند
شربتی ازان یک درم باب سداب نجیه این نسخه
شش جزو است وزن آن هشت و سه درم
مزاج گرم و خشکست در اول درجه سیوم

معجون عطیة الله این نسخه شریفیست سیاران ازا
عطیة الله نامیده اند در خزانه یکی از پادشاهان
ماتقدم یافته اند نافعست بواسیر و فساد معده
و سردی بهار را و اشتهای طعام و جماع آورد و مدر است
و حفظ صحت می نماید هر گاه که در زمان بهار و
زمستان سه ماه در هر جمعه از هر گاه بنوشند
اخلاط هلیله سیاه بلیله آمله زراوند مدحرج
زراوند طویل وج شقاقل هیل قاقله قرنفل
بابونه زنجبیل کنجد پوست تاکنده از هر یک
شش اوقیه جوزبوا سنبل تربد سفید سوفود دوقوا
اسارون تخم کرفس جبلی فرفیون از هر یک دو اوقیه
نانخواه مغز گندم تخم گراث لودری سعید خشخاش
زرنباد درونج ریتک حماما عاقرقرحا طباشیر
سیالیوس حلتیت منتن زیره کرمانی از هر یک
سه اوقیه شل فلفل دارچینی شیطرج هندی شیطرج

فادکم

فلفل مرن
شیطرج فارسی اشنه سعد بنج نیلوفر دار فلفل قرفة الطیب
جند بیدستر از هر یک پنج اوقیه جاوشیر یک پنج از هر
چهار اوقیه پوست بیخ کرفس هشت اوقیه خبث
الحدید پاک کرده که سه هفته ترتیب کرده باشند
یکهفته شکر و یکهفته با آب و عسل و یکهفته بسرکه بار ابتدا
کرده یک روز در سرکه و دیگر روز در شکر و دیگر روز
در آب و عسل بخوبیانند تا سه هفته باین نحو عمل
نمایند بعد ازان در سایه خشک کرده چندان
بسایند که چون سرمه نرم شود و باقی ادویه را نیز
خوب کوفته و بیخته بازای هر سه جزو از ادویه
یک جزو از خبث الحدید اضافه نمایند و بروغن گاو
اجزا را خوب چرب کنند و معجون سازند بعسل
خوش طعم بعد ازان بوزن خبث الحدید فانید بگدازند
تا بقوام عسل شود و داخل نمایند و خوب
برهم زنند تا بیکدیگر مخلوط شود بعد ازان در ظرف

باکیره جستی یا نقره کرده سرش را ببندند و در میان
جو پنهان کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی
مقدار مازونی ناشتا و بعد از آن تا سه ساعت
طعام نخورند و بعد از سه ساعت طعامی که معتدل
باشد در گرمی سردی میل نمایند و بعضی از اطبای
دانا را اعتقاد آنست که این دوا با رسید آ
سر لشیم قاتل را و مورث صحت است باذن الله تعالی
این ترکیب پنجاه و سه جزو است بغیر فانید وزن
آن بغیر محبث الحدید و فانید دویست و نوزده او[قیه]
و خبث هفتاد و سه اوقیه و فانید نیز مثل مزاج
گرم و خشک است در دو درجه و نیم معجونی که نافعست
ضعف جگر و نفث دم را ابو اداود جلنار دم
الاخوین و ورق الکرفس شب یمانی با جزا مساوی
یکدیگر اجزا را باید کوفت و چون نرم کرده بیخت
و آب از اصاف کرده نیم گرم باید آشامید

و این نسخه چهار جزو است مزاج گرمست در اول
درجه دوم و خشکست در آخر درجه دوم قرص طبیب
نافعست فساد مزاج و ورم جگر را و مقوی معده است
و رنگ روی را صاف کند ابو اداود هلیله
مصطکی از هر یک بیست و پنج درم زنجبیل و دارچینی
از هر یک ده درم فلفل سفید چهار ده درم
طالیسفر سه درم خولنجان ده درم مارمشک
شش درم عصیل افسنتین پنج درم بماء العسل بدل شراب
خمیر کرده حب سازند مقدار فلفل شربتی
از آن وزن دو درم با آب نیم گرم این نسخه
نه جزو است وزن آن یکصد و هشت درم
مزاج گرمست و خشک در اول درجه سیوم
معجون ایسر نافعست گرفتگی بول را و درد پشت
و ضعف گرده و مثانه را و سنگ از او بریزاند
ابو اداود خشخاش تخم کرانت تخم مشت

ن العصافير

تخم کرفس سوسن تخم کاهو تخم کاسنی تخم خرفه
بهمن سفید بهمن سرخ تخم بید انجیر کیلا تخم شلغم
تخم مرزنکوش برنج کابلی فلفل سیاه تربد حب الاس
تخم مرو اشنه اشق فقاح اذخر تخم جغندر کثیرا
بزر البنج صنوبر زرنب فلنجه حب الشل قسط کرویا مرز
مطونا [illegible] حب الاس لسان تخم خبزی سلیخه تخم کتان
نمک هندی تخم سداب تخم خطمی سرخ تخم
خطمی سفید زیره کرمانی قرفه تخم ترنجبین مغاث
سنا مکی سورنجان افتیمون انیسون تخم [illegible] سرخس
خل از هریک سه درم لودری سرخ لودری سفید
نانخواه زرنباد جبه تخم بازیانه دارچینی بلیله زرد
بلیله کابلی تخم حرمل حب الاس خردل [illegible]
کنجد مقشر بلیله تخم کزر از هریک پنج درم شقاقل
زنجبیل از هریک چهار درم مصطکی فلفل سفید
[illegible] کهربا باشش درم زعفران سه درم لسان الثور

ده درم فستق رامک شش درم بادرنجبویه هفت درم
ساذج چهار درم تخم بلادر بخونه ده درم گل سرخ
ده درم زرنباد سه درم عود سه درم مشک
یکدرم درونج دو درم عنبر اشهب ده مثقال
اسطوخودوس دو درم دارچینی چهار درم حجر ارمنی
مغسول یکدرم یاقوت رمانی یکدرم کندم
دو درم و نیم نمام دو درم مروارید [illegible] درم
سنبل سلیخه جبز بوا قاقله از هر کدام از هر کدام
یکدرم مرجان سه درم اجزا کوفته و بیخته بعسل مصفا
بقدر حاجت بسرشند این نسخه بیست و پنج جزو [illegible]
وزن او دو به یکصد و دو درم و نیم مزاج کرمست
در سیم درجه خشکست در یکدرجه و نیم یاقوتی
بار [illegible] از بعضی متاخرین اجزاء او صندل
مقاصری پنج درم طباشیر سه درم عصاره زرشک
سه درم خشب الکدر دو درم نیلوفر دو درم

نیلوفر دو درم مروارید سه درم مرجان سه درم
یاقوت دو مثقال یشم دو درم حجر لاجورد
مغسول عقیق کهربا کتیرا خشک پوست ترنج ریوند چینی
عود هندی از هر یک دو درم ابریشم مقرض یک مثقال
گل سرخ سه درم طین مختوم سه درم تخم کاسنی
سه درم کافور ریاحی دو مثقال مغز تخم کدو خشخاش
تخم کاهو از هر یک سه درم رب انار رب سیب
از هر یک سی درم شکر طبرزد صد درم اجزا را کوفته
و خوب نرم کرده بعسل بقدر کفایت معجون سازند
این نسخه بیست و پنج جزو است بغیر ربوب وزن
ان شصت و پنج درم و نیم مزاج سرد است و خشک
در اول درجه دوم **ایضا مفرح** نافعست خفقان
و ضعف دل او نفع میکند خمار را کاهی که بعضی
از ربوب ننوشتند **اخلاط** گل سرخ نیلوفر
از هر یک ده درم مروارید لسبد کهربا لسان الثور

طباشیر صندل سفید صندل سرخ حب الکدر
از هر یک سه درم تخم شاهسفرم تخم خرفه تخم شاهتره
تخم بادرنجبویه تخم کاهو تخم کاسنی تخم خیار بادرنگ
تخم خیار بارزه از هر یک دو درم کافور نیم
مثقال شکر طبرزد چهل درم این نسخه بیست و دو جزو است
بغیر شکر وزن ان شصت و شش درم و نیم مثقال
مزاج بارد است در نیم درجه خشک است در اخر
درجه اول **مفرح معتدل** نافعست توحش و مواد
سوداوی را و این ترکیب از تالیف امام الدین
صاعد المهبنی است **اخلا** گل سرخ چهار درم
نیلوفر نیلوفر دو درم لسان الثور کشنیز خشک
بادرنجبویه لودری سفید لودری سرخ بسفایج از هر یک
سه درم طباشیر دو درم بهمن سفید بهمن سرخ
صندل سفید صندل سرخ فرنجمشک تخم فرنجمشک
عود مسعد حولنجان از هر یک دو درم حجر ارمنی

زمرد دو روغ

مغسول لاجورد مغسول تخم کشوث تخم کاسنی
مغز تخم خربزه یاقوت لعل خیربوا جوزبوا زرنباد
از هر کدام یکمثقال بسد مروارید مرجان کهربا عنبر اشهب
از هر یک دو درم هلیله سیاه پنج درم قشور آمله
پانزده درم افتیمون چهار درم قرنفل سنبل بسبا
سه ساذج از هر کدام یکدرم زعفران یکدرم کافور
چهار دانگ مشک دو دانگ اجزا را کوفته با نبات
که بعرق گاوزبان ورب سیب بقوام آورده
باشند معجون سازند شربتی یکمثقال این ترکیب چهل و پنج
جزو است وزن آن هشتاد و چهار درم و دوازده
مثقال مزاج معتدلست مایل بحرارت خشک است

یکدرم

در اوایل درجه دوم مفرح معتدل مروارید پنج درم
بسد سه درم یاقوت رمانی عقیق لاجورد مغسول
از هر کدام کهربا صندل سفید صندل سرخ بهمن سفید
سرخ ابریشم مقرض ساذج هندی زرنباد کشنیز

خشک

خشک تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه خشخاش سفید
بنفشه طین ارمنی از هر یک دو درم لسان الثور
پنج درم قشور آمله پنج درم فرنجمشک گل سرخ
طباشیر تخم کاسنی سناء مکی سرطان نهری مرجان از
هر یک سه درم درونج یکدرم زعفران یک درم
تخم خرفه چهار درم عنبر اشهب چهار درم با چهار
دانگ کافور دو دانگ عود هندی دو مثقال
مشک یکدانگ نبات یک رطل رب سیب
نیم رطل این معجون سی و پنج جزو است بغیر نبات
ورب سیب وزن آن هشتاد و سه درم اگر عنبر چهار
درم باشد و اگر چهار دانگ باشد هشتاد درم
مزاج معتدلست در حرارت و برودت خشکست
در یک درجه و نیم مفرح و ملین با قوت اسهال را اخلاط
مروارید کهربا بسد از هر یک سه درم مرجان یک
درم و نیم عقیق دو درم لعل یکدرم بهمن سرخ بهمن سفید

صندل سرخ صندل سفید طباشیر طین مختوم تخم خرفه
قشور آمله ورق آس از هر یک پنج درم تخم حماض
ریوند چینی عصاره انبرباریس تخم کاهو بری سرطان
نهری لک مغسول از هر یک دو درم عود یکدرم
کشنیز خشک یکدرم و نیم زعفران نیم درم پوست
ترنج یکدرم زرنباد نیم درم تخم کاسنی سه درم
تخم گل سه درم رب به معجون سازند این نسخه
بیست و نه جزو است وزن آن هشتاد و شش
درم مزاج سرد است در نیم درجه اول خشکست
در یکدرجه و دو ثلث **مفرح معتدل** طباشیر زرشک
گل سرخ مروارید مرجان کهربا بسد از هر یک
سه درم صندل سرخ صندل سفید حجر ارمنی مغسول
نیلوفر بنفشه بهمن سفید بهمن سرخ درونج بادرنجبویه
فرنجمشک عود هندی از هر یک دو درم
لاجورد مغسول یکدرم و نیم عقیق یک درم

لسان

لسان الثور چهار درم املج پنج درم ابریشم یکدرم
اشته ساذج هندی قرنفل زرنب از هر کدام
یکدرم کافور نیم درم زعفران یک درم عنبر اشهب
چهار دانگ مشک یکدانگ شراب انار شکر از
هر یک ربع من این نسخه سی و یک جزو است
بغیر شراب انار و شکر وزن آن شصت و دو درم
و دو دانگ مزاج معتدلست در گرمی و سردی
خشکست در اخر یکدرجه **مفرح معتدل قابض** لسان الثور
بسد کشنیز خشک مروارید بهمن سفید پوست ترنج
کهربا ابریشم تخم خرفه اجزا مساوی یکدیگر بعسل بلیله
مربا معجون سازند شربتی دو درم این نسخه نه جزو است
مزاج معتدلست در حرارت و برودت خشکست
در اخر دو درجه **مفرح بارد** نافعست مره
صفرا و اسهال را گل سرخ طباشیر کهربا
کشنیز خشک از هر یک سه درم مروارید

یکدرم و نیم طین مختوم دو درم کافور ربع درم اجزا را
نرم کوفته برب سیب ترش معجون سازند شربتی
یکدرم و نیم باب سیب این نسخه هفت جزو است
وزن ان پانزده درم و چهار دانگ و نیم مزاج
سرد است در سیم ربع درجه خشک است دو درجه

مفرح بارد مروارید ده درم صندل سفید صندل
سرخ از هر یک دو درم بسد هشت درم قشور
آمله چهار درم تخم کاسنی دو درم کافور یکدرم
طین مختوم یک درم طباشیر سه درم گل سرخ
پنج درم یاقوت رمانی ورق اس حب الاس از هر
کدام یکدرم قشور هلیله کابلی دو درم کشنیز خشک
یکدرم هلیله سیاه دو درم حجر ارمنی مغسول چهار
دانگ نیلوفر دو درم اجزا کوفته و بیخته با رب
سیب و نبات بگلاب قوام آورده معجون
سازند شربتی یکمثقال این نسخه هجده جزو است

وزن ان

وزن ان چهل و هشت درم و چهار دانگ
مزاج سرد است در اول درجه دوم خشک است در
یکدرجه و نیم ذکر بعضی از معاجین اختیارات بدیعی یاقوتیه
خفقان و وسواس سوداوی را سود مند بوده و دل را
قوت دهد و نشاط آورد خاصیت ان بسیار است
لیکن مختصر کردیم اخلاط آن مروارید ناسفته هشت درم
سپید چهار درم یاقوت رمانی دو درم طلای
محلول نقره از هر کدام یک حجر لاجورد دو مثقال
و نیم لعل عقیق حجر الیشب از هر یک سه درم طباشیر
سفید صندل مقاصری از هر یک پنج درم گهربا
گل نیلوفر ابریشم بی دانه از هر یک سه درم
صندل سرخ طین مختوم از هر یک دو درم کشنیز
خشک تخم گل از هر یک سه درم و در بعضی
نسخها افتیمون شش درم میکنند و در بعضی نمیکنند
سورنجان زرنباد درونج از هر یک یکدرم و نیم

محلول منقال

عود هندی پوست اترج گاوزبان بهمن سرخ
بهمن سفید از هر یکی سه درم بادرنجبویه
ریوند چینی از هر یکی دو درم تخم کاسنی کافور
قیصوری عنبر اشهب از هر یکی سه درم مشک
ترکی نیم مثقال ابریشم محرق سه درم شیر املهٔ کابلی ده درم
هلیله نیست گلاب یکمن نبات یکمن شراب
آب انار شیرین از هر یکی ده مثقال شراب سیب بیست درم
نبات با گلاب بگدازند و شراب سیب و به
و آب انار با آن بقوام آورند و داروها بدان
بسرشند و چهل روز در میان جو نهند و بعد از آن
استعمال نمایند این ترکیب سی و پنج جزو است
وزن آن صد و سی و سه درم مزاج سرد است
در دو ثلث درجه اول خشک است در اوایل درجه
دوم **مفرح معتدل** خفقان و وسواس و ضعف دل
زایل کند و نشاط آورد **اجزاء او** مروارید ناسفته

بسباسه از هر یکی پنج درم کهربا دو درم صندل سرخ
صندل سفید املهٔ مقشر طباشیر از هر یکی چهار
درم گاوزبان پنج درم تخم کاسنی دو درم درونج
یکدرم سادج دو درم افتیمون ورق گل سرخ
از هر یکی سه درم زرنباد تخم بالنگو تخم فرنجمشک
از هر یکی دو درم در بعضی نسخها سنای مکی سه درم
مینویسند زعفران عنبر اشهب از هر کدام یکدرم
کافور نیم دانگ مشک ترکی دانگی عود خام پنج درم
کشنیز خشک دو درم و نیم خشخاش سفید بنفشه
گل ارمنی از هر یکی دو درم زر ورق نقره ورق
از هر کدام یکدرم اگر یکمثقال کنند شاید لعل نیم مثقال
جمله اجزا کوفته و بیخته بشراب سیب خالص یا بشراب
حماض بسرشند اگر نیمی شراب سیب و نیمی شراب
حماض کنند بهتر باشد مجموع صد و هشتاد مثقال
باید کرد شربتی از یکدرم تا یکمثقال این ترکیب

بیست و هشت جزو است وزن آن شصت و نه درم
و اگر سنا داخل باشد بیست و نه جزو خواهد بود
وزن عناب دو درم مزاج معتدلست در حرارت
و برودت خشکست در آخر درجه اول مفرح بارد
خفقان گرم را سودمند بود و قوت دل دهد
اخلاط ورق گل سرخ طباشیر از هر یک
دو درم کشنیز خشک بریان کرده صندل مقاصری
از هر کدام یکدرم مغز تخم خیارین مغز کدو از هر یک
چهار درم تخم تورک بوزیدان بهمن سفید گاو
زبان از هر یک دو درم زرشک بی دانه شش درم
مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک نیم درم
و در بعضی نسخها کافور نیم درم زعفران داخل میکنند
مجموع اجزا کوفته و بیخته و جواهر را صلایه کرده
و نبات بعرق بید مشک بقوام آورده داخل
بسرشند شربتی یکدرم تا یکمثقال این ترکیب چهارده
جزو است بغیر کافور و زعفران وزن آن بیست

و نه درم

و نه درم و نیم نبات دو وزن دارو و مزاج سرد است
در نیم درجه بغیر کافور و زعفران و با کافور سرد است
در آخر درجه اول خشکست در اول درجه دوم
مفرح گرم خفقان سرد و ضعف دل را سود دارد
اخلاط گاوزبان بالنگو بهمن سرخ بهمن سفید
از هر یک هشت درم آمله در شیر خیسانیده
بریان کرده بیست درم تخم فرنجمشک هشت درم
عود قماری ده درم گل مختوم مروارید ناسفته
از هر کدام یکمثقال زعفران یکدرم قرنفل بسد
کهربا زرنب کشنیز خشک از هر یک دو درم
کبابه سه درم ورق گل سرخ صندل مقاصری
از هر یک یکدرم عسل هلیله یک چهار یک
که شصت و چهار درم باشد یاقوت
زر محلول نقره محلول از هر یک نیم درم دارچینی
دو درم زرنباد سه درم درونج یکدرم و نیم

منقی نیم من که صد و بیست و نه درم باشد قند سفید
یکمن و نیم که سیصد و هشتاد و پنج درم باشد کهربا سبد
باید که سوخته باشد دارو ها کوفته و بیخته قند صافی
کنند و بقوام آورند عسل هلیله و منقی کوفته
بر سر آن کنند و حل کنند و داروها بدان بسرشند
شربتی یکمثقال این ترکیب بیست و پنج جزو است
بغیر منقی و قند وزن آن صد و هشت و نه
درم تخمیناً مزاج گرمست در اخر درجهٔ اول
خشکست در اول درجهٔ دوم مفرح بارد خفقان
و ضعف دل که از گرمی باشد زایل کند اجزاء او
طباشیر دو درم گاوزبان ده درم شیر الله
یازده درم عصارهٔ زرشک پنج درم صندل
مقاصری سه درم بهمن سرخ بهمن از هر یک
دو درم ورق گل سرخ پنج درم درونج
عقربی دو درم کشنیز خشک پوست برون

سپته مروارید ناسفته کهربا سوخته سبد سوخته
ابریشم سوخته از هر یک دو درم زعفران نیم
درم یاقوت چهار دانگ زر ورق نقره
ورق از هر کدام یکمثقال آب سیب ترش چهل
درم آب حماض چهل درم قند صاف
کرده و من بقوام آورند و داروها بدان بسرشند
شربتی یک درم این نسخه نوزده جزو است وزن
آن شصت و دو درم مزاج سرد است در
درجهٔ اول خشکست در اواخر درجهٔ اول
خفقان و ضعف دل که از سردی بوده باشد
زایل کند اخلاط زرنباد درونج گاوزبان
از هر یک شش درم بادرنجبویه سه درم
کوفته و بیخته بشراب سیب شل ادویه بسرشند
بعد از آن بعسل کف گرفته دو وزن ادویه
معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه

چهار جزو است وزن آن بیست و یکدرم
و نیم **مفرح جواهر جواهر رشیه** خفقان و وسواس و ضعف
دل را سودمند بود و جگر و گرده و مغز را قوت
دهد و لون را بغایت صافی کند و نشاط
تمام آورد و بادهای سوداوی را دفع کند
و بجهت قوی دل بغایت سودمند بود و
خواص آن بسیار است اینجا همین اختصار
نمودیم **اخلاط آن** یاقوت سرخ ده
مثقال یاقوت زرد چهار مثقال یاقوت
یاقوت کبود و سفید از هر یک چهار مثقال لعل
سه مثقال فیروزه سه مثقال مرد یکمثقال و نیم
عقیق چهار مثقال حجر لشب سه مثقال مروارید
ناسفته چهار مثقال بسد دو مثقال کهربا دو مثقال
لاجورد دو مثقال تخم فرنجمشک پنج مثقال
ابریشم محرق سه مثقال ورق فرنفل سه مثقال

پوست بیرون پسته چهار مثقال املهٔ مقشر ده
مثقال پوست هلیلهٔ کابلی ده مثقال بادرنجبویه چهار
مثقال گل نیلوفر سه مثقال صندل سرخ صندل
سفید تخم بادرنجبویه قرنفل دارچینی کبابه از هر یک
از هر یک سه مثقال گاوزبان پنج مثقال عصارهٔ
زرشک یازده مثقال عود قماری چهار مثقال
بادروج دو مثقال درونج عقربی چهار مثقال
طین ارمنی دو مثقال طین مختوم چهار مثقال طباشیر
سفید پنج مثقال عنبر اشهب چهار مثقال مشک
ترکی یکمثقال زر ورق نقره ورق گل دار چینی
از هر یک چهار مثقال کافور قیصوری نیم مثقال
قاقله کبار سه مثقال سنبل الطیب سادج
بهمن سرخ از هر یک دو مثقال بهمن سفید
مثقال آب سیب اصفهانی یکمن آب بهٔ اصفهانی
یکمن آب حماض نیم گلاب یکمن عرق بید مشک
دو من نبات مصری دو من نبات با عو قها

و آب سیب و به بقوام زیاده آورند و چون
فرو گیرند آب حماض بران ریزند و دارو ها بدان
بسرشند شربتی نیم درم این ترکیب چهل و شش
جزو است وزن آن صد و هشتاد مثقال
مزاج معتدلست در حرارت و برودت خشکست
در اول درجه دوم مفرح دیگر مستعمل ضعف دل
و وسواس سودائی و خفقان زایل کند و دل را
قوت دهد و نشاط تمام آورد اجزاء مروارید
سه درم بسد یکدرم کهربا یکدرم لعل یکمثقال یاقوت
زرد نیم مثقال لسان الثور یکدرم قرنفل یکدرم بهمن
سفید دو درم کبابه چینی بهمن سرخ از هر کدام
یکدرم زرنباد نیم درم بادرنجبویه سه درم سادج
سادج هندی یکدرم درونج عقربی نیم مثقال
پوست بیرون پسته سه درم پوست اترج
سه درم گاوزبان یکدرم صندل سرخ صندل
سفید از هر یک سه درم گشنیز خشک دو درم

زر ورق نقره ورق از هر یک نیم مثقال ورق
گل سرخ سه درم دارچینی یکدرم امله مقشر پنج
درم عصاره زرشک ده درم طین ارمنی دو درم
تخم فرنجمشک سه درم طباشیر سفید دو درم
عود خام یکمثقال کافور قیصوری نیم درم زعفران
دانگی عنبر اشهب نیم مثقال مشک ترکی دانگی نیم
شراب حماض نیم من شراب سیب اصفهانی چهل
مثقال شراب به اصفهانی دارو ها کوفته و بیخته
بدان بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب سی و چهار
جزو است وزن آن شصت و هشت درم مزاج
سرد است در ربع درجه اول خشکست در یکدرجه
و نیم مفرح یاقوتی خاص این نسخه مشهور است بمفرح
صندلین مروارید ناسفته یکدرم و نیم کهربا
یکدرم و نیم بسد یکدرم یاقوت رمانی لعل
آتشی حجر یشب زر محلول نقره محلول اما فرض

زعفران از هرکدام یکمثقال ریوند چینی دو درم
صندل سفید شش درم صندل سرخ سه درم
بهمنین شش درم تخم خرفه پنج درم تخم کاسنی پنج درم
امله مقشر کشنیز خشک از هر یک پنج درم زرشک
بی دانه هشت درم طباشیر سفید ورق گل
سرخ از هر یک چهار درم خشخاش سفید پنج درم
تخم کاهو سه درم پوست بیرون پسته پنج درم
درونج عقربی یکمثقال مشک خالص دو درم تخم ترب
پنج درم مصطکی یکمثقال پوست ترنج سه درم آب
سیب از هر یک بیست درم عرق بیدمشک
پنجاه درم عرق گاوزبان پنجاه درم گلاب
پنجاه درم نبات سفید یکمن نبات با عرقها بقوام
آورند آب سیب و آب به را صاف نمایند و ادویه
کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یک
مثقال این ترکیب سی و یک جزو است بغیر ابریشم

دهان

ونبات وعرق و گلاب وزن آن بود و هشت
درم مزاج گرمست در نیم درجه خشکست در اول
درجه دوم نوع واحد مروارید ناسفته دو درم
کهربا یک درم بسد یاقوت رمانی لعل آتشی
حجر الیشب حجر لاجورد از هر یک دو درم زر
محلول نقره محلول ما فرفین زعفران ریوند چینی
از هرکدام یکمثقال صندل سرخ صندل سفید بهمن
سفید تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک از هر یک
سه درم امله مقشر کشنیز خشک از هر یک پنج درم
گاوزبان سه درم زرشک بی دانه پنج مثقال
طباشیر سفید چهار درم ورق گل سرخ چهار
درم خشخاش سفید سه درم تخم کاهو سه درم
پوست بیرون پسته پنج درم درونج عقربی مشک خالص
از هرکدام یکمثقال عنبر اشهب عود قماری زرنبک
پنج درم مصطکی یکمثقال پوست اترج سه درم عرق

بیدمشک عرق گاوزبان گلاب از هر یک پنجاه درم
آب سیب آب به از هر یک سی درم نبات
یکمن نبات با عرقها بقوام آورند و ادویه کوفته
و بیخته و جواهر صلایه کرده بدان آمیزند شربتی
یکدرم این ترکیب سی و دو جزو است وزن
آن نود و دو درم مزاج گرمست قریب
بنصف درجه خشکست در اول درجه دوم
ایضاً مروارید ناسفته کهربا لبسد از هر یک
سه درم یاقوت رمانی لعل آتشی از هر کدام
یکمثقال حجر الیشب عقیق از هر کدام یکدرم حجر لاجورد
یکمثقال ورق گل سرخ طباشیر سفید گاوزبان
صندل سفید صندل سرخ زرشک بی دانه
کشنیز خشک از هر یک سه درم ابریشم مقرض
دو درم قاقله کبار سادج هندی از هر کدام
یکدرم پوست اترج سه درم تخم خیربوا

از

از هر یک دو درم مصطکی یکدرم درونج عقربی
یکمثقال بیرون پوست پسته آمله مقشر از هر یک دو درم
عود قماری سه درم دارچینی یکمثقال سعد یکمثقال
سنبل یکدرم تخم خرفه زر محلول نقره محلول از هر کدام
یکمثقال حجر ارمنی یکدرم تخم کاسنی یکمثقال بهمن
سرخ بهمن سفید از هر یک سه درم طین مختوم زعفران
از هر کدام یکمثقال بادرنجبویه دو درم مشک خالص
نیم درم عنبر اشهب نارمشک از هر کدام یکدرم
بافرمین یکمثقال آب به آب سیب از هر یک
بیست درم عرق بیدمشک عرق گاوزبان از هر یک
پنجاه درم گلاب سی درم نبات و عسل یکمن
نبات و عسل با عرقها بقوام آرند و آب سیب
و آب به اضافه نمایند و ادویه کوفته و بیخته
و جواهر صلایه کرده بدان آمیزند شربتی
یکدرم این ترکیب چهل و سه جزو است
وزن آن هشتاد و دو درم مزاج گرمست

قریب به نیم درجه خشکست در یکدرجه و ربع

مفرح دلگشا عجب پوست اترج پنج درم بهمن سرخ

بهمن سفید از هر یک دو درم و نیم هلیله سیاه

دارچینی از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج

درم فرفه دو درم زعفران سه درم بادرنجبویه

گاوزبان از هر یک پنج درم مغز بادام کنجد سفید

خشخاش از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم

خیار بادرنگ از هر یک پنج درم کرفس یکدرم

مشک ترکی یکمثقال روغن بادام پنج درم نبات

یکدرم ترنجبین سفید نیم من این نسخه هجده جزو است

وزن آن شصت و دو درم تخمینا مزاج گرمست

و خشک در اواخر درجه اول مفرح معتدل خفقان

وضعف دل را زایل کند وقوت هر چه تمامتر و نشاط

پدید آورد مفرح معتدل الاخلاط بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک

پنج درم پوست هلیله کابلی دو درم گاوزبان

شاه ترج بادرنجبویه از هر یک ده درم گشنیز

خشک

خشک طباشیر از هر یک سه درم ابریشم مقرض

پوست اترج بیرون بسته از هر یک دو درم

بسد کهربا از هر کدام یکدرم عود خام یکمثقال مروارید

ناسفته دو درم زرنباد یکدرم درونج عقربی

نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته آب انار آب زرشک

آب حماض آب به از هر یک ده درم قند سفید

صد مثقال شراب سیب بسیب مثقال قند صافی

کنند و با بها القوام آورند و نیم مثقال نقره محلول

و نیم مثقال زر محلول دران حل کنند و داروها بدان

بسرشند شربتی یکدرم این نسخه هفده جزو است

بغیر آب میوه و قند و طلا و نقره وزن آن

شصت و یکدرم مزاج معتدلست در حرارت

و برودت خشکست در اواخر درجه اول

مفرح سرد خفقان و ضعف دل گرم را سودمند

بود اجزای او طباشیر سفید بهمن سفید ورق گل

کل سرخ گاوزبان از هر یک چهار درم بهمن سرخ
بسد کهربا مروارید ناسفته از هر کدام یکدرم
صندل سفید کشنیز خشک از هر یک دو درم
تخم کورک هشت درم زرشک بی دانه دوازده
درم زر ورق نقره ورق از هر یک نیم درم
پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید یک من عرق
بید مشک نیم من قند با عرق بقوام آورده و
داروها بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یکمثقال
این نسخه یازده جزو است وزن آن چهل و
شش درم مزاج سرد است در نیم درجه خشک است
در اخر یکدرجه مفرح مروارید ناسفته کهربا
بسد سوخته گاوزبان گل ارمنی از هر یک دو درم
طباشیر یکدرم مشک ترکی نیم دانگ قند
سفید ده درم اجزا کوفته و بیخته بگلاب
بسرشند شربتی یکدرم خفقان اسود دارد

این نسخه هفت جزو است با قند وزن آن بیست
و یکدرم و نیم دانگ مزاج سرد است در اوایل
درجه اول خشک است در یکدرجه و نیم معجون اسرار الاطبا
این نسخه از املاء مولانا اعظم مسیح الزمان شمس الملة
والدین ابن هلال ز دهلی است نور الله مرقده
خاصیت این معجون بسیار است اما مخصوص است
بچند چیز اول آنکه باه را زیاده کند و مجامعت
و دل و دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند
و قضیب را محکم کرداند و گونه نیکو کند استعمال کنند
بعد از مجامعت تا از عرق النسا و نقرس و نقصان
مجامعت و نقصان منی و از جمله مرضهای عصبانی
ایمن کردند شربتی از سه درم تا سه مثقال اجزا
شقاقل خولنجان خصیة الثعلب بهمن سرخ بهمن
سفید وج لودری سرخ لودری سفید لسان
العصافیر از هر یک سه درم سقنقور سه

سه مثقال حب البان حب البلبان فلفل سفید
مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین تخم جرجیر تخم گزر
تخم بیار تخم شلغم تخم اسبست خشخاش سفید خسکدانه
تخم تره تیزک تخم شبت تخم گزر شامی که دوقو باشد
تخم هلیون تخم کندنا خشک عربا از هر یک دو درم
نارجیل مغز بادام منقیه مغز حب صنوبر
کبار مغز حبة الخضرا مغز حب القطن کنجد سفید
مقشر از هر یک هفت درم دارچینی قرنفل
سنبل الطیب اسارون بسباسه کبابه چینی سعد کوفی
قرفه دارفلفل جوز الطیب نارمشک عود خام
عنبر اشهب زعفران از هر کدام یک مثقال مشک
ترکی دانگی و نیم زنجبیل بوزیدان قسط شیرین مغز حب
الزلم درونج عقربی از هر یک دو درم
ادویه را با هم کوفته و مغزها را با هم بکوبند و عنبر
و مشک و زعفران با هم بسایند بعد از آن با سه

چندان

چندان عسل کف گرفته بسرشند و در ظرفی
چینی یا کاشی نگاه دارند درین جا اصل که ذکر کرده شد
آزموده و مجربست این ترکیب پنجاه و پنج جزوست
وزن آن صد و چهل و هفت درم مزاج گرمست
در اول درجه دوم و خشکست در سر ربع درجه معجون
حکیم این معجون را مفرح محزون خوانند و این
نسخه حنین بن اسحق از زبان یونانی بعربی نقل
کرده بخدمت مامون خلیفه فرستاد و این معجون
خاصیت بسیار دارد و امراض بلغمی و سوداوی
و ضعف قلب و جنون و نسیان و وسواس
و فکر و سعال قدیم و سل و دق و صرع و بهق
و برص و خفت دماغ و نقرس و مفاصل و درد معده
و جراحات و دمامیل و ذات الجنب و داء
الفیل و داء الثعلب و عنب و ربع و یرقان
و صداع و بواسیر و زحیر و درد جگر و سپرز
و تاریکی چشم را زایل کند و باه را زیادت

کند و خاصیت این معجون بسیار نوشته بود ما مختصر
کردیم **اخلاط آن** جنطیانای رومی فودنج نانخواه
مشک تخم و تخم بنجنکشت حب الغار زراوند طویل
از هر کدام یکدرم انیسون جندبیدستر حب بلسان
عود بلسان اسارون سلیخه مصطکی از هر یک یکدرم
مرمکی وج زرنباد درونج عقربی تخم کرفس از هر یک
دو درم ریوند چینی زعفران جوزبوا قرنفل ریوند
چینی سنبل الطیب از هر یک سه درم دارچینی
پنج درم صبر سقوطری ده درم تربد مجوف سفید
خراشیده بیست و پنج درم عود خام دوازده
درم لک مغسول ورد احمر از هر یک پنج درم سعد
سفید حب محلب از هر یک چهار درم بلیله سیاه
بلیله آمله از هر یک شش درم تخم حرمل تخم کندنا
از هر یک دو درم زرنب افلنجه شیطرج هندی
سعقیل مشوی از هر یک سه درم مجموع کوفته
و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کرده باسه

چندان

باسه چندان عسل کف گرفته بسرشند و در ظرفی
چینی یا ابگینه کنند و شش ماه در میان جو نهند بعد از ان
استعمال نمایند و چندانکه کهنه تر گردد بهتر شود شربتی
از دو درم تا هفت درم و باحتیاط باشد این
ترکیب چهل و پنج جزو است وزن آن صد و پنجاه
و نه درم و نیم مزاج گرمست در اواخر درجه
دوم خشکست در اوایل درجه سیوم **معجون لؤلؤ**
این نسخه از جالینوس است و این معجون را هفت
خاصیت است قضیب محکم کند و اوعیه کشاده گرداند
و اعصاب دماغی را قوت دهد و شهوت را زیاده
گرداند و در خون تغییر عظیمی پیدا کند چنانکه منی بلذت
هر چه تمامتر بیرون آید و نعوظ بسیار شود و دوستی
مرد در دل زن پیدا کند **اخلاط** مروارید
ناسفته بسد از هر کدام یکمثقال انیسون بهمن سفید
از هر کدام یکدرم کاکج اصل السلاب از هر یک

نیم مثقال فقاح اذخر سعد کرمازک از هر یک نیم درم
سلیخه دارچینی اسارون مصطکی از هر یک دانگی و نیم
صمغ عربی کتیرا از هر یک دانگی با شش ادویه
عسل کف گرفته بسرشند و در ظرفی چینی یا آبگینه
کنند و در وقت خواب هنگام مجامعت یک مثقال
باب نیم گرم بخورد و این علت خولبت و در انچه
دکر رفت مجربست این نسخه پانزده جزو است
وزن آن نه درم مزاج گرمست در ثلث درجه
اول خشکست در یکدرجه و ثلث **معجون نافع**
این معجون از جمله مفرحاتست و از معاجین کبار است
و بعضی از اطبا این معجون را از تریاقات شمرده اند
اخلاط قرنفل زنجبیل فوفل سنبل الطیب دار فلفل
خیربوا جوزبوا قاقله کبار شیطرج هندی لسان
العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه بسن السوز
مصطکی خولنجان تخم شکر مروارید ناسفته

صندل

صندل زرد اوند مدحرج سلیخه یاقوت رمانی
ورق گل سرخ از هر یک دو درم بسباسه
شش درم پوست اترج سه درم زعفران پوست
بلیله از هر یک یکدرم بهمن سرخ نیم درم عنبر
اشهب مشک ترکی از هر یک نیم دانگ مجموع
ادویه را کوفته و بیخته و بغایت سحق کرده بعسل مصفا
دو برابر ادویه بسرشند شربتی یک مثقال این ترکیب
سی و یک جزو است وزن آن پنجاه و نه درم
و چهار دانگ مزاج گرم و خشکست در دو درجه
ثیادریطوس خاصیت این ترکیب بسیار است
سودمند بود تباهی مزاج سرد را و درد جگر و معده
و سپرز و درد گرده و رحم و حیض که بسته باشد
بگشاید و قولنج را نافعست و این معجون مسهلست
بمشقت و مرضهای کهن و امتلا که از بلغم لزج
غلیظ بود دفع کند و نسیان و تاریکی چشم

و عسر النفس زایل کند و خلطهای فاسد پاک کند
و بدن را قوت دهد و فربه کند و تعدیل در مزاج
بهم رساند و بادهای سودوی بشکند و سده جگر و
سپرز بگشاید و درد سینه و ضعف نفس و دل
زایل کند و سودمند بود کسی را که رنگ روی وی
زرد شده باشد از نقصان خون و سودمند است
در حبس خون بی عروق و خون از سردی بود و سودمند
بود استسقای که از ضعف جگر بود و سردی
آن و سودمند بود جهت ربو و درد سر و خدام
و برص و خلطهای که در گرده و مثانه بود بگدازد
و خلطهای سیاه سوخته و بلغم فاسد عفن پاک
و لقوه و رعشه و فالج و خناق و صرع زایل کند
و قوت حرارت غریزی بدهد و زیاده کند
و این معجون را خاصیت بسیار است جالینوس
گوید که این معجون پیش از زمان ما کرده اند باسم

ملکی که در آن زمان بوده از ملکان یونان شربتی چهار
در مطبوخ افتیمون و غاریقون استعمال نمایند
اجزای او صبر سقوطری بیست درم غاریقون
ثلث درم غاریقون زعفران دار چینی وج
مصطکی روغن بلسان حب بلسان فرفیون فلفل
سیاه دارفلفل جنطیانا فقاح اذخر حماما از هر
دو درم قسط کما دریوس افتیمون اقریطی از هر یک
چهار درم اسارون سلیخه از هر یک شش سنبل الطیب
سه درم اجزا را کوفته و بیخته با دو وزن همه عسل
کف گرفته بسرشند قوت وی تا چهار سال
باقی میماند این ترکیب بیست و دو جزو است وزن
آن نود و نه درم مزاج گرمست در یکدرجه
و رنج خشکست در دو درجه و ثلث شربتا
جهت درد دندان چون بروی نهند عظیم نافع
نافع بود و جهت قولنج نیم درم فرو بردن
اثر تمام دارد و دردها ساکن کرداند

وقطع خون بکند و این نسخه منسوب بشیخ الرئیس
وبعنوای قلونیای رومی ذکر کرده و در قانون
چنانکه پیش ازین اشاره بان رفته شد اخلاط
فلفل سفید بزرالبنج از هر یک بیست مثقال
افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل
الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر کدام مثقال
با نگبین مصفا بقدر کفایت بسرشند این نسخه هفت
جزو است وزن ان پنجاه و هشت مثقال مزاج
سرد است در یکدرجه شکست در اخر درجه
سیوم و این نسخه بعینه نسخه برشعثا مشهور است
که صاحب جوامع ذکر کرده و منسوب
بشیخ ابوالبرکات بغدادی ساخته و حکیم عماد
الدین محمود نیز در رساله افیون ذکر کرده
باین عبارت ترکیبست که نسخه اش بمن رسید
باشد که در زمین هند دو برادر کوچک تشابه
در شکل متساوی در مقدار هستند یکی از ایشان

بربری حبشی وان دیگر جوانیست رومی بجیر از
جوان رومی مقداری معلوم و وزنی محدود
از تخم سفندان کیایی که او را خداعة الرجال گویند
یعنی فریب دهنده مردان مقداری مساوی
اول و از دموع جاری از دیده هسپاهان
مثل وزن دوای اول بعد از انکه بنند از دو
مقدار را که اگر آن مقدار را اضافه کنند بمثل آن
مساوی اول شود و وزن و از شعر وصقالیه
واگرچه در نواحی بلاد ایشان بسیر و بد مقداری
که نسبت او بمقدار ثانی از قبیل نسبت
مقدار ثانی باشد با اول از دوایی که در
شکینه گونه سفید می نهند و بعید از آن
حافظ الاطفال می نامند وار پنج گوئی گم شود
او کرمست و فعل او در زبان انسان ضد
فعل اوست در سایر اعضای بدن و از

بچی که دران دروع بسته اند وخوشبویی است
از هر یک ازین دارو با بگیرند مقداری که اگر اضافه
کنند دو بار در پنج ضرب کنند مساوی مقدار
اول میشود که مفروض بود و از چیزی که نه جماد است
و نه نبات و نه حیوان و نه مشترکست میان نبات
و حیوان اتحاد مقدار طول شهر تا موخ و اخل
و بعد ازان بودیعه نهند جمله را در ظرفی که ضیق
المسام باشد و باطن او املس باشد و سر او را
نیک بپوشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی دو دوانگ بعد از ان میگوید که مراد
از دوبرادر فلفل سفید و فلفل سیاه است
و از حداعه الرجال معصود ریبج است چون
تعنیز عقل میدهد بجذاع نسبت یافته و دموع
جاری از چشم سیاهان افیونست و شعور
صقالبه زعفرانست و دوایی که در شکنبه

گوسفند

گوسفند می نهند تا محفوظ بماند و متاکل نشود فرفیو نبست
عرق حب بلی عاقرقرحا است اصل مکذوب جلیه
سنبل الطیب است و آنچه نه جماد و نه نبات
و نه حیوانست عسل است که با وجود خلط قوام
از مسام نیک بیرون می آید اما وزن اول که فلفل
سفید است بیست درم که زر النبح است
مثل اول سیم که افیونست ده است که دو دیگر
با او اضافه میکنند بیست میشود چهار درم که
زعفرانست وزن آن پنج است که بنسبت او
ثانی که افیونست از قبیل نسبت افیونست
با اول که فلفل سفید باشد و چون زر النبح بوزن
فلفل است اعتبار نکرده و بزر النبح را دو درم
خوانده و باقی اوزان یکیست که در تضعیف
اول دو میشود و در تضعیف ثانی چهار و چون
چهار را در پنج ضرب میکنند بیست میشود

ذکر بعضی از معاجین مثانه که شیخ در قانون ذکر کرده
و در ذخیره و باقی کتب معتبره مثل منهاج و
جوامع و غیر آن مذکور است معجون خیار چنبر
قولنج را بگشاید و خداوند مزاج گرم و خشک را
موافق است اخلاط آن ربّ جهل درم بنفشه بیست
درم تخم کاسنی ربّ سوس از هر یک ده درم
تخم بادیان انیسون مصطکی از هر یک پنج درم
سقمونیا دوازده درم مغز خیار چنبر صد
درم فانید و عسل از هر یک صد درم عسل و
فانید بهم بگدازند و عسل و تمر و پنج استار
روغن گاو بآن بیامیزند و داروهای خشک
کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی ده درم
اندر آب بادیان صاحب جوامع میگوید
که در کفایه سقمونیا پنج درم است و بنفشه
چهل درم و بجای روغن گاو قدری روغن بادام

ذکر کرده این نسخه نه جزو است وزن آن
دویست و یک درم مزاج گرمست در آخر درجه
خشکست در آخر درجه اول معجون سکبینج سکبینج
تخم کرفس از هر یک جزوی سقمونیا نیم جزو سقمونیا
بروغن بادام بسایند و سکبینج اندر انگبین حل کنند
و سقمونیای سوده با آن بسایند اندر هاون
تا هموار شود و دیگر داروهای خشک بدان بسرشند
از سه درم تا سه مثقال این نسخه سه جزو است
مزاج گرمست و خشک در آخر درجه سیوم
معجون حجر الیهود سنگ گرده را بریزاند و پاک کند
مغز تخم خیار مغز تخم کدو مغز تخم خربزه کاکنج از
هر یک پنج درم حجر الیهود پنجاه درم با انگبین بسرشند
شربتی دو درم این نسخه پنج جزو است وزن
آن هفتاد درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم
خشکست در یک درجه و سه ربع معجون عقرب سنگ
مثانه بریزاند و پاک کند اخلاط عقرب سوخته

سه درم خطمانا یکدرم ونیم زنجبیل یکدرم فلفل
دارفلفل از هر یکی دو درم ونیم تخم کاکنج سه درم
ونیم جند بیدستر چهار درم با انگبین بسرشند
شربتی بالغ را دو درم اندر آب کرفس از پس شش ماه
ونابالغ را نیم درم این نسخه معتبر جزو است
وزن این بیست درم مزاج گرمست در نصف
درجه اول وخشکست در اول دو درجه دوم **معجون قفی**
خداوند سرفه کهن را ودرد سینه وجگر وشوصه
وخداوند درد معده را سود دارد والتهاب ی
دم زدن را پاک کند واو از صافی کند
و ادرار بول کند وخداوند درد سپرز را سود دارد
اجزا باد موبر منقی دانه بیرون کرده بیست وپنج درم
زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان
از هر کدام یکدرم قصب الذریره فقاح اذخر
علک البطم مقل ازرق از هر یک دو درم ونیم
مرچهار درم انگبین مصفا شانزده درم مقل را

بشراب صافی با منفعج حل کنند و موبر را دانه
بیرون کنند و بشراب صافی تر کنند دیگر روز
نیک بکوبند و بهم بسرشند شربتی از جهت سینه والت
دو درم وزن یکدرم با شراب روقا واز جهت
درد معده وجگر وسپرز با آب گرم واندر بعضی
نسخها دارشیشعان بیست وعلک البطم چهار
درم است این نسخه دوازده جزو است
با انگبین وزن این شصت درم مزاج گرمست در اخر
دو درجه خشکست در یکدرجه ونیم **معجون اصطمخیقون**
تباهی مزاج در معده وضعیفی را سود دارد
اخلاط قسط تلخ حماما سنبل الطیب سلیخه مصطکی
از هر یک دوازده درم زراوند طویل فلفل
سیاه تخم شبت تخم کرفس انیسون نانخواه
زیره کرمانی دوقو افطراسالیون کاشم اسارون
افسنتین رومی الخذان سیاه بود ده درم شیر

نعناع از هر یکی چهار درم با انگبین بسرشند
این ترکیب بیست جزو است وزن این صد و بیست درم
مزاج گرم است در اول درجه دوم **مقل** باد بواسیر
را و بادی که اندر رودها تولد کند بشکند
و اماس معقد را که خون آید سود دارد **اجزای او**
هلیله کابلی بلیله آمله تخم گشنیز بادیان سفید تخم گندنا
تخم شاهسفرم از هر یکی پنج درم مقل پنجاه درم
مقل را باب کنند تا حل گردد و داروها بدان بسرشند
شربتی دو درم این نسخه بیست جزو است وزن
آن هشتاد درم مزاج گرم است در یک درجه و نیم
خشک است در آخر دو درجه **زرشعثا** نسخه ابو البرکات
بغدادی سودمند بود مرضهای قلیر را اهم
نوعی و درد معده که از باد گرم و سرد بود و دوار
و وسواس و مالیخولیا و استسقا و تجو دریا سودمند
بود و خاصیت این ترکیب بسیار است

صاحب

صاحب منهاج دیگران کرده باشکار رجوع نمایند
اخلاط فلفل سفید فاتیرا و تخم شک نمیر النبج
ازرق از هر یک ده درم زعفران زراوند طویل
حنظبا تا بصل الفار مشوی جدوار از هر یک
چهار درم حب الغار افیون مرار از هر یک هفت درم
عاقرقرحا سنبل الطیب ناردین از هر یک دو
درم جند بیدستر فرفیون از هر کدام یک درم با انگبین
مصفا القدر حاجت بسرشند این نسخه بیست و چهار جزو است
وزن آن بود و نه درم مزاج گرم است در سه
ربع درجه خشک است در دو درجه و نیم **دکر معاجین متساوی**
مستعمل که در قرابادین ملنسی مذکور است [illegible] در معالجه حبن
نافعست افراط طمث را که از حدت دم حادث
شده باشد **اجزای** بسد مغسول شادنج عدسی
مغسول کهربا جلنار طین مختوم دم الاخوین
شب یمانی اجزا متساوی یکدیگر بر سر القدر
که کفایت باشد ممزوج سازند شربتی دو درم

شربتی دو درم تا پنج درم با رب سماق با عصاره
لسان الحمل با عصاره بقلة الحمقا و در طبیخ اشیای
قابضه نشینند و ضمادات و شیافات قابضه
نفع میکند و این ترکیب هشت جزو است مزاج سرد است
در سه ربع درجه خشک است در اخر دو درجه **معجون**
بهمن سیاه هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله افتیمون اجزا
مساوی یکدیگر کوفته و مویز دانه بیرون کرده
مخلوط سازند شربتی مثل کردکانی این نسخه
چهار جزو است مزاج گرمست در نیم درجه
خشک است در دو درجه و نیم **معجون ملین** طبع را
نرم دارد و خداوند قولنج را نفع کند
اخلاط ترید مصمغ ده درم زنجبیل دو درم
فانید دوازده درم اجزا را کوفته بفانید
مخلوط سازند و در وقت خوابیدن یک درم
ازان فرو برد این نسخه دو اجزاست بغیر فانید
وزن آن دوازده درم مزاج گرمست

در اخر درجه دوم خشک است در سه ربع درجه **معجون**
بجهت بوی دهن که از بلغم شور حادث شود
اخلاط تازه و اطراف آس قرفه آمله سعد سنبل
پوست ترنج فقاح اذخر مصطکی اجزا مساوی
یکدیگر مشک قرنفل جوزبوا کبابه بسبل بوا ارحسل
از هر یک نصف اجزای مذکور مویز دانه بیرون
کرده باشند و مسهل جوز زده باشند مکرر وار غذای
وچیب ورکج احه ار نماید این نسخه یازده جزو است
بغیر مویز مزاج گرمست در یکدرجه و نیم خشک است
در دو درجه و نیم **معجونی** که یحیی بن خالد برمکی
بجهت او جامع مقاصل امتحان نموده و اثر آن
ظاهر شد **اخلاط** سورنجان ده درم اسارون
زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل از هر یک دو درم
بعسل مصفا سرشتند شربتی دو مثقال با آب نیم گرم این
ترکیب پنج جزو است وزن آن هجده درم مزاج گرم

وخشکست در یکدرجه ونیم معجونی که نافعست
در معده را که از حرارت حادث شده باشد
اجزا کهربا گل سرخ از هر یک پنجدرم عود خام نیم درم
زرشک پنجدرم مصطکی زعفران از یک درم
سنبل زیره کرمانی از هر یک دو درم شکر
طبرزد معجون سازند شربتی دو درم شراب
سیب این نسخه نه جزو است وزن آن سی
یکدرم مزاج گرمست در آخر درجه اول خشک
در یکدرجه و دو ثلث معجون گل که اجزا گلنجبین عسل
~~ریزه ریزه کنند و با ده رطل عسل در قاروره~~
~~کرده و با~~ اجزاء گل سرخ خشک پنج رطل ریزه
ریزه کنند و با ده رطل عسل در قاروره کرده
چهل روز در آفتاب بگذارند و هر روز
یکمرتبه از احرکت دهند نافعست نهایت بلغمی را
بعد از آن که ماده را تنقیح داده باشند و نفعه

الجوارشی

یکبار این معجون بنوشند مزاج این گلنجبین باید
که معتدل باشد لیکن گرمست در آخر درجه اول
بواسطه آنکه کسب حرارت از آفتاب کرده
چنانکه در کتب طبی مذکور است خشکست در آخر
دو درجه معجونی که سنگ گرده و مثانه ریزاند
اخلاط عقرب سوخته سه درم ونیم خطبانای
نیم درم زنجبیل فلفل دار فلفل از هر یک دو درم
نیم کاکنج پنج درم ونیم جندبیدستر چهار درم
اذخر کوفته و بیخته بعسل مصفا القدر حاجت معجون
سازند شربتی یکدانگ الی نیم بعد از شش ماه
استعمال نمایند این نسخه هفت جزو است
وزن آن بیست و یکدرم مزاج گرمست در یکدرجه
و ثلث خشکست در آخر دو درجه معجونی که مسهل
صفرا و بلغم است باهم و کراهیتی ندارد
و نیکوست بجهة شخصی که ادویه کریه را نتواند

پنج

اشامید اجزای سقمونیا مشوی کهنه مقشر شوی
مغز بادام شیرین مقشر مغز قرطم از هر یک سه
مثقال شکر طبرزد بیست مثقال زعفران
دو درم جمیع ادویه را کوفته و بیخته بعسل مصفا
بسرشند معجون سازند شربتی یک مثقال این نسخه
شش جزو است تا بکر وزن ان سی و دو مثقال
و دو درم مزاج گرمست و دو درجه و ثلث خشکست
در آخر دو درجه معجون ماذخو هلیله زرد ده درم
آمله چهار درم مازریون بدر یک اوقیه
فلفل پنج درم زنجبیل چهار درم بعسل مصفا
معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه پنج جزو است
وزن ان سی و سه درم مزاج گرمست در درجه و
نیم خشکست در آخر سه درجه حب صنوبر حب
کرفس [illegible] بول اخلاط دو فوربیون حبتی حب
بلسان اذخر انیسون سنبل سلیخه زعفران

از یکدرم

معجون

وارچینی اسارون فطراسالیون کمافیطوس
از هر یک سه درم نعناع خشک نیم درم حب
الصنوبر الکبار سی درم بعسل مصفا معجون سازند
شربتی سه درم این ترکیب چهارده جزو است
وزن ان شصت و شش درم و نیم مزاج گرمست
در یکدرجه و دو ثلث خشکست در اخر دو
درجه معجون زوفا نافعست ربو و ضیق النفس را
اجزای او زوفای خشک رب سوس پرسیاوشان
از هر یک ده درم فودنج فلفل از هر یک
سه درم بادام تلخ زراوند مدحرج از هر یک
پنج درم بعسل مصفا معجون سازند شربتی یکمثقال
این نسخه هفت جزو است وزن ان چهل و
شش درم مزاج گرمست در یکدرجه و دو ثلث
خشکست در یکدرجه و سه ربع معجون النجار یاد رها
غلیظ را بتحلیل می برد و نافعست استسقاء طبلی

و قولنج ریحی و جمیع علل بادی را و فایده میدهد
درد پهلو را و مغص و تمددی که در شکم باشد
اجزاء
حب الغار صد درم کاشم فطراسالیون بادام
تلخ فلفل وج فوتنج از هر یک سه درم جند بیدستر
جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم عسل مصفا
بسرشند شربتی یکمثقال تا سه درم باب نیم گرم
این معجون یازده جزو است وزن آن یکصد و
بیست و هفت درم مزاج گرمست در اواخر
درجه سیوم خشکست در دو درجه و سریع
معجونی
که منع میکند سنگ را
اجزا
شاخ گوزن سوخته
مغز بادام تلخ کبریت بنطی فودنج جبلی ملح نفطی
سداب خشک نانخواه اجزا با یکدیگر مساوی
بعسل طبرزد معجون سازند این نسخه هفت جزو است
مزاج گرمست در یک درجه و نیم خشکست در دو درجه
و سریع
معجونی
که پاک می سازد گرده را از سنگ

و می شکند سنگ را و بیرون می آورد
اجزاء
مغز تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم کاکنج
از هر یک ده درم حجر الیهود پنجاه درم اجزا
را کوفته نرم کرده بعسل کف گرفته القدر که حاجت
معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم این نسخه
پنج جزو است وزن آن هشتاد درم مزاج اگر حجر
الیهود معتدلست این ترکیب معتدلست مایل
ببرودت و اگر بارد است در اخر درجه اول
و بر هر تقدیر خشکست در آخر درجه اول
معجون برمکی
نافعست بواسیر و ضیق النفس و درد بواسیر
و درد حقو را و حب القرع را بیرون می آورد
اخلاط
ترید سفید محکوک سه درم هلیله کابلی
آمله برنج کابلی مقشر از هر یک درمی فانید وزن
جمیع ادویه فانید را گداخته ادویه را نرم
کوفته در آن ریزد و معجون سازد شربتی از چهار درم

تا ده درم باب مویز این ترکیب چهار جزو است
وزن آن شش درم مزاج گرمست در یکدرجه و بهم
خشکست در دو درجه **معجون سنبل** نافعست صلابت
جگر و معده را **اجزا** سنبل الطیب قسط تلخ تفاح
اذخر قصب الذریره مویز دانه بیرون
کرده از هر یک چهار درم زعفران مصطکی انیسون
فلفل از هر کدام یکدرم عسل ازرق دو درم
سلیخه پنج درم ادویه را بالتمام کوفته و بیخته ثقل مویز
را در ثلث بجوشانند و مجموع را در عسل کف گرفته
بقدر کفایت معجون سازند این نسخه یازده جزو است
وزن آن سی و یکدرم مزاج گرمست و خشک در
اول درجه سوم **معجون خبث** نافعست تب ربع و
تفتیح سده میکند و باد ناریجیل می برد و نفع
میکند لسع هوام را **اخلاط** حلتیت فلفل درسداب
اجزا برابر همه را نرم کوفته و بیخته بعسل کف

گرفته

گرفته سه وزن ادویه معجون سازند شربتی یکدرم این نسخه
چهار جزو است مزاج گرمست و خشک در آخر درجه
سوم **معجون افسنتین** نافعست سردی معده و مفتح سده جگر
و سپرز است و ادرار بول مینماید **اجزا** افتیمون تخم
کرفس اسارون افسنتین رومی مغز بادام مقشر اجزا مساوی
یکدیگر مجموع ادویه را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته
سه وزن ادویه معجون سازند این نسخه پنج جزو است
مزاج گرمست در سه ربع درجه خشکست در اول درجه سوم
در سهر **معجون [illegible]** که مسهل صفرا و بلغم است **اخلاط** تربد سفید
محکوک نرم کوفته بیست درم سقمونیا پنج درم لباب
قرطم ده درم زنجبیل مقشر مغز بادام شیرین مقشر از هر کدام
سه درم شکر سلیمانی ده درم اجزا را نرم کوفته بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی پنج درم تا شش
درم وقت سحر باب نیم گرم این نسخه هفت جزو است
با شکر وزن آن پنجاه و یکدرم و دو دانگ

مزاج گرمست در آخر درجه دوم خشکست در اول درجه

سیوم **معجون نی** که مسهل رطوبتست از مفاصل

و بلغم از معده و پاک میسازد اعضا را از اخلاط

اجزای آن ایارج فیقرا افتیمون از هر کدام یک اوقیه

غاریقون سفید نیم اوقیه تخم حنظل یکدرم و تخم حسیع

ادویه را کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند شربتی

دو درم باب نیم گرم این نسخه چهار جزوست وزن

آن بیست و شش درم مزاج گرمست در آخر

درجه دوم خشکست در اول درجه سیوم **معجون هندی**

منافع این ترکیب نزدیکست بمنافع توشدارو

و نور چشم را زیاده میکند و معده را پاک میسازد

و طبع را نرم میدارد و نفع میکند اصحاب بواسیر

را **اخلاط آن** فلفل دار فلفل بلیله سیاه قشور بلیله قشور

آمله قنطوریون اجزا مساوی یکدیگر ادویه را کوفته

و بروغن گاو چرب کرده بعسل کف گرفته معجون

سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال این نسخه شش جزوست

مزاج گرمست در آخر دو درجه خشکست در اول درجه

سیوم **معجون** بلغمی نافعست خداوند سعال بلغمی

وضیق النفس را و پاکیزه میسازد معده و شش را از

خلط غلیظ **اجزای آن** رب السوس و فاء خشک

پرسیاوشان از هر یک دو درم قردمانا فلفل

خردل سفید مغز بادام تلخ زراوند مدحرج تخم

الجزر از هر یک یکدرم اجزا را کوفته و بعسل مصفا

معجون سازند شربتی سه درم بطبیخ زوفا این نسخه

نه جزوست وزن آن سی و شش درم مزاج گرمست

در یکدرجه و ربع خشکست در اول درجه سیوم

معجون خیارچنبر خیارچنبر نافعست قولنج را و موافق

محروری مزاجست **اخلاط آن** تربد سفید محکوک

چهل درم بنفشه بیست درم نمک هندی رب

السوس از هر یک هفت درم تخم بادیانه

مصطکی انیسون از هر یک یکدرم سقمونیا ده دانگ درم

عسل خیار چنبر صد درم فانید صد درم عسل صد درم
اجزا را کوفته و بروغن بادام چرب کنند و معجون
سازند شربتی هفت درم باب رازیانه این نسخه
نه جزو است بغیر فانید و عسل وزن ان دویست و یکدرم
مزاج گرمست و خشک در اخر دو درجه و در کفایه
سقمونیا پنج درم است و بنفشه چهل درم بنابرین
مزاج گرم خواهد بود در یکدرجه و دو ثلث
خشکست در یکدرجه و ثلث معجون بنفشه مسهل صفرا
و بلغم است و نفع میکند قولنج را اجزای آن بنفشه
چهل درم سقمونیا اصل السوس المقشر از هر یک بیست درم
گل سرخ ده درم کثیرا الحشم رازیانه از هر یک
پنج درم زعفران دو درم شکر طبرزد صد درم
عسل صد درم شکر را با آب بپزند تا بقوام آید
بعد از ان عسل در ان ریخته و ادویه را کوفته
بان مخلوط ساخته شربتی چهار درم تا پنج درم
این نسخه هفت جزو است بغیر شکر و عسل وزن

وزن ان یکصد و دو درم و نیم مزاج گرمست
و خشک در آخر دو درجه معجون بنفشه الف قولنج را بشد
و مسهل بلغم و صفرا بود اخلاط آن شکر ترنجبین منقی
فلوس خیار چنبر از هر یک پنجاه درم بنفشه ده درم
مصطکی پنج درم تربد سفید بیست درم رب
سوس پنج درم مغز بادام مقشر ده درم شکر
ترنجبین را صاف کرده باقی اجزا را بان مخلوط
سازند شربتی چهار مثقال تا ده مثقال این نسخه
هشت جزو است وزن ان دویست درم
مزاج گرمست در یکدرجه و ثلث خشکست در
یکدرجه و ربع معجون بنفشه الف مسهل صفرا و بلغم است
و قولنج را نافع اخلاط آن تربد سفید چهل درم سقمونیا
هفت درم بنفشه سی درم گل سرخ ده درم
تخم رازیانه کثیرا از هر یک پنج درم زعفران
دو درم و نیم شکر طبرزد صد درم عسل صد درم

شکر را که اخته عسل را با آن معجون سازند بعد از آن
ادویه را خوب نرم ساخته با آن معجون سازند شربتی
پنج درم این نسخه هفت جزو است بغیر شکر و عسل
وزن آن نود و نه درم و نیم مزاج گرم است
و خشک در یکدرجه و نیم معجون فیقرا شهوت
ردیه را چون گل خوردن و انگشت و نمک خوردن
و مثل از آن بر طرف سازد اجزای آن اهلیلج ایارج
فیقرا دوازده درم قشور هلیله کابلی
بلیله آمله ملح نفطی از هر یک دو درم اجزا را
کوفته و بیخته بعسل مصفا معجون سازند شربتی سه درم
بطبیخ صبح این نسخه پنج جزو است وزن آن بیست
درم مزاج گرم است در یکدرجه و ثلث خشک است
در دو درجه و ثلث معجونی که ملین طبیعت
در هر وقت و حفظ صحت میکند اخلاط آن لب
القرطم هشت درم انیسون یکدرم مغز بادام

مقشر هشت درم اجزا را بکوبند و بعسل معجون سازند
این نسخه سه جزو است وزن آن هفده درم مزاج
گرم است در اخر یکدرجه خشک است در یکدرجه و نیم
معجونی که دماغ را پاک میسازد منسوب بجالینوس
ساحر اجزای آن ایارج فیقرا شش درم شحم الحنظل
محموده لاتیون غاریقون از هر کدام یکدرم
اسطوخودوس دو درم ملح هندی نیم درم
هلیله کابلی یکدرم قشور آمله یکدرم تربد سفید ده درم
کثیرا نیم درم اجزا را کوفته بعسل کف گرفته معجون
سازند شربتی یک مثقال این نسخه دوازده مثقال
جزو است وزن آن بیست و شش درم مزاج گرم است
در اخر درجه دوم خشک است در اخر درجه سیوم
معجونی که نافعست قولنج را و مجرب است اخلاط آن
سکبینج ده درم لب قرطم پنجاه درم این نسخه
دو جزو است وزن آن شصت درم مزاج گرم است
و خشک در آخر دو درجه معجونی مختص نافعست

زلق امعاء را اجزای آن نا خواه کند جلنار پوست برون
بسته از هر یک سه درم اجزا کوفته مویزی که با دانه
کوفته باشند مخلوط سازند شربتی مثل گردکانی
این نسخه چهار جزو است مزاج گرم است در یکدرجه
و ربع خشک است در یکدرجه و نیم مفرح کبیر که مولانا فخرالدین
طبیب جهت سلطان بقوت بدل شراب ترتیب
داده اخلاط آن یاقوت زرد یاقوت رمانی از هر یک
شش درم بسد کهربا بادرنجبویه از هر کدام یکدرم
کاوزبان پوست اترج از هر یک شش بهمن
سفید بهمن سرخ سنبل الطیب قرفه کبابه چینی
از هر یک یکدرم و نیم زنجبیل چهار درم نارمشک
درونج عقربی از هر یک سه درم قاقله کبار
یکدرم زرنباد قاقله صغار از هر کدام یکدرم
و نیم سادج سعد شقاقل از هر یک چهار درم طباشیر
شش درم صندل سفید صندل سرخ از هر یک
سه درم زرشک نیلوفر از هر یک چهار درم

گل مختوم گل ارمنی از هر کدام یک درم زعفران
چهار درم ابریشم مقرض شش درم عنبر سه درم
مشک دو درم فادزهر سه درم جدوار یکدرم
و نیم ورق طلا یک درم ورق نقره یکدرم
و نیم آب به آب انار از هر یک صد و بیست درم
گلاب عرق گاوزبان از هر یک سیصد درم
نبات مصری ششصد درم نبات را در آبها
و گلاب و عرق که گداخته بقوام آورده اجزا
را کوفته و بیخته در آن ریزند و معجون سازند در
ظرف چینی یا آبگینه کرده بعد از شش ماه استعمال
نمایند این ترکیب سی و شش جزو است بغیر از گلاب
و عرق وزن آن یکصد و چهار درم و نیم مزاج گرم است
در نیم درجه خشک است در اواخر درجه اول مفرح کبیر که حکیم
افضل گیلانی جهت دواجنت مکانی ابراهیم
قطبشاه نور الله مرقده ترتیب داده اجزای آن

یاقوت سرخ مروارید ناسفته کشنیز نار مشک
شقاقل طباشیر صندل سرخ صندل سفید تخم کشنیز
پوست هلیله کابلی آمله مقشر تخم کاسنی از هر یک
دو مثقال لعل بدخشی بهمن سرخ بهمن سفید سنبل
قرنفه کبابه چینی درونج عقربی قاقله کبار قاقله
صغار عنبر گل مختوم گل ارمنی پازهر حیوانی
مافرفین خطائی زهرکدام یکمثقال زنجبیل زرنباد
ساذج هندی سعد کوفی زرشک بی دانه نیلوفر
مصطکی از هر یک سه مثقال گاوزبان پوست
ترنج بادرنجبویه عود خام ابریشم از هر یک چهار
مثقال ورق نقره پنج مثقال آب به آب سیب
آب ملچی آب انار گلاب عرق بیدمشک
عرق گاوزبان از هر یک چهار مثقال نبات
تکمیل اجزا را نرم کوفته بیخته بعسل بقدر کفایت
معجون بسازند این ترکیب چهل و یک جزو است بغیر نبات

عسل

و عسل و گلاب و عرق و آب فواکه وزن آن
ولوند و چهار مثقال و نیم مزاج گرمست در اوایل
ربع دوم درجه اول خشک است در سه ربع درجه اول
معجون فندادیقون منقول از اختیارات **اخلاطان**
زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل
حاشا منو جلغوزه از هر یک شش درم مغز بادام
تلخ کنند از هر یک دو درم فلفل هشت درم
اجزا را کوفته بعسل بقدر احتیاج معجون سازند
این نسخه ده جزو است وزن آن پنجاه و چهار
درم مزاج گرمست در دو درجه و ربع خشک است
در اواسط دو درجه **معجون فندادیقون ایضا** زعفران
کاشم تخم کرفس زنجبیل حاشا منو جلغوزه از هر یک
شش درم قرفه فلفل قرنفل حب الطیب دارچینی
از هر یک سه درم وج انیسون عود الصلیب
از هر یک پنج درم عسل سه وزن ادویه این ترکیب
چهارده جزو است وزن آن شصت و شش

مزاج گرمست و خشک در اول درجه سوم
مفرح معتدل که حکیم عماد الدین محمود ترتیب داده
اجزای آن یاقوت رمانی مروارید ناسفته بسد کهربا از
هر کدام یکمثقال گاوزبان صندل سفید از هر یک
سه مثقال صندل سرخ دو مثقال گل سرخ چهار
مثقال مصطکی و تخم مشک درونج عقربی تخم کاسنی
تخم خرفه از هر یک دو مثقال ساذج هندی
یکمثقال زرنباد دو مثقال طباشیر بادرنجبویه
از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال کشنیز
خشک سه مثقال شقاقل دو مثقال گل مختوم
گل ارمنی سنبل دارچینی قرنفل از هر کدام یکمثقال
ابریشم مقرض پوست اترج از هر یک دو مثقال
شیره زرشک پنج مثقال شیره امله هشت مثقال
زعفران چهار مثقال کافور یکمثقال عنبر سه
مثقال مشک طلا از هر یک یکمثقال نقره

دو مثقال

دو مثقال عسل و نقره و قند سه برابر اجزای این
ترکیب سی و پنج جزو است وزن آن هفتاد
و شش مثقال مزاج گرمست در اوایل درجه اول
و خشکست در اواخر آن مفرح یاقوتی شیخ الرئیس
که در رساله قلبیه ذکر کرده و منقسم به سه قسم
ساخته قسم اول که اصل و وسط است اخلاط آن
مروارید ناسفته کهربا بسد از هر کدام یکدرم
و نیم ابریشم مقرض سرطان نهری محرق از هر
کدام یکمثقال و یک دانگ لسان الثور یکدرم
سحاله الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک
تخم بادروج تخم بادرنجبویه ورق بادرنجبویه
از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ
عود هندی حجر ارمنی حجر اللاجورد مصطکی
سلیخه دارچینی زعفران هیل بوا قاقله
کبابه کیابه بسباسه از هر کدام یک مثقال

افتیمون دو درم و نیم اسطوخودوس سه درم
جدوار یک مثقال درونج دو مثقال تخم کاسنی
پنج درم بزرالقطنا چهار درم ترنجبین ده درم
گل سرخ چهار درم مشک دو مثقال کافور
نیم مثقال عنبر یک سنبل ساذج از هر یک دو درم
عسل دو وزن ادویه و نیم ادویه این نسخه سی و هفت
جزو است و وزن آن هشتاد و پنج درم و
یک دانگ مزاج گرمست در سه ربع درجه اول
خشکست در یک درجه و نیم قسم دویم که بجهت
مجروری مزاج قرار داده اند اجزای آن
مروارید نا سفته بسد از هر کدام یک درم و نیم
ابریشم سرطان نهری محرق از هر کدام یک مثقال
و یک دانگ لسان الثور پنج درم سحاله الذهب
دو دانگ تخم خرفه تخم کشنیز با درنج تخم
بادرنجبویه ورق بادرنجبویه از هر یک سه درم

بهمن سفید بهمن سرخ عود هندی حجر ارمنی حجر
لاجورد مصطکی سلیخه دارچینی از هر کدام یک مثقال
زعفران نیم درم هیل بوا قاقله کبار کبابه
بیابانی از هر یک یک مثقال شاهترج پنج درم
سنا مکی چهار درم اسطوخودوس سه درم
جدوار یک مثقال درونج دو مثقال تخم کاسنی
پنج درم بزرالقطنا چهار درم ترنجبین ده درم
گل سرخ ده درم مشک نیم درم کافور نیم مثقال
عنبر یک مثقال سنبل دو درم ساذج دو درم
تخم بقله الحمقا هشت درم طباشیر پنج درم تخم کاهو
دو درم صندل سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه
این نسخه چهل و دو جزو است و وزن آن یکصد و دوازده درم
و نیم تخمینا مزاج گرمست در نصف درجه اول
خشکست در نصف آخر درجه دوم قسم سیم
که بجهت سردی مزاج قرار داده اند

اخلاط آن مروارید ناسفته بسد کهربا از هر کدام یکدرم
و نیم ابریشم یکمثقال و یکدانگ لسان الثور
پنجدرم سحاله الذهب تخم فرنجمشک تخم بادروج
تخم بادرنجبویه ورق بادرنجبویه از هر یک
سه درم بهمن سفید بهمن سرخ عود خام ارمنی
حجر لاجورد مصطکی سلیخه دارچینی از هر کدام
یکمثقال زعفران نیم درم هیل بوا قاقله کبا
بسباسه از هر کدام یکمثقال افتیمون دو درم و
نیم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال
درونج دو مثقال زرنباد پنجدرم زر الفت
چهار درم ترنجبین ده درم گل سرخ چهار درم
مشک دو مثقال کافور ربع مثقال عنبر یک مثقال
سنبل سادج از هر یک دو درم قشور جوز بوا
قشور اترج عود بلسان زنجبیل فلفل از هر یک دو درم
چند بیدستر دو مثقال عسل بقدر احتیاج این

ترکیب

ترکیب چهل و سه جزو است وزن آن شصت و نه درم
و پنج دانگ و بیست و دو مثقال و سه دانگ و نیم
که مجموع یکصد و دو درم باشد تخمینا مزاج گرم است
در یکدرجه خشکست در نصف اخر درجه دوم مفرح یاقوتی مالک التجارات
از شرح سدیدی اخلاط آن لسان الثور بادرنجبویه
بزر فرنجمشک بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک شش درم
دارچینی گشنیه خشک طباشیر کهربا بسد عود هندی
ابریشم خام مروارید ناسفته از هر یک دو درم
زعفران یک مثقال قرنفل دو درم زرنباد درونج
از هر یک سه درم طلا نقره یاقوت سرخ
مشک از هر یک نیم مثقال زرنب دو درم
کبابه قاقله از هر یک سه درم آمله بکیره کرده
و در شراب خولیبا نیده و در سایه خشک کرده
بیست درم گل سرخ پنجدرم جراده صندل
سفید سه درم ادویه را از هم کوفته و جواهر را

جدا کانه جوب نرم کرده بسبک سماق وعسل و

هلیله کابلی مربی نیم رطل وجلابی که بقوام عسل باشد

یکمن ونیم وباید که در جلاب آب سیب وگلاب

داخل کنند وادویه را بآن بسرشند و در ظرف چینی

یا مثل آن نگاه دارند وبعد از شش ماه استعمال نمایند

شربتی یکمثقال تا دو مثقال این ترکیب بیست و هفت

جزو است وزن آن نود و نه درم و نیم ومثمنا

مزاج گرمست در سه ربع درجه وخشکست قریب یکدرجه

ونیم مفرح یاقوتی الفضا اخر از اول الفضا منقول از سدیدی

اجزای آن قرفه قرنفل دارچینی سنبل الطیب تخم فرنجمشک

درونج از هر یک ده درم زرنباد وکبابه قاقله

از هر یک پنجدرم بادرنک عود هندی اشنه

سادج از هر یک سه درم زعفران مصطکی از هر یک درم

یکدرم عنبر اشهب یکمثقال مشک نیم مثقال ورق

طلا ربع مثقال املة در آب مورد سرخ بحل کنند

و در سایه خشک کرده ده درم ادویه را نرم کوفته

بعسل هلیله مربا بآنقدر که کفایت کند خمیر سازند

وبعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکمثقال

تا دو درم این ترکیب نوزده جزو است وزن

آن یکصد و دو درم ویکدانگ ونیم مزاج گرمست

در دو درجه وخشکست در دو درجه و ربع مفرح

بارد منقول از شرح سدیدی افلاطون تخم خشخاش

سفید طباشیر گل سرخ از هر یک ده درم

بزرالعنا بزرالطبخ کشنیز خشک عصاره زرشک

طین ارمنی شیر املة لسان الثور از هر یک پنجدرم

نقره یکمثقال صندل سفید مروارید ناسفته

بسد کهربا از هر یک سه درم بادرنجبویه بهمن سفید

بهمن سرخ درونج ابریشم خام پوست بیرون

پسته از هر یک ده درم فرنجمشک عود هندی

از هر کدام یکمثقال یاقوت سرخ ربع مثقال

کافور نصف مثقال زعفران نیم درم بشراب
سیب خمیر کنند شربتی یکمثقال این ترکیب بیست
و هفت جزو است وزن ان یکصد درم مزاج سرد است
در ثلث درجه اول خشک است در یکدرجه و ثلث
مفرح صغیر بارد منقول از شرح سدیدی اجزای ان
گشنیز خشک دو درم گل سرخ طباشیر
از هر کدام یکدرم کافور دو قیراط بشراب سیب
بسرشند شربتی یکمثقال بشراب سیب با حماض
این ترکیب چهار جزو است وزن ان چهار درم
مزاج سرد است در دو درجه خشک است در یک
درجه مفرح معتدل منقول از شرح سدیدی
تقویت دل میکند و نشاط می اورد و نفع میکند
و خفقان او رنگ روی را نیکو دارد و اشتهای
طعام بدید آورد و فکر را درست گرداند
و نفع میکند لهیب و تشنگی را اجزای آن مروارید

نانخته بسبد از هر یک ده درم کهربا پنجدرم صندل
سفید صندل سرخ از هر یک هشت درم لسان الثور
گل لسان الثور از هر یک هفت درم فرنجمشک شش درم
تخم کاشنی پنجدرم درونج دو درم سادج چهار درم
افتیمون شش درم گل سرخ هفت درم زرنباد چهار
درم زعفران عنبر از هر یک دو درم کافور قیصری
یکدرم مشک تبتی نیم مثقال عود خام ده درم
گشنیز خشک پنجدرم خشخاش چهار درم [illegible] خشک
چهار درم طین ارمنی چهار درم اجزا را بالتمام
نرم کوفته و بحریر بیخته بشراب سیب شکری معجون
سازند این ترکیب بیست و شش جزو است وزن
ان یکصد و سی هفت درم و نیم مثقال مزاج گرم است
در اول درجه اول خشک است در یکدرجه و ربع
مفرح افلاطون که حکیم عماد الدین محمود ترتیب
داده اجزا عود سه درم سنبل و فلفل بهمن لعل زعفران

از هر یک پنج درم زرنباد ده درم درونج خصیة الثعلب
از هر یک سه درم تخم شلغم تخم ترب از هر یک پنج درم
تودری سرخ تودری سفید خولنجان از هر یک پنج درم
مایه شتر اعرابی سناء مکی از هر یک سه درم جلغوزه
نارجیل مغز بادام مغز پسته مغز تخم خیار مغز تخم خربزه
از هر یک پنج درم فلفل زرالبنج از هر یک ده درم
افیون پانزده درم مصطکی سه درم جدوار ده درم
جوز بوا بسباسه از هر یک پنج درم مشک سه قیراط
یاقوت سرخ پنج درم عنبر دو درم بمکه صید ده درم
البچو کبابه چینی دارچینی از هر یک پنج درم ورق
طلا ورق نقره از هر یک دو درم عسل سه وزن
ادویه این ترکیب سی و هفت جزو است وزن آن
یکصد و هشتاد و چهار درم و سه قیراط مزاج گرمست
در ربع درجه اول خشکست در دو درجه مفرح حار
منقول از قرابادین نجیبی نافعست خفقان و وحشت

والمالیخولیا

و مالیخولیا اخلاط بادرنجبویه قشور اترج قرنفل [illegible]
زعفران مصطکی جوز بوا قاقله نارمشک سک بهمن
سرخ بهمن سفید زرنباد درونج تخم بادروج تخم
فرنجمشک اجزا مساوی یکدیگر مشک عشر جزو بعسل
هلیله و امله مربا خمیر سازند این نسخه سفده جزوست
مزاج گرمست و خشک در اول درجه سیوم مفرح
معتدل ایضا منقول از قرابادین نجیبی اجزاء لسان الثور
کبابه دار کشنیز خشک بهمن سفید گل سرخ
پوست اترج ابریشم سفید تخم خرفه از هر یک
دو درم بعسل هلیله مربا بسرشتید این نسخه نه جزوست
وزن آن هجده درم عسل دو وزن ادویه مزاج
معتدلست در گرمی و سردی خشکست قریب
بنصف درجه مفرح بارد نافعست خفقان
و ضعف دل که حادث شود از حرارت باشد
از تب و از خمار و تشنگی را بنشانند اخلاط گل
سرخ ورق نیلوفر از هر یک ده درم مروارید

ناسفته بسبد کهربا لسان الثور صندل سرخ صندل
سفید طباشیر خشب الکندر کشنیز خشک پوست
کافور از هر یک سه درم بهمن سرخ بهمن سفید
تخم فرنجمشک بزر شاهسفرم تخم بادرنجبویه تخم
کاهو تخم کاسنی تخم قثا تخم قند از هر یک دو درم
کافور یک مثقال شکر طبرزد که شیره سیب بقوام آورده
معجون سازند این ترکیب بیست و سه جزو است
وزن آن هفتاد درم و یک مثقال مزاج سرد است
در سه ربع درجه خشک است در آخر یک درجه

معجون لبوب منقول از قرابادین یحیی کلیه را فربه کند
و باه را زیاد کند اخلاط مغز فندق مغز پسته
مغز حب صنوبر کبار مغز بادام کنجد مقشر تخم خربزه خشخاش
سفید از هر یک شش درم تخم قثا تخم قند
از هر یک خه درم شقاقل بوزیدان بهمن سرخ
بهمن سفید لسان العصافیر خولنجان دارچینی
از هر یک دو درم فانید ده استار عسل

نصف

نصف فانید شربتی پنج درم مداومت نمایند
این ترکیب شانزده جزو است وزن آن هفت
و دو درم فانید هفت و پنج درم عسل سی و دو درم
و نیم مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در
سه ربع درجه معجون لبوب کبیر منقول از احسانات
بدیعی خاصیت این معجون آنست که دل و دماغ را
قوت دهد و نشاط زیاده کند و منی بیفزاید و گرده
و مثانه را محکوم سازد و نعوظ تمام آورده
و در مجامعت قوت هر چه تمامتر دهد اخلاط
مغز بادام مغز فندق مغز پسته مغز حبة الخضرا مغز
گردکان جوز هندی مغز الحلب مغز چلغوزه
مغز تخم خربزه مغز حب الزلم کنجد مقشر خشخاش سفید
از هر یک ده درم کبابه قرفه خولنجان قرنفل
شقاقل مصری از هر یک پنج درم مصطکی بسباسه
لسان العصافیر سنبل الطیب از هر یک سه درم

بهمن سرخ بهمن سفید تخم ملبون لودری زرد لودری
سفید لودری سرخ بوزیدان مغاث تخم جزر تخم شلغم
تخم اسپست تخم پیاز تخم کندنا از هر یک شش درم
خصیة الثعلب فربه ده مثقال تخم الجرجیر خشک مربا
کن خرما صیب گاو خشک کرده سوده از هر یک
چهار درم مغز دماغ گنجشک نر که در وقت هیجان گرفته
باشند ده درم زعفران زنجبیل نارمشک تخم ترنگ
دار فلفل از هر یک سه درم عسل القدر حاجت
شربتی دو مثقال غذا نخود آب با قلیه با زرده
تخم مرغ نیم برشت یا کباب یا پیاز خام با آب
گوشت مناسب بوده از ترشی و سیری احتراز
کنند این ترکیب چهل و پنج جزو است و در آن
دو لسیت و او ذ درم و نیم تخمینا مزاج گرمست
در یکدرجه و نیم خشک در اوایل ربع احد درجه
اول معجون سوب مستعمل خاصیت وی آنست که

بیفزاید

بیفزاید و کرده را قوت دهد و نعوظ بتمام آورد
و سردی و رنگ از مثانه پاک کند و مجرب
اصطرآن مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز نارجیل
مغز چلغوزه مغز حبة الخضرا مغز حب الزلم مغز حب
قلقل کنجد مقشر لودری زرد لودری سرخ تخم شلغم
تخم گزر تخم اسپست تخم پیاز لسان العصافیر تخم الجرجیر
بهمن سفید زنجبیل دار فلفل کبابه بهمن سرخ دار چینی
خصیة الثعلب قرفه شقاقل مصری خولنجان ملبون
از هر یک شش درم عسل القدر حاجت و بعضی
از اطبا از ابحره احتراز نمایند بسبب سمیتی که در
وی هست صاحب اختیارات بدیعی میگوید
که من بسیار تجربه کرده‌ام در قوت باه بعد از خصیة
الثعلب هیچ چیز با گزره نمیرسد خاصه اگر با شیر
گاو تازه خورند سه روز بیابی اگر چه صاحب
منهاج آورده که چون با مثلث خورند مقوی باه

بو دیگر لکن اگر انست که شیر اصلاح ان میکند دفع
سمیت ان مینماید شربتی ازین معجون یک مثقال
تا دو درم این ترکیب بیست و هشت جزو است
وزن ان یکصد و هفت درم مزاج گرمست در آخر
درجه خشکست در اخر یکدرجه لبوب نوع دیگر نسخه غریب
خاصیتش انست که منی بیفزاید و نعوظ تمام آورد و گرده
ولشپت را قوت دهد اخلاط مغز پسته مغز فندق
مغز جلغوزه مار خبیل از هر یک پنج درم مغز بادام
کنجد مقشر از هر یک ده درم لسان العصافیر
حب الرشاد تخم اسپست از هر کدام یکدرم قاقله
ده درم زنجبیل کبابه دار فلفل کندر ذکر از هر یک
دو درم بهمن سرخ بهمن سفید تودری زرد
تودری سرخ از هر یک چهار درم خسک تر با
تخم کرفس تخم شلغم تخم بیار انجره از هر یک دو درم
عسل بوزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو مثقال این نسخه

بیس

بیست و سه جزو است با فانید وزن آن هشتاد و
هفت درم مزاج گرمست در اواخر درجه دوم
خشکست در اواخر یکدرجه نوع دیگر لبوب خاصیت
وی انست که گرده را قوت دهد و نعوظ تمام آورد
و منی بیفزاید اخلاط مغز بادام مغز پسته مغز فندق
مغز جلغوزه کنجد مقشر از هر یک پنجدرم هلیون
شقاقل از هر یک شش درم تودری سرخ تودری
سفید بهمن سفید از هر یک سه درم تخم تره تیزه
تخم بیار تخم انجره تخم گرگر تخم شلغم لسان العصافیر
از هر یک دو درم تخم اسپست قند سفید از هر
بیست درم عسل سه وزن ادویه شربتی یک مثقال تا
دو مثقال این ترکیب نوزده جزو است با قند
وزن آن یکصد و یکدرم مزاج گرمست در یکدرجه
نیم معتدلست در یبوست و رطوبت نوعی
دیگر لبوب خاصیت وی انست که منی بیفزاید

و نعوظ تمام آورد و محروری مزاج را بجات سود دهد
و مجرّبست اجزا آن مغز بادام مغز فندق مغز جلغوزه
مغز بن مغز نارجیل مغز حب القلقل مغز [حب الزلم] پسته از هر یک
ده درم زنجبیل دار فلفل تا رمشک از هر یک دو درم
و نیم فانید که آنرا کعب الغزال گویند سه وزن داروها
فانید را با قدری آب بگدازند و ادویه کوفته و بیخته
بدان بسرشتند و آن فانید که آرد در آن می باشد
می باید که قطعا استعمال نکنند این نسخه یازده جزو است
وزن آن هشتاد و هفت درم و نیم مزاج گرم است
در اواخر درجه دوم خشک است در سر ربع درجه
دیگر معجون بهمن خاصیت وی آنست که عروق
را پر گرداند و قضیب سخت کند و هم محروری
مزاج را شایسته بود اخلاط مغز نارجیل مغز
جلغوزه مغز بادام مغز حب الزلم مغز پسته
کنجد مقشر شقاقل مصری خشخاش سفید تودری

بهمن

سفید بهمن سرخ از هر یک پنج درم ادویه که خشک باشد
جدا کوفته و هر چه لعوب باشد جدا کوفته بوزن مجموع
قند کوفته اضافه کنند و با ترنجبین معجون سازند
شربتی دو درم این نسخه سیزده جزو است وزن
آن شصت و پنج درم مزاج گرمست در یک درجه و نیم
خشک است در ربع سیم درجه اول معجون بزور الباه مستعمل
صاحب اختیارات این معجون در امر مجامعت
فعل عجیب میکند و درین باب بغایتست اجزا
آن تخم گزر تخم شلغم تخم پیاز تخم گندنا تخم تره تیزه
تخم اسپست تخم جرجیر تخم بلیون مغز جلغوزه
مغز حب القلقل مغز حب الزلم بوزیدان قسط شیرین
تودری سرخ تودری زرد لسان العصافیر شقاقل
بهمن سرخ بهمن سفید دار فلفل حب الرشاد حلتیت
قرفه از هر یک شش درم اجزا کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته بسرشتند شربتی سه درم با شیره
تازه بیاشامند این نسخه بیست و سه جزو است

وزن آن یکصد وسی وهشت درم مزاج گرمست
در اوایل درجه سیوم خشکست در اواخر درجه اول
منوّمه که باه را زیاده کند منقول از قرابادین
حمزه تحفنی باه را زیاده کند و دل را تقویت دهد
اخلاط گل سرخ سه درم لسان الثور سه درم تخم شاهسفرم
چهار درم تخم خرفه سه درم بهمن سرخ دو درم
بهمن سفید دو درم تودری سرخ دو درم دنیم
تودری زرد دو درم ونیم تخم خربزه تخم گزر تخم
چغندر از هر یک سه درم تر تخمین با شکر معجون سازند
این نسخه یازده جزو است وزن آن سی و دو درم
مزاج گرمست و رطب قریب بر نیم درجه **فوایدها**
بادها را بشکند وطبیعت را نرم سازد و دردها را
فرو نشاند و خواب آورد **اخلاط** فلفل نانخواه
ورق سداب فوتنج زیره چند بیدستر حب الغار
افیون بروج بزر البنج اجزا مساوی یکدیگر سقمونیا
ثلث جزو اجزا را کوفته و بیخته بعسل معجون سازند

معجون

معجون سازند شربتی یک مثقال این نسخه یازده جزو است
مزاج معتدلست در گرمی و سردی خشکست در اخر
درجه سیوم **ایفیر فیرا** این ترکیب مسهل نیست
بلکه دردها را فرو می نشاند و بادهای غلیظ را می
شکند **اجزای** فلفل نانخواه شونیز حب الغار جند
بیدستر زیره افیون بزر البنج بروج از هر یک یک
اوقیه که بوزد بعسل معجون سازند این نسخه نه جزو است
وزن آن نه اوقیه که بود دو شش درم ونیم باشد با عسل
چهار اوقیه مزاج معتدل در گرمی و سردی خشکست
در دو درجه و نیم **ذکر حکیم** که سید الفضلا علامة العلما
میر محمد باقر داماد بهند فرستاده اند از الجمله
تریاق دوع الفجه مخلصه اصفهانی قرص اسقیل از هر یک
بیست و هشت مثقال قرص اندروخورون فلفل
سیاه دار فلفل دارچینی سیلا از هر یک

از هر یک بیست و چهار مثقال زعفران موبران شهری
سی مثقال املهٔ منقی هلیله کابلی ابریشم مقرض عود خام
سمندوری مصطکی رومی روغن بلسان مصری عن
الشمسی و عن بازنجبیل از هر یک بیست مثقال
افیون مصری پنجاه و هشت مثقال فلفل ابیض دروج
عقربی از هر یک دوازده مثقال ریباد شیرین
چهار ده مثقال تخم شلغم بری توم بری پوست
اترج خصیة الثعلب شامی پودنه جبلی غاریقون سفید
انثی زنجبیل حبشی بهمن سفید بیل بوا ورق گل سرخ
از هر یک دوازده مثقال تخم بادرنجبویه لسان ری رم
شش مثقال ورق بادرنجبویه لسان الثور کبیلی
با خراسانی از هر یک هفده مثقال گل لسان الثور
شش مثقال اشنه سفید خوشبوی تخم فرنجمشک
وج ترکی لسان العصافیر قاقله کبار قرنفل از هر یک
ده مثقال جدوار خطایی مجرب چهار ده مثقال

جوزبوا

جوزبوا بسباسه بهمن سرخ فراسیون از هر یک
ده مثقال مر صافی مکی دوازده مثقال حب الغار
سلیخه السودا فرفه نعناع خشک خولنجان مصری
کبدر ذکر از هر یک ده مثقال سعد کوفی سنبل الطیب
از هر یک دوازده مثقال انیسون ده مثقال نانخواه
رازیانه اسارون اسطوخودوس ایرسا اصل السوس
سفید ازادگردیا شیطرج هندی فاشرا یا فاشرین
ارمال عاقرقرحا قسط مر قصب الزریره زرنب
جنطیانا رومی پوست پسته مشکطرامشیع نارمشک
بزر البنج سفید در شیر تر پرورده طباشیر سفید
زرنبک منقی فطراسالیون از هر یک شش مثقال
کثیرا صمغ عربی از هر یک ده مثقال میعه سایله
ذکی الرایحه بیست و چهار مثقال رب السوس دار فلفل از ده
مثقال کمافیطوس دوازده مثقال کمادریوس
صندل سفید صندل سرخ مروارید ناسفته بسد
کهربا شمعی طین ارمنی طین مختوم حجر الیهود مقل ازرق

از هر یک شش مثقال مومیائی کانی دارچینی
لک مغسول از هر یک هفت مثقال مغاث افتیمون
سیالبوس لاجورد مغسول از هر یک پنج مثقال
تخم کرفس حب بلسان مصری عود بلسان زراوند
مدحرج شامی زراوند طویل حماما حرف بابلی حلتیت
رطب صعتر بری کشنیز خشک فرفیون دوقوا
از هر یک چهار مثقال سکبینج فندا از هر یک پنج مثقال
عصاره لحیة التیس ده مثقال اشق یاقوت سرخ
رمانی زمرد عتیق از هر یک سه مثقال زبرجد
دو مثقال فادزهر اصطهبانی عنبر اشهب مشک
خالص تبتی از هر یک هفت مثقال ورق طلا
چهار مثقال ورق نقره پنج مثقال نبات سفید
مصری سه چهار یک عرق جدوار خطائی
عرق مخلصه اصطهبانی عرق زرنباد شیرین
بمقدار حاجت در حل مجموع عرق بهار عرق
فشه عرق قرنفل عرق دارچینی از هر یک

هفتاد و پنج درم گلاب مکرر عرق بید مشک
صفاهانی از هر یک صد درم عسل بقوام آمده سه
وزن مجموع ادویه روغن بادام تلخ و شیرین
بقدر حاجت مجموع را جمیعاً الا آنچه که در ورق
مخلصه و عرق جدوار و عرق زرنباد بخوبانند
واندک عسلی در آن ریخته بخیسانند و بگذارند
و عنبر علیحده در عسل بگذارند و همچنین مومیائی
را جداگانه در عسل بگذارند و ادویه را به روغن
بلسان و میعه سایله و روغن نارجیل و روغن
بادام چرب کنند و مشک را بگویند و جدا
گانه و همچنین زعفران و جدوار را هر یک
جداگانه بگویند بعد از آن فادزهر را بگویند
و افیون را در عرق قرنفل و عرق دارچینی
و عرق فشه بخیسانند و چون عسل بقوام آید
از آتش بردارند و اول مجموع را در آن

دران حل کنند پس جواهر که خوب نرم کرده باشند
بعد ازان ابریشم مقرض پس کندر اخته ص پس عنبر
کندر اخته وموميائی وفادزهر وجدوار وافیون
وزعفران برین ترکیب که مذکور شد بعد ازان
ادویه چرب کرده پس مشک انگاه ورق
طلا ونقره بعد ازان جهد ومبالغه تمام نمایند که اجزا
خوب بهم مخلوط شود ودر هاون نهاده خوب
پس در ظرف چینی یا زجاجی کرده بگذارند وبعد
از شش ماه استعمال نمایند شربتی ازان یکدانگ نخست
تا یکمثقال ودو مثقال این ترکیب یکصد وبیست وچهار
جزو است سوی نبات وعرق وگلاب وزن
ان یکهزار ودویست وبیست وهفت مثقال مزاج
معتدلست مایل بحرارت وخشکست در اول درجه
سیوم **معجون مطيب الارواح** فلفل سیاه بیست مثقال
فلفل سفید دوازده مثقال زنجبیل چینی یازده

مثقال

مثقال پوست اترج هفت مثقال دارچینی سیلانی
دوازده مثقال پوست نارنج پنج مثقال تخم بادیانه
سنبل الطیب اشته سفید از هر یک ده مثقال
سادج هندی لسان الثور گیلانی از هر یک هفت
مثقال گل لسان الثور سوسن آزاد بستانی قردمانا
تخم بادرنجبویه از هر یک پنجمثقال ورق بادرنجبویه
شیطرج هلیله سیاه از هر یک هفت مثقال آمله
منقی هفده مثقال تخم شلغم بری نعناع خشک زرشک پوست
هلیله از هر یک هفت مثقال جوز بوا بسباسه کندر
ذکر از هر یک ده مثقال بهمن سفید هفت مثقال بهمن
سرخ پنجمثقال کبابه چینی شش مثقال پوست بیرون
پسته هفت مثقال وج ترکی ده مثقال عود دری
سرخ هفت مثقال عود دری زرد حاشا مغاث
ثوم بری نارمشک از هر یک پنجمثقال مصطکی رومی
سی مثقال سعد کوفی حب الغار ناخواه از هر یک

زرنب

هفت مثقال قصب الذریره تخم وجمشنک قاقله کبا
کمادریوس کمافیطوس از هر یک پنج مثقال زرنباد شیرین
حصیة الثعلب از هر یک دوازده مثقال حب بلسان
عود بلسان افتیمون غاریقون از هر یک پنج مثقال لسان
العصافیر اسارون از هر یک هفت مثقال زراوند
طویل زراوند مدحرج از هر یک پنج مثقال لک
مغسول هفت مثقال سکبینج پنج مثقال رب السوس
ده مثقال صمغ عربی مقل ازرق کثیرا از هر یک
پنج مثقال گل سرخ اسطوخودوس از هر یک
هفت مثقال قرفه سلیخه السودا از هر یک پنج مثقال
قسط سفید بحری هفت مثقال درونج عقربی مرصاف
کی از هر یک ده مثقال فرفیون انیسون از هر یک
پنج مثقال پوست بلیله زرد هفت مثقال ارفلفس
دوازده مثقال بیش بوا فلفل از هر یک ده مثقال
عاقرقرحا پنج مثقال هلیله کابلی هفت مثقال

خولنجان

خولنجان مصری شکطرامشیع از هر یک پنج مثقال شقاقل
مصری هفت مثقال ریوند چینی ده مثقال جنطیانای
رومی پنج مثقال تخم کرفس بیست مثقال بزر البنج سفید ترس
ده مثقال عود هندی خام جدوار مجرب خطائی
از هر یک دوازده مثقال زعفران ایران اشتهری
شصت و شش مثقال ابریشم مقرض طین ارمنی
از هر یک دوازده مثقال صندل سفید هفت مثقال
صندل سرخ مومیائی حجر الیهود مروارید ناسفته
از هر یک پنج مثقال بسد کهربا از هر یک چهار مثقال
طباشیر سفید زرشک منقی فادزهر اصفهانی
از هر یک پنج مثقال یاقوت سرخ سه مثقال زبرجد
شفاف دو مثقال لاجورد مغسول عنبر اشهب از هر یک
پنج مثقال کشته عنبر هفت مثقال عبیر پنج مثقال
زمرد عتیق سه مثقال مشک خالص تبتی شش مثقال
ورق طلا چهار مثقال ورق نقره پنج مثقال روغن

بلبان سی و دو مثقال میعه سائله روغن بلسان از
هر یک بیست و دو مثقال افیون مصری یکصد و پنج
و پنج مثقال عرق بهار یک چهار یک عرق بید مشک
گلاب از هر یک دویست و پنجاه درم عرق فرشته
یکصد و بیست درم عرق گاوزبان یکصد و پنجاه درم
عرق قرنفل پنجاه درم عرق دارچینی نعنا دو پنج درم
نبات مصری یکصد و پنجاه درم عسل مصفا القوام آمده
چهار وزن ادویه طریق ساختن معجون بسنت که در تریاق
درج الصحه مذکور شده مفصلا این ترکیب یکصد و سیزده
جزو است بغیر عرق و گلاب و نبات و عسل وزن آن
یکهزار نود و یک مثقال مزاج گرمست در اول درجه اول
خشکست در اول درجه سیوم معجون المثلث اهلیله سیاه
امله مقشر پوست بلیله از هر یک شصت و پنج مثقال
فلفل سیاه فلفل سفید از هر یک زنجبیل چینی
دارفلفل مصاف مکی از هر یک پانزده مثقال

روفای مصری کندر ذکر دارچینی سیلانی قرنفل ساذج
شیرین ریوند چینی حب الغار از هر یک دوازده مثقال
سعد کوفی وج ترکی اسارون شیطرج هندی از یانه
پوست بلیله زرد منونیز از هر یک ده مثقال مصطکی
زعفران ایران شهری از هر یک بیست مثقال لاجورد
مغسول مشک خالص مینی عنبر اشهب زرشک منقی
از هر یک پنج مثقال روغن بلسان میعه سائله از هر یک
دوازده مثقال عسل بلادر دوازده مثقال و نیم
روغن بلسان روغن جوز رو روغن بادام شیرین
و روغن بادام تلخ الفذ که جمیع اجزا را بخوب
جرب نمایند بعد از آن عسل مصفا را القوام آورده
چهار وزن ادویه و جمیع ادویه را در آن ریخته
خوب مخلوط سازند و در ظرف چینی یا آبگینه کرده
بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب سی و یک
جزو است وزن آن چهارصد و چهل و هفت درم

مثقال و نیم مزاج گرمست در یکدرجه و نیم خشکست
در دو درجه و سدس حب البهجه فلفل سیاه بیست مثقال
فلفل سفید پنج مثقال دارچینی زرنباد از هر یک
دوازده مثقال سنبل الطیب نه مثقال دار فلفل
هشت مثقال دواله نه مثقال سعد کوفی دوازده مثقال
درونج عقربی نه مثقال زنجبیل چینی مصطکی از هر یک
یازده مثقال زعفران ویران شهری شش مثقال
عود قماری قرنفل هیل بوا از هر یک نه مثقال
تخم کرفس بیست و دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک
هفت مثقال سادج هندی کبابه چینی اسارون حب الغار
مرصافی مکی سه مثقال ورق طلا یکمثقال ورق
نقره دو مثقال عنبر اشهب زرشک منقی از هر یک
سه مثقال دهن بلسان هفت مثقال افیون خالص
مصری سی و دو مثقال صمغ و گلاب بقدر احتیاج
این نسخه سی و دو جزو است وزن ان سیصد و

هفده

و هفده مثقال مزاج گرمست در اوایل درجه دوم
خشکست در دو درجه و خمس جوارشی زنیره جالینوس نافعست
بادهای سرد و محلل ایست و نفع میدهد کسی را که طعامش
نهضم نشود افلاطن بوزن نصف جزو زیره کرمانی
مدبر کرده فلفل سفید دار فلفل فلفل سیاه از هر یک
یک جزو عسل بقدر حاجت این نسخه پنج جزو است
مزاج گرمست در اواخر درجه سیوم خشکست در دو درجه
و نیم جوارشی کمونی دیگر مصلح سردی معده و جشای حامض
و شهوت کلبی و نو اقیست که از امتلای کیموسات
غلیظه و بلغمیه باشد و نافعست تپهای کهنه را که از
سردی و بدی هضم باشد اجزای ان زیره کرمانی
مدبر یازده استار جوز هندی زیره [illegible] فلفل زنجبیل سداب
خشک بوره از هر یک بیست درم عسل بقدر کفایت
این نسخه پنج جزو است وزن ان یکصد و هفتاد و
هفت درم مزاج گرمست در دو درجه و ربع خشکست

[illegible] نافعست [illegible]
که از برودت حادث شده باشد و نفع [illegible]
و مقوی معده و هاضم طعام است و [illegible]
را زایل کند و نافع است تپهای [illegible]
تنبیه تر از ان [illegible]
مدبر [illegible] فلفل [illegible]
بوره از [illegible] بیست درم [illegible]
این نسخه پنج جزو است وزن ان [illegible]
شصت و هفت درم مزاج گرم
در دو درجه و نیم [illegible]

در دو درجه و نیم **جوارشی** منقول از ذخیره خوارزمشاهی

اخلاط زیره مدبر نیم من فلفل زنجبیل از هر یک نیم من

بوره ده استار با انگبین مصفا بسرشند این نسخه

چهار جزو است وزن آن نوزده استار که پانصد و هفتاد

درم باشد مزاج گرمست و خشک در دو درجه و نیم

نسخه دیگر زیره مدبر صد درم فلفل زنجبیل بوره از هر یک

ده استار سداب خشک چهار درم با انگبین مصفا

بسرشند این پنج جزو است وزن آن دویست و هشتاد و

و چهار درم مزاج گرم و خشکست در دو درجه و نیم

نسخه دیگر معده را گرم کند و باد بشکند و آروغ

ترش را ببرد و سده بگشاید و اگر کسی را از قولنج

رنج باشد پیوسته این معجون بکار دارد از قولنج

ایمن شود **اجزا** زیره مدبر صد درم زنجبیل بیست درم

فلفل ده درم افتیمون سی درم بوره نانخواه ده درم

با انگبین مصفا بسرشند این نسخه پنج جزو است

وزن

وزن آن یکصد و شصت و هشت درم مزاج گرم و خشک است

در دو درجه و نیم **جوارش فوتنج** نسخه جالینوس **اخلاط**

فوتنج نهری فوتنج بری فطراسالیون از هر یک

دوازده درخمی زنجبیل شش درخمی تخم کرفس

نعناع حاشا از هر یک چهار درخمی کاشم

شانزده درخمی فلفل چهل و هشت درخمی سیالوس

پنج درخمی عسل بقدر کفایت این ترکیب نه

جزو است وزن آن یکصد و نوزده درخمی نزد

بعضی درخمی یک درم است و نزد بعضی یک مثقال

مزاج گرمست و خشک در دو درجه و نیم

جوارش حب الآس نافعست زحیر طبیعت و قی

که از بلغم و رطوبت باشد و سوء هضمی که از سردی

باشد و معده را قوی کند و اسهال و قی بلغمی

باز دارد **اجزای** حب الآس خشک

یکمن هلیله سیاه بلیله امله طالیسفر از هر یک

هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل از هر یک ده درم
مصطکی قرد مانا شش درم جوز بوا قسط کر ویا انیسون
رزیره کرمانی سنبل الطیب قاقله از هر یک شش درم
جوز بوا الخم کرفس نانخواه از هر یک سه درم سادج
هندی حماما از هر یک چهار درم عسل بقدر حاجت
شربتی یکدرم این ترکیب بیست و دو جزو است
وزن ان چهار صد درم چهل و چهار درم و دو دانک
و دو دانک مزاج گرمست در نیم درجه خشکست
در اول درجه سیوم **جوارش جو زبوا** حب الآس
یک کیلجه و نیم سنبل سه اوقیه جوز بوا ابا پوست
نیم رطل و نفل قاقله انیسون بو داده تخم کرفس
بو داده اشته از هر یک دو اوقیه بابسه
یک اوقیه و نیم عفصه چهار اوقیه بلیله کابلی
بلیله آمله از هر یک چهار اوقیه اجزا را با آب
العسل بدل شراب روحانی جوش دهند

سلیخه

بعد از ان خشک کنند دیگر باره باب
جوش دهند و خشک کنند پس از ان کوفته
و بیخته با سه بسرشند شربتی سه درم تا سه
مثقال شراب به این نسخه سیزده جزو است
وزن ان هزار و هشتاد و دو درم مزاج
سرد است در ربع درجه خشک است
در اول درجه سیوم **جوارش متوکل** که منسوبست
بطلموس نافعست بدی هضم را و مقوی جگر است
واسرائیل متوکل بمثنیه ازین تناول کردی
زیرا که نفع آن بتجربه معلوم شده **اخلاط** سنبل
و نفل دارچینی جوز بوا قاقله یک از هر کدام
یکمثقال فلفل سفید زنجبیل چند بید ستر از هر یک
دو درم سی شکر طبرزد مثل تمام ادویه اجزا را کوفته
و بیخته با شکر مخلوط سازند و بعسل کف گرفته
معجون سازند شربتی سه مثقال این نسخه یازده

لسان الذکر چهار درم

جزو است با شکر وزن آن بعینه شکر شش مثقال
و ده درخمی اگر درخمی یک درم باشد ده درخمی
هفت مثقال باشد پس وزن ادویه سیزده مثقال
و اگر درخمی یک مثقال باشد وزن آن سیزده مثقال
باشد و بر هر تقدیر شکر مثل ادویه مزاج گرمست
در دو درجه و ربع خشکست در آخر دو درجه
جوارش کمونی نافعست درد شکم را که از برودت
باشد و تب ربع و شهوت کلبی و تبهای بلغمی
و سوداوی را و از بلغم بسیاری که برازا
عارض میشود و شدت برودت معده و
حیات حامض و آب از دهن رفتن که از کثرت
فضول بلغمی باشد **اجزای آن** زیره کرمانی مدبر
سداب خشک زنجبیل فلفل از هر یک ده
استار بوره ارمنی ده درم عسل بقدر کفایت
شربتی مقدار فندقی با آب گرم این نسخه زنج

جزو است وزن آن دویست و شصت و هفت
درم یکدانک مزاج گرم و خشک است
در دو درجه و نیم **جوارش کمونی دیگر** زیره تازه
هفت اوقیه یک شبانروز در سرکه باید
خوابانید و بعد از آن خشک کرده باتش
نرم اندک بریان باید کرد فلفل سه اوقیه زنجبیل
چهار درم بوره ارمنی دو درم عسل بقدر حاجت
این نسخه چهار جزو است وزن یکصد و سیزده
درم و یکدانک مزاج گرمست در دو درجه و نیم
خشکست در دو درجه و سه ربع **جوارش فلفلی**
نافعست سردی معده و جگر و بسیاری
بلغم و رطوبت را که در بدن غالب باشد
و بدی هضم که از سردی و بادهای غلیظ
بهم رسیده باشد و تب ربع بلغمی را و ادرار
بول کند **اخلاط** فلفل سفید فلفل سیاه

دارفلفل از هر یک سه اوقیه و در بعضی نسخه است
دو اوقیه عود بلسان یک اوقیه سنبل الطیب
حماما از هر یک چهار درم زنجبیل تخم کرفس
سیسالیوس رومی سلیخه اسارون راسن از هر یک درم
عسل سه چندان وزن ادویه شربتی یکدرم
تا یک نیم گرم باشد این نسخه دوازده واست
وزن آن یکصد و بیست و یک درم و یکدانگ
مزاج گرمست در آخر درجه سیوم خشکست
در دو درجه و نیم **جوارش فنداديقون** نافعست
درد پشت و معده را و ضعف معده را
که از سردی که از تولد باحست بهم رسیده باشد
اجزاء او زنجبیل فلفل سنبل الطیب از هر یک
شش درم مصطکی نانخواه از هر یک چهار درم
تخم کرفس نعناع از هر یک پنجدرم زیره
کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا از هر یک

دو درم ساذج یکدرم عسل کف گرفته سه وزن ادویه
شربتی نیم مثقال این نسخه دوازده مثقال واست
وزن آن چهل و پنجدرم مزاج گرمست در دو درجه و ربع
خشکست در دو درجه و نیم **جوارش جوزی** نافعست
قبض شکم و بدی هضم و ضعف معده و سردی ازا
اخلاط آن قسط قرفه سنبل الطیب حب بلسان
سلیخه از هر یک ده درم جوزبوا پنج عدد قاقله و قرنفل
انیسون اکلیل الملک شیطرج هندی از هر یک چهار
درم بسباسه سه درم برنج کابلی هشت درم باعنبت
چهار درم زراوند طویل پونه چینی پسته از هر یک
دو درم سعد از هر یک دو درم سعد زنجبیل از هر یک
ده استار قصب الذریره فلفل دارفلفل از هر یک
پنجدرم هلیله سیاه دو استار بلیله ده عدد حب الآس
نیم قفیر شکر انقدر که کفایت کند بعد از انکه معجون
سازند و در ظرف چینی یا آبگینه کرده نگاه دارند

وبعد از دو ماه استعمال نمایند این ترکیب بیست و پنج جزو است

وزن ان بغیر جوز بوا پنج و بلیله هزار و نهصد و سی درم

و پنج دانگ جوز بوا پنج عدد بلیله ده عدد مزاج

معتدلست در گرمی و سردی خشکست در یکدرجه و ثلث

ایضاً جوارش کموتی نافعست ضعف جگر و معده

و سردی انها را و قبض شکم و بدی هضم را و نفع

کسانی را که درد سپرز داشته باشند و ادرار

بول میکند **اجزای او** قسط قرفه سنبل حب بلسان

سلیخه از هر یک ده درم جوز بوا پنج عدد قاقله

و نفل انیسون اکلیل الملک تخم نهندی تاکشک

از هر یک چهار درم بسباسه سه درم زنج

کابلی هشت درم اریوند زراوند طویل اشته از

هر یک پنج درم هلیله سیاه کابلی منزوع النوی

دو استار بلیله ده عدد حب الاس وزن

ادویه چون سرمه و بعسل طبرزد انقدر که کافی

باشد بسرشند شربتی مقدار مار وی آب سرد

و در نسخه دیگر زنجبیل ده استار اضافه نموده اند

این نسخه بیست جزو است وزن ان بغیر جوز بوا و بلیله

و حب الاس یکصد و سیزده درم حب الاس مثل آن

جوز بوا پنج عدد بلیله ده عدد مزاج گرمست

در اخر یکدرجه خشکست در یکدرجه و نیم **جوارش خسروی**

واز اجوارش عنبر نیز گویند ملوک عجم همیشه

استعمال میکرده اند نفع میکند امراض بارده را

خصوصاً کلیتین را و باه را زیاده کند و نفع میدهد

فالج را و لقوه و رعشه و خفقان را حفظ و ذهن

را زیاده میکند و نشف رطوبت معده میکند و هاضمه

را نیکو میکرداند و بغایت موافق مزاج پیرانست

اخلاط قاقله کبار قاقله صغار بسباسه دار چینی

از هر یک چهار درم زنجبیل دار فلفل از هر یک

دوازده درم اشته ده درم قرفه یکدرم

قرنفل زعفران از هر یک ده درم جوز بوا پنج درم
سنبل الطیب مصطکی عنبر اشهب از هر یک دو درم مشک
تبتی بزرالبنج سفید افیون از هر کدام یک درم روغن بلسان
شش درم افیون را بگلاب بخوابانند و حل کنند
و عنبر در روغن بگدازند و داروها کوفته و بیخته
بروغن بلسان چرب کنند و بعسل کف گرفته بسرشند
و افیون حل کرده در آن ریزند و مشک بگذ بگیر
مخلوط سازند و در ظرفی چینی یا آبگینه کرده و بعد از
ششماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یک مثقال
این نسخه سیزده جزو است و وزن آن هشتاد و سه درم
مزاج گرم و خشک است در آخر دو درجه نسخه دیگر که صاحب ذخیره خوارزمشاهی
ذکر کرده و گفته که در شهر بلخ شخصی را دیدم که
در معده داشت بسیار علاج کردند از هیچ
دارو شفا نیافت بدین جوارش شفا یافت
اجزای آن پوست ترنج عود هندی قرنفل کبابه

قاقله

قاقله خیربوا از هر یکی پنج درم زرنباد مشک انیسون تخم کرفس
جند بیدستر افیون بزرالبنج سفید از هر یکی سه درم
روغن بلسان دو درم برگ بادرنجبویه تخم مرزنگوش
زعفران سه درم عنبر اشهب یکمثقال عنبر را با روغن — از هر یک
بلسان بگدازند و افیون را بگلاب حل کنند و همه داروها را
با انگبین بسرشند و دو ماه بنهند تا برسد و گروهی
شش ماه بنهند شربتی دو درم خفقان را و درد معده را
و بیماریهای رحم را سود دارد و پیران را سخت موافق
بود این نسخه هفده جزو است و وزن آن شصت درم
و نیم همچنان مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است
در دو درجه و ثلث جوارش شهریاری معده و جگر
سرد را و کسی را که بیم استسقا باشد سود دارد و اسهال
کند اجزای آن شیطرج هندی زنجبیل فلفل دارفلفل
قرفه قاقله صغار قرنفل نارمشک ساذج هندی
نشاسته گندم مصطکی قاقله کبار دارچینی سنبل

نسخه تانخواه تخم کرفس بادیان انیسون از هر یکی
شش درم افتیمون تربد از هر یکی دوازده درم
سقمونیا ده درم شکر طبرزد بیست درم با انگبین
مصفا بسرشند و این نسخه بیست و سه جزو است
با شکر وزن آن یکصد و شصت و هشت درم مزاج
گرمست و خشک در دو درجه و نیم **جوارش شهریاران**
بنحوی که در کتاب منهاج الادویه مذکور است
نفع میدهد سردی معده و جگر را و ماء الصفر و مره
سودا را و نفع میدهد قولنج را **اخلاط** زنجبیل فلفل دارفلفل
دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا هیل مصطکی قاقله
حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم
سقمونیا سه درم تربد هشت درم حب النیل شش درم
شکر سلیمانی بنسل جمیع ادویه را کوفته
و بیخته با انگبین کف گرفته بسرشند شربتی چهار درم
این نسخه یازده جزو است با شکر وزن ادویه

بم نرا

بعنه شکر هفت و هشت درم و نیم شکر شش آن مزاج
گرمست و خشک در اول درجه سیوم **جوارش تمری**
این جوارش نفعش مخصوص است بقولنج و جمیع سردیها را
و عسر البول را نیز نافعست **اخلاط** بوره ارمنی زیره کرمانی
فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یک دو درم
و نیم سقمونیا پنج درم خرمای هیرون از دانه پاک
کرده بادام شیرین مقشر ورق سداب از هر یک
ده درم خرمای یکشبانه روز در سرکه انگوری بخیسانند
بعد از آن چوب بکوبند و ادویه را کوفته و بیخته
با یکدیگر مخلوط سازند و بدو وزن عسل کف گرفته
معجون سازند شربتی چهار درم تا شش درم این نسخه
نه جزو است وزن آن چهل و هفت درم
نیم مزاج گرم و خشک است در دو درجه و نیم
جوارش تمر دیگر ؞ تمر بیرون استخوان بیرون کرده
صد عدد یکشبانه روز در سرکه انگوری بخیسانند

بعد از آن بدست مالیده صاف کنند سداب خشک
زنجبیل از هر یک سیزده درم فلفل سفید سه درم
بوره ارمنی پنج درم بادام تلخ مقشر یکصد و پنجاه درم عدد
سقمونیا پانزده درم تربد بیست درم با انگبین مصفا
بسرشند این ترکیب هشت جزو است وزن آن
شصت و نه درم بغیر تمر و بادام مزاج گرمست
در دوم درجه و ربع خشکست در اول درجه سوم
تمری دیگر نافعست تبهای کهنه را و در تابستان
و زمستان توان خورد و این ترکیب مسهلست بغیر
مشقت **اخلاط** زنجبیل فلفل سفید از هر کدام
یک اوقیه سقمونیا ده اوقیه و نیم خرمای بیرون
منقا ده اوقیه بادام شیرین مقشر و ورق سنا
از هر یک چهار اوقیه ادویه را علیحده بکوبند
و خرما را در سرکه انگوری بجوشانند و بادام را
جدا بکوبند و بعد از آن جمیع ادویه را با هم مخلوط

سازند و بعسل کف گرفته بسرشند چنانکه رسم است
شربتی دو درم این نسخه شش جزو است وزن آن
چهارده اوقیه و نیم که یکصد و پنجاه و پنج درم
و دو دانگ باشد مزاج گرمست و خشک در دو
درجه و نیم **جوارش فیروز نوش** نافعست بادهای
غلیظ و بواسیر را مقوی معده است و تقویت
باه میکند و رنگ روی اصفا می سازد
و کلیه را گرم میگرداند و نافعست بادهای رحم را
و ترفدمی که از بواسیر باشد **اجزای آن** هلیله کابلی
هلیله زرد شیطرج تخم کرفس از هر یک شش درم
بلیله آمله نانخواه نودری سرخ نودری سفید
دارفلفل کنجد مقشر از هر یک چهار درم قرفه
سنبل جوز بوا زنجبیل فلفلمویه از هر یک سه درم
خیربوا قسط سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان نارمشک
از هر یک شش درم سعد ده درم مشک

دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید مربا مثل
جمع ادویه روغن گاو ده استار با انگبین کف
گرفته برشیند شربتی دو درم نبات گاو که اندک
برشته شده و سکر اش گرفته باشند تا برسید
مورجوب و نفته ببای بجوز داین نسخه بیست
و شش جزو است بغیر خبث الحدید وزن ان یکصد
و چهل و هشت درم و نیم تحمبا خبث الحدید مثل ان
مزاج گرمست و خشکست در دو درجه و سه ربع
جوارش کندر این جوارش را علیبی صهار بخت جوارش
الیوب نامیده معده را گرم کند و طعام بگوارد
و اسهال طبعی باز دارد اخلاط کندر شصت درم
فلفل دارفلفل از هر یکی ده درم شکر شصت درم
زنجبیل خولنجان از هر یکی دوازده درم جوزبوا
قرنفل خریدا از هر یکی پنج درم مشک صینی نیم درم
~~با انگبین مصفا برشیند شربتی سه درم مشک صینی~~

نیم درم

نیم درم با انگبین مصفا برشیند شربتی سه درم
این نسخه ده جزو است وزن آن صد و هفتاد د
نه درم و نیم مزاج گرمست در اول درجه سیوم
خشکست در یکدرجه و نیم جوارش طالیسفر نافعست سردی
معده و بادهای غلیظ اخلاط طالیسفر پنج درم زنجبیل
بیست درم فلفل دوازده درم هیل قرفه از هر یک
شش درم شکر طبرزد پنج رطل این نسخه پنج جزو است
بغیر شکر وزن ان چهل و نه درم شکر پنج رطل
که ششصد و چهل و دو درم و نیم باشد مزاج گرمست
در اخر دو درجه خشکست در سه ربع درجه
جوارش سفرجل قولنج بگشاید و قی باز دارد و باه زیاده کند
و بادها بواسیر را سود دارد و عقعق کی این
معجون ساخته سوگند خورده که از دین و ایمان
خویش بیزار باشم که بمندانم دوایی را که انفع
که نفع ازین ترکیب باشد اجزای او سعمونیا ی

انطاکی تربد سفید مجوف از هر یک پنج مثقال
قاقله از هر یک سه مثقال زنجبیل دار چینی آمله قرنفل
بسفایج بسباسه جوز بوا از هر یک دو مثقال
و نیم در نسخه دیگر سقمونیا و تربد از هر یک سه مثقال
کرده اند اجزا را کوفته و بیخته یک رطل شکر نرم کرده
دران ریزد و بعسل کف گرفته معجون سازد و شربت
تمام ازان چهار مثقال و در قرابادین قلانسی
مذکورست که شربتی ازان بجهت هضم دو درم
و بجهت اسهال شش درم این ترکیب ده جزو است
بغیر شکر وزن آن سی و یک مثقال شکر یک رطل
که در یکصد و بیست و هشت درم و نیم است
مزاج گرم و خشک است در اول درجه سیوم جوارش
بلادر حداد ذهن و معده سرد را سود دارد و دفع
نسیان کند و رنگ روی سرخ گرداند و ذهن
و فکر را لطیف گرداند جوارش را جوارش حکما

گوید

گویند و بعضی گویند که این جوارش سلیمان پیغمبر است
علیه السلام اجزای آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه
بلیله آمله حند بیدستر از هر یکی چهار درم قسط بلادر
برنگ کابلی شکر طبرزد حب الغار از هر یکی
دوازده درم سعد هشت درم داروهای خشک را
بکوبند و به بیزند و بروغن گاو چرب کنند و بلادر
را در عسل بگدازند و بیامیزند و بهم بسرشند عسل
دو وزن جمله داروها شربتی دو درم پس از
شش ماه اندر طبیخ کرفس و بادیان و تخمی که این
جوارش را بکار دارد خود را از رنج سخت و صحت
و خشم و غم نگاه دارد و از مباشرت بسیار
و شراب بسیار پرهیز کند و طعام وی اسفیدباج
باشد این ترکیب دوازده جزو است و وزن آن
نود و دو درم مزاج گرمست در دوم درجه و ربع
خشک است در اول درجه سیوم جوارش فنجنوش

معده ضعیف را و خداوند بواسیر را سود دارد
و گونه روی صافی کند و قوت باه زیاده کند

اطریفل هلیله کابلی بلیله شیر آمله فلفل دار فلفل زنجبیل
سعد شطرج هندی سنبل از هر یک ده درم تخم
اسپست تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید
سوده و چهار روز بسرکه فرغار کرده و خشک کرده
و بریان نموده صد درم با انگبین و روغن گاو
بسرشتند و در منهاج بدل روغن گاو روغن بادام
شیرین آورده و ده درم مشک زیاد کرده
بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم این
ترکیب دوازده جزو است وزن آن یکصد و
نود و هشت درم مزاج او گرمست در دو درجه
و سه ربع خشکست در آخر درجه سیوم **مجرب**

معجون نشو دیگر مبهک مقوی معده و مسخن است
و نفع میدهد بواسیر را و باه را زیاده میکند

و مجربست **اطریفل** هلیله کابلی بلیله آمله فلفل زنجبیل
ریزه کرمانی تخم شبت تخم کرفس تخم گندنا تخم جرجیر
تخم گزر افلنجه گل سرخ سلیخه سعد دارچینی قرنفل
جوزبوا از هر کدام یکدرم بسباسه هیل قاقله کبار عود
خام شنک تیتی از هر یک دو درم حب الرشاد
سفید سه اوقیه خبث الحدید مثل جمیع ادویه بعسل
کف گرفته بسرشند شربتی دو درم این نسخه بغیر
خبث الحدید وزن آن شصت و چهار درم و یکدانگ
خبث الحدید مثل المزاج گرم و خشک است در آخر
درجه سیوم **جوارش معجون نشو دیگر** منقول از قرابادین
فلانسر جهت صاحب معده گرم موافقست

اطریفل هلیله کابلی بلیله آمله اصل سوس پوست کنده
گل سرخ اذخر از هر یک دو درم خبث الحدید
مدبر مثل جمیع ادویه شکر طبرزد آنقدر که ادویه
بآن خمیر شود شربتی دو درم بشراب سیب

این نسخه شش جزوست نعیم حب الحدید وزن آن

دوازده درم حب الحدید مثل المزاج گرم و خشکست

در دو درجه و نیم حوارش حب الحدید منقول از جوامع الادویه

زنجانی نافعست بجهت صاحب معده سرد و بواسیر

و سردی بیاراد و رنگ روی اصاف کند و اشتهای

طعام پدید آورد باخرن هلیله کابلی بلیله آمله تخم

سوسن زنجبیل عود خام جوز بوا سک گل سرخ

سنبل اذخر مصطکی از هر یک ده درم خبث الحدید

مصری نعت شبانروز در سرکه خوب نهند

و بعد از ان خشک کرده و بوداده مثل جمیع

ادویه شکر طبرزد مثل شتید شربتی دو درم این

دوازده جزوست بغیر خبث الحدید وزن

ان یکصد و بیست درم خبث الحدید و وزن یکصد و

خبث الحدید مثل ان مزاج گرمست و خشک در دو درجه

و دو ثلث حوارش سفوجل سهل نفع میدهد و قوت میدهد

داخل

از هر یک سه درم تربد بیست درم سقمونیا سه درم فانید بیست درم

بعسل کف گرفته بسرشند شربتی سه درم این نسخه هشت جزوست

با فانید وزن ان هفتاد و دو درم مزاج گرمست در اخر درجه

دوم خشکست در دو درجه و ربع   که در

قرابادین فلانسی مذکورست   نافعست

اوجاع معده را   کهربا گل سرخ از هر یک پنج درم

عود خام از هر یک سه درم زرنبک پنج درم مصطکی

زعفران رامک از هر یک سه درم سنبل دو درم شکر

طبرزد معجون سازند شربتی دو درم شراب سیب این نسخه

هشت جزوست وزن ان بیست و نه درم مزاج گرمست

در اخر یک درجه خشکست در یک درجه و ربع   معتدل دائم

مغز فندق مغز پسته جلغوزه حب الخضرا تهذاته اجزا

مساوی یکدیگر بعسل کف گرفته معجون سازند و مجموع را

حب سازند هر یک مقدار جوزی شربتی پنج حب تا ده

حب بیاشنا واب تمر بنوشند بدن را فربه میکنند

و رنگ روی را صاف میسازد و باه را زیاده میکند
این نسخه شش جزوست مزاج گرم و خشکست در یکدرجه و نیم
مستعملست در قولنج گاهی که غثیان
اشتداد یابد و آنچه صاحب قولنج خورده بقی دفع
کند   سقمونیا مصطکی قرنفل شکر فلفل زنجبیل
قرفه جوزبوا دارفلفل هم مساوی یکدیگر شیره به ترش و
عسل مساوی هم هر دو را باهم ممزوج ساخته طبخ نمایند
چندانکه بقوام آید بعد از ان بوزن ادویه جدا کرده اجزا
را با آن بسرشند شربتی از یکدرم تا دو درم این نسخه
نه جزوست مزاج گرمست در اخر درجه خشکست در دو درجه
و نیم که مسهل بلغم و صفراست بی مشقت   عود صینی
پنج درم مصطکی پنج درم تربد سفید بیست درم سقمونیای انطاکی
دو درم و نیم اجزا را کوفته و بیخته بعسل طبرزد یا عسل کف گرفته
معجون سازند شربتی پنج درم این نسخه چهار جزوست
وزن آن سی و دو درم و نیم مزاج گرمست و خشک

در اول

در اول درجه سیوم   آب به چهل درم آب
سیب چهل درم عسل پنجاه درم شکر پنجاه درم مجموع را طبخ
نمایند تا بقوام آید بعد از ان این ادویه را که مذکور می شود
نرم کوفته و بیخته در ان بریزند و خوب مخلوط سازند
مصطکی عود دارچینی از هر یک چهار درم تربد سفید تراشیده
یازده درم محموده دو درم شربتی چهار مثقال این
نسخه پنج جزوست بغیر آبها وزن آن شصت و نه درم
در یکدرجه و ربع خشکست سه ربع درجه
مناسبت کسانی که محروری مزاج باشند
تربد سفید ده درم سقمونیا یکدرم طباشیر زعفران
گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم عسل طبرزد شش درم
چنانکه رسمست معجون سازند شربتی دو مثقال این
نسخه پنج جزوست وزن آن یازده درم و نیم
مزاج گرمست در یکدرجه و دو ثلث خشکست در اول
سه درجه   تقویت معده

وطبیعت را نرم میسازد واطلاق بآسانی میشود

تربد سفید ده درم و محموده مشوی دو درم

مصطکی چهار درم عود هندی سه درم اجزا را کوفته

و بیخته در بیست درم رب سیب خمیر سازد شربتی پنج درم

این نسخه چهار جزو است وزن ان نوزده درم مزاج

گرمست در اول درجه سیوم خشکست در آخر دو درجه

تالیف محمد بن زکریا رازی نفع میکند ملامت

معده و امعا را و قراقری که دران باشد دانه

مویز که در سرکه جوشانیده باشند و نرم نرم چون

سرمه کوفته سی درم حب الاس شصت درم خرنوب

نبطی جلنار کزمازو از هر یک ده درم کندر نانخواه

مصطکی سعد سنبل از هر یک پنج درم بشکر بقوام آمده

یا بعسل مصفا بسرشند شربتی سه درم تا چهار درم

این نسخه ده جزو است وزن ان یکصد و چهل و پنج

درم مزاج سرد است در ربع درجه خشکست در آخر

درجه دوم خرنوب نبطی بلوط جلنار از

هر یک جزو حب الآس دو جزو دانه انگور که از سرکه

بر آورده باشند یک جزو سوتوق حب الرمان یک

جزو برب به خمیر نمایند این نسخه شش جزو است مزاج

سرد است در یکدرجه و ثلث خشکست در آخر دو درجه

نافعست ضعف ماسکه معده را هلیله

سیاه مقل از هر یک ده درم حرف بود آده

پنج درم نانخواه صغیر فارسی از هر یک سه درم خبث

الحدید مدبر بسرکه ده درم بعسل کف گرفته معجون سازند

این نسخه شش جزو است وزن ان چهل و یک درم

مزاج گرمست در دو درجه و نیم خشکست در دو درجه

دو ثلث بهعست معده و جگر سرد را

و قولنج را بگشاید و سودا و بلغم بیرون آورد

سنبل فرنفل فلفل دارفلفل انیسون قاقله جوز بوا از

هر یک دو درم زنجبیل مصطکی نارمشک دارچینی

شیطرج هندی از هر یک سه درم سقمونیا ده درم

مغز حب البلسان چهار درم بسفایج پنج درم نمک هندی
سه درم زنجبیل سفید بیست درم افتیمون ده درم فانید
بیست درم خیربوا دو درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی او بار هفت درم
صغار و پنج درم این نسخه بیست جزو است وزن آن
یکصد و سه درم مزاج گرمست در دو درجه و ربع
خشکست در یکدرجه و ثلث تالیف
محمد بن زکریا رازی سنبل مصطکی گل سرخ
لک زرنباد چینی تربد از هر یک یکجزو مازریون
در سرکه انگوری خوابانیده دو جزو بجرم همه که
و عسل معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه هفت
جزو است مزاج گرمست در اول درجه سیوم خشکست
در دو درجه و نیم که نافعست رطوبت
قلب را بسد کهربا شکر مروارید ورق نقره
قشور آمله قشور اترج از هر یک شش درم ابریشم خام
بادرنجبویه لسان الثور از هر یک ده درم سندروس

سه درم کشنیز خشک دو درم بادروج دو درم بهمن
سرخ بهمن سفید از هر یک پنجدرم مشک یکدرم عنبر
اشهب یکدرم مصطکی سه درم بعسل کف گرفته معجون سازند
شربتی یکمثقال این نسخه سیجده جزو است وزن آن نود و
چهار درم مزاج گرمست در آخر درجه اول خشکست
در یکدرجه و نیم مقوی معده است
و هضم طعام میکند و دفع بادهای غلیظ مینماید
تخم کرفس نانخواه از هر یک دو درم مصطکی خولنجان
قرنفل فلفل از هر یک سه درم حب الرشاد بوداده
بیست درم اهیل پنجدرم بعسل مصفا بسرشند شربتی
سه درم این نسخه هشت جزو است وزن آن چهل
و یکدرم مزاج گرمست در ثلث اول درجه سیوم
خشکست در دو درجه و ثلث مسهل
نافعست قولنج را تربد سفید پنجدرم دار فلفل
سه درم شکر طبرزد بیست و چهار درم اجزا را نرم

کوفته چنانکه رسمست معجون سازند شربتی از چند درم تا هفت درم
این نسخه دو جزو است وزن آن هشت درم مزاج گرمست
در اول درجه سیوم خشکست در یکدرجه و نیم
مسهل کم میکند صفرا و بلغم را و مناسبت گرم مزاجانرا
تربد یکمثقال سقمونیا یکدانگ گل سرخ طباشیر
زعفران از هر کدام یکدانگ و نیم عسل طبرزد سه درم
مجموع این یک شربت است اجزای این نسخه بغیر عسل
پنج است وزن آن یکمثقال و پنجدانگ و نیم مزاج گرمست
در آخر درجه دوم خشکست در اول درجه سیوم
نافعست شقاق مقعد و بواسیر و اوجاع
مقعده را   هلیله کابلی بلیله آمله منزوع النوی
افتیمون مصطکی از هر یک ده درم نانخواه پنج درم اجزا را
کوفته بروغن بنفشه الو چرب کنند و بیست درم مقل
در آب بخوسانند و ادویه را بآن بسرشند
شربتی سه مثقال با آب نیم گرم این نسخه هفت جزو است

وزن آن هفتاد و پنج درم مزاج گرمست در اول درجه
دوم خشکست در یکدرجه و نیم   بجهت کسی
که بول میکند در فراش از افراط حرارت   هلیله زرد
بلیله آمله عفص بلوط جلنار گل سرخ اجزا مساوی
یکدیگر بعد از کوفتن اجزا را بروغن گل چرب کنند
و بعسل طبرزد معجون سازند شربتی دو درم با آب ریباس
این نسخه شش جزو است مزاج سرد است در اول
درجه دوم خشکست در آخر آن   بجهت
کسی که بول میکند در فراش از افراط آن برودت
راسن تخم کتان هلیله کابلی از هر یک ده درم
پنج خطمی هفت درم اقاقیا مر کندر مامیثا از هر یک
دو درم شب یمانی بوداده سه درم بعسل کف گرفته
معجون سازند شربتی دو درم این نسخه نه جزو است
وزن آن چهل و هشت درم مزاج گرمست در اواخر
درجه اول خشکست در یکدرجه و نیم
نافعست اسهال صفراوی را   سماق سی درم

سویق جو سویق کنار سویق سیب کعک بغدادی
خرنوب شامی از هر یک ده درم شراب سیب
و شکر طبرزد سبر شتید شربتی بخذ درم این نسخه ششصد و بیست
وزن آن هشتاد درم مزاج گرمست در آخر یکدرجه
خشکست در آخر دو درجه منقول از
قرابادین یحیی تقویت باه میکند تخم بهمن
شقاقل بهمن سرخ بهمن سفید تودری سرخ تودری
کلکلون سره تغنقور لسان العصافیر از هر یک پنج درم
زنجبیل بزر اللعنب بزر الرطبه بزر الفجل بزر جیر بزر البصل
بزر السهیدانج بزر الجرجیر بزر الکراث خولنجان جوز بوا
دارچینی دار فلفل ابونه زیدان السقیل شوی از هر یک
از هر یک سه درم زنجبیل ده درم قانید
بوزن جمیع اجزا همه را کوفته بعسل کف گرفته
معجون سازند این نسخه بیست و چهار جزو است
وزن آن هشتاد و دو درم فایده مثل آن مزاج
گرمست در اول درجه سیوم خشکست در یکدرجه

و ربیع معده و امعای سرد را قوت
دهد و گرم کند و طعام بگوارد و مثانه را قوی کند
و قوت باه بیفزاید هلیله کابلی هلیله آمله
لو رمدان لهاسه شطرج شقاقل از هر یک جزوی
تودری سرخ تودری سفید بهمن سرخ بهمن سفید
لسان العصافیر از هر یک نیم جزو این ادویه را کوفته و بیخته در روغن
گاو چرب کرده با انگبین سرشتند آمیخته کنند و از آن حرارت
مزاج گرمست و خشک در یکدرجه و نیم
نافعست سوء هضم و درد معده را خصوصاً استرخای
معده و مثانه را و باه را زیاده کند هلیله
سیاه مقشر شش درم هلیله آمله تخم کرفس حب بلسان شطرج
هندی نانخواه صعتر فارسی از هر کدام یک اوقیه
سنبل حماما سبل وج از هر یک سه درم دارچینی
چهار درم فلفل سفید فلفل سیاه نارمشک نمک
هندی از هر یک نیم اوقیه خبث الحدید سه اوقیه

خردل قرفه از هر کدام یک اوقیه و نیم نوشادر نیم
درم اجزا را کوفته و بیخته و بروغن بادام چرب کرده
بعسل کف گرفته بقدر کفایت معجون سازند شربتی یک
مثقال این نسخه بیست جزو است وزن آن یکصد و هفتاد و
دو درم و نیم مزاج گرمست در دو درجه و نیم
خشکست در آخر درجه سیوم که طبع را
نرم دارد و معده را از بلغم و صفرا پاک کند
هلیله زرد هلیله کابلی بلیله آمله از هر یک
ده درم اصل السوس پنج درم تربد بسفایج بیست درم
زنجبیل شیطرج از هر یک سه درم شاهترج ده درم
گل سرخ پنج درم با انگبین مصفا بسرشند شربتی
از چهار درم تا پنج درم این ترکیب ده جزو است
وزن آن نود و هشت درم مزاج گرمست
در اول درجه دوم خشکست در آخر درجه دوم
هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی سی درم
بلیله آمله

بلیله آمله از هر یک بیست درم شاهترج یازده درم
سنای مکی ده درم گل سرخ یک استرانیسون
مصطکی از هر یک پنج درم اجزا را بروغن بادام چرب
کنند و با انگبین بسرشند اگر رطوبتی باشد شش درم تربد
با آن یار کنند و اگر سقمونیا بقدر حاجت با آن یار کنند
اسهال بیشتر کند این نسخه نه جزو است وزن آن یکصد و
پنجاه و یک درم مزاج گرمست در اول درجه اول
خشکست در آخر درجه دوم
هلیله
سیاه هلیله کابلی بلیله آمله زنجبیل کنجد مقشر شکر
اجزا مساوی یکدیگر بروغن گاو چرب کنند
و با انگبین مصفا بسرشند این نسخه هفت جزو است
مزاج گرمست و خشک در آخر درجه اول
هلیله کابلی بیست درم بلیله آمله از
هر یک ده درم سنای مکی افتیمون تربد از هر یک
پنج درم شیطرج سه درم بسفایج یکدرم انیسون

امیسون نمک نفطی از هریک دو درم با انگبین مصفا
بسرشته شربتی چهار درم این حب ده جزوست
وزن آن شصت و سه درم مزاج گرمست در اول
درجه دوم خشکست در آخر درجه دوم
هلیله سیاه یازده درم هلیله آمله تربد از هریک
هفت درم افتیمون ده درم بسفایج اسطوخودوس
سنا مکی از هریک پنج درم شیطرج زرنباد غاریقون
از هریک سه درم انیسون مصطکی خیربوا قرنفل
قرفه سنبل جوز بوا از هریک دو درم نوشادر
سه درم غدد خشک کرده که بر گردن گوسفند
باشند شربتی پنج درم این نسخه بیست جزوست
وزن آن نود و دو درم مزاج گرمست در یک درجه
و سه ربع خشکست در اول درجه سیوم
هلیله کابلی هلیله آمله اجزا مساوی مقل مساوی
همه داروها مقل را باب کنند تا حل کنند و بانکبین

مصفا

مصفا بسرشته شربتی چهار درم این نسخه چهار
جزوست مزاج گرمست در اول درجه دوم خشکست
در آخر درجه دوم   هلیله کالے
بیست درم هلیله آمله از هریک ده درم زنگ
یازده درم شیطرج سعد زنجبیل از هریک سه درم
سادج پنج درم بسفایج اسطوخودوس از هریک
هفت درم غاریقون شش درم قسط سه درم
کندر مصطکی قرنفل خیربوا انیسون از هریک دو درم
فلفل دارفلفل نارمشک از هریک چهار درم
با انگبین مصفا بسرشته شربتی سه درم تا چهار درم
این حب بیست جزوست وزن آن یکصد چهارده
درم مزاج گرمست در یک درجه و سه ربع خشکست
در اول درجه سیوم   خداوند صداع
گرم را سود دارد و بخارها از سر باز دارد
هلیله کابلی هلیله آمله کشنیز خشک از هر یکی

جزوی همه را بکوبند و بروغن بادام چرب کنند
و بخمش بسرشند و بعضی کشنیز مساوی همه بلیلها کنند
شربتی یکمثقال تا دو مثقال صاحب اختیارات میگوید
که باید ور ابادو بعسل بسرشند بنابران مزاجش
سرد خواهد بود در نصف درجه اول و خشک خواهد بود
در اخر سه درجه و اگر با کشمش بسرشند سرد خواهد بود
در یک درجه و خشک در اول درجه سیوم
حب القرع را سود دارد   بزنگ
کابلی ده درم ترید حب السنبل قسط تلخ از هر یکی پنج درم
قنبیل ترمس فنین و می افتیمون شیح ارمنی ملح
هندی خردل سفید تخم حنظل سعد راسن خشک
از هر یک نیم استار انجبین مصفا بسرشند شربتی
از دو درم تا چهار درم این نسخه چهار ده گرم بود
و چهار دانگ مزاج گرمست خشک در اول
درجه سیوم   خداوند عرق مدنی را
سود دارد   بلیله کابلی بلیله امله ترید زنجبیل
قنبیل اجزا مساوی یکدیگر فانید مثل اجزا و با عسل کف
گرفته بسرشند و ده روز بیابی بپوشند این نسخه شش
جزو است مزاج گرمست در اول درجه دوم خشکست
در آخران   نافعست او جاع بواسیر
و استرخاء مثانه و معده و باه را زیاده میکنید و تسخین
معده نماید   بلیله سیاه بلیله شیرا مله تر وج الهوی
شیطرج هندی تخم کرفس بانخواه صعتر فارسی از هر کدام
یک اوقیه سنبل الطیب حماما هیل وج از هر یک
سه درم دارچینی چهار درم فلفل دارفلفل نانخواه نمک
نمک هندی از هر یک نیم اوقیه خردل یک اوقیه
و نیم نوشادر نیم درم خبث الحدید سه درم عسل
و روغن کاو انقدر که کفایت باشد این نسخه بیست جزو است
وزن انضد و سی و دو درم مزاج گرمست در
اول درجه سیوم خشکست در دو درجه و نیم

نافعست استرخای معده و رطوبت ازا
و ریاح ابواسیر را و زنگ روی را نیکو کرداند
هلیله کابلی شیر امله بلیله منزوع النوی اجزا مساوی
یکدیگر بروغن گاو چرب کرده بعسل مصفا بسرشند
این نسخه سه جزوست مزاج سرد است در ربع درجه
خشکست در آخر دو درجه پوست هلیله پوست
بلیله زرد امله مقشر اسطوخودوس افتیمون بسفایج
از هر یک ده درم مقل فلوس خیارشنبر از هر یک
سی درم با انگبین مصفا بسرشند مقل و خیارشنبر
در آب حل کرده و عسل کف گرفته بر سر آن و باقی
ادویه بهم بسرشند این ترکیب هشت جزوست وزن
آن یکصد و بیست درم مزاج گرمست در یکدرجه
و نیم خشکست در اول درجه سیوم منقول
از اختیارات هلیله زرد چهل درم هلیله
کابلی سی درم بلیله آمله از هر یک ده درم سنا

مکی

سنا مکی ده درم شاهترج سی درم ریوند چینی چوب کبر
از هر یک دو درم مجموع اجزا کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کرده بوزن ادویه شش بار بسرشند شربتی از مثقال
تا چهار درم این نسخه هشت جزوست وزن آن یکصد و سی
و چهار درم مزاج گرمست در یکدرجه و نیم خشکست
در آخر دو درجه نافعست استرخای معده
و باد بواسیر که در درون باشد و باه را قوت دهد
هلیله سیاه بلیله امله دار فلفل فلفل از هر یک سه جزو
زنجبیل نوزیدان شیر امله آمله شیر امله شیطرج هندی سقاقل
و در نسخه دیگر یافت شده ببابه از هر کدام یک جزو
تودری سفید تودری سرخ لسان العصافیر تخم انار
بری که از آن حب القلقل گویند نخود مقشر شکر طبرزد
از هر یک دو جزو و همین نسخ پیش از هر یک نیم جزو
بعسل کف گرفته بسرشند این ترکیب نوزده جزوست
مزاج گرمست در آخر درجه دوم خشکست در یکدرجه نیم

صاحب ذخیره میگوید که اهل یونان
ایارج داروی مسهل را گفته اند و در تفسیر ایارج داروی
الهی است و این نام داروی مسهل را از بهر آن نهاده اند
اسهال داروی مسهل بجرم او نیست بلکه بقوت است
آن قوت الهی است از بهر آنکه طبیعت در اخلاط آن
مسخر قوت دارو شوند تا اثر و فعل وی پدید آید
و نخستین مسهل معروف ایارج روفس بوده است
پس در کار مسهلهای دیگر می ساخته اند و ایارج
نام می نهاده و ایارج از بهر آن می ساختند که از
داروهای مسهل چون ابخرانی و تخم حنظل می ترسیدند
و هر وقت خواستند که استفراغ کنند داروهای
مسهل را با داروهای دیگر که بعضی مصلح است و بعضی
پادزهر آن و بعضی بدرقه ترکیب کردند پس تدریج
داروی مسهل کشند و طبیخ آن را دادند با داروی
که مصلح آن باشد و باخر دلیر شده اند و حبها

ساختند

ساختند و از ساختن ایارج و بسیاری داروهای آن
مستغنی شدند اما شربت ایارجات چهار مثقال ادا انز
و لحیی حنک که از املح العجین گویند با آن ترکیب میکردند
و با طبیخ افتیمون میدادند و افتیمون
چهار درم سوید از بیرون کرده ده درم هلیله سیاه
هفت درم اسطوخودوس سه درم اندرکین و نیم آب
بپزند تا دو بهره برود و یک بهره بماند بعد از آن پالایند
و ایارج اندر وی گدازند و بدهند و سه روز از آن
از پس استفراغ زیرباج فرموده اند و شربت مجموع
و ایارجات بدین ترتیب داده اند این نسخه چهار
جزو است و زن آن بیست و چهار درم مزاج گرم است
در آخر درجه اول خشک است در آخر درجه همه
بیماریهای بلغمی و سودائی را و داء الثعلب را سود دارد
تخم حنظل بیست مثقال کماذریوس ده مثقال
غاریقون ده مثقال سکبینج جاوشیر از هر یک
هشت مثقال خطراسالیون فلفل سفید فلفل سیاه

زراوند مدحرج از هر یکی پنج مثقال دارچینی سلیخه
اسطوخودوس زعفران جعده مر از هر یکی چهار
مثقال صمغها حل کنند و همه را با انگبین مصفا برشنند
شربتی چهار مثقال با طبیخ افتیمون و در بعضی نسخ و
سلیخه و اسطوخودوس از هر یکی هشت مثقال
کرده اند این نسخه پانزده جزو است وزن ان
یکصد مثقال مزاج گرمست در دو درجه و نیم خشکست
در دو درجه و ربع   ازرشتا بورین
مسهل   شحم الحنظل بیست درم صبر پنجدرم
خولنجان ده درم کمادریوس بیست درم سکبینج
جاوشیر از هر یکی هشت درم زراوند مدحرج فطر
اسالیون فلفل سفید فلفل سیاه از هر یکی پنجدرم
سنبل سلیخه دارچینی زعفران زنجبیل مر جعده از هر یک
دو درم با انگبین مصفا برشنند و در نسخه صبهار حب
این سه جزو اضافه است کمافیطوس غاریقون
فراسیون از هر یکی ده درم این نسخه هجده جزو است

وزن ان یکصد و پنجدرم مزاج گرم و خشکست در دو درجه
و نیم   نسخه معروف این داروی است
مبارک منفعت ان بسیار است ماوبتهای بد از قعر
تن بکشید و اسهال او صریح باشد همه بیماریهای سرد و دیوانگی
و صرع و کزاز و فالج و استرخا و سکته را ببرد و معده را
پاک کند و سده را بگشاید و خفقان ببرد و آورد دوی نیکی
نفس را ببرد و همه بیماریهای بلغمی را که از بلغم خام تولد کند
ببرد و بیماریهای مختلف را و همه بیماریهای سوداوی و وجع
مفاصل را و نقرس و عرق النسا را و داء الثعلب را و
ریشهای کهن را که بر سر باشد و بهق و برص و قوبا و تقشر
و جذام و خنازیر و همه ماهیهای سرد و سرطان را ببرد
شحم حنظل پنجدرم بصل الفار مشوی غاریقون
سقمونیا خربق اشق اسقوردیون از هر یکی چهار درم
افتیمون کمادریوس مقل صبر از هر یکی سه درم
حاشا هیوفاریقون سادج هندی فراسیون جعده
سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه دار فلفل دارچینی

زعفران بسفایج سکبینج جاوشیر جندبیدستر فطراسالیون
مرزنجوش زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون سنبل حماما
زنجبیل از هر یکی دو درم خطبیانا اسطوخودوس از
هر کدام یکدرم و نیم با انگبین مصفا بسرشند چنانکه رسمست
شربتی چهار مثقال با یکدرم ملح النفط پس از شش ماه اندر
طبیخ افتیمون این نسخه سی و شش جزوست وزن آن
نود درم مزاج گرمست و خشک در دو درجه و نیم
این نسخه تصرفی است که استاد احمد فرج
کرده و تصرفی نیکوست شحم حنظل یازده درم
بصل الفار مشوی هشت درم غاریقون ده درم
سقمونیا یازده درم خربق سیاه ده درم اشق
ده درم اسقوردیون پنجدرم افتیمون ده درم
کمادریوس هفت درم مقل هشت درم صبر یازده درم
حاشا دو درم بسفایج هفت درم سادج
هندی دو درم فراسیون هفت درم جعده ده درم
سلیخه هفت درم فلفل سفید فلفل سیاه دار فلفل

زعفران

زعفران از هر یکی چهار درم دارچینی مر فطراسالیون
از هر یکی چهار درم جاوشیر عصاره افسنتین از هر یک
پنجدرم بسفایج هشت درم جندبیدستر زراوند طویل
سنبل زنجبیل حطبیانا از هر یکی سه درم فرفیون دو درم
حماما دو درم اسطوخودوس پنجدرم با انگبین مصفا بسرشند
چنانکه رسمست این نسخه سی و پنج جزوست وزن آن
دویست و پنجدرم مزاج گرمست در دو درجه و نیم
خشکست در دو درجه و ربع نسخه معروف
همه بیماریهای بلغمی و سودایی را و خلطهای غلیظ
و خام را سود دارد و ابتداء آب فرود آمدن
بچشم باز دارد و درد گلو و تنگی نفس و گرفتگی
آواز ببرد خداوند درد معده و درد شکم و رحم
را اندر طبیخ سداب سود دارد خاصه اگر سه
قیراط جندبیدستر بروی زیادت کنند و خداوند
درد پشت و کلیه و خصیه را در طبیخ کرفس سود دارد

وخداوند عرق النسا را و طبیخ قنطوریون سود دارد
خاصه اگر چهار قیراط عصاره قثاء الحمار بادی
ترکیب کنند و اندر آب مقیوم هم سود دارد کسی را
که سگ دیوانه گزیده باشد با یک درم سرطان
نهری محرق بدیت سود دارد و خداوند حب
و قوبا را اندر طبیخ شاهتره سود دارد شحم
حنظل بیست و دو درم فراسیون اسطوخودوس
خربق سیاه کمادریوس سقمونیا فلفل سفید دار فلفل
از هر یکی ده درم اوقیه بصل الفار مشوی فرفیون صبر
زعفران خطیا نافطراسالیون اشق جاوشیر از هر یکی
یک اوقیه جعده دار چینی سکبینج و سنبل دخر
یودنه کوهی زراوند مدحرج از هر یکی دو درم
با انگبین مصفا برشته چنانکه رسمست شربتی چهار
مثقال در نسخه صهار بخت کمادریوس ست این
نسخه بیست و چهار جزو است وزن آن دو دست

و هفتاد و سه درم

و هفتاد و سه درم و چهار دانگ مزاج گرمست
و خشکست در آخر درجه سیوم
منافع این ترکیب از منافع لوغاذیا و ثیادریطوس
تمامتر است و لطیف تر خداوند لقوه و فالج
و تشنج و خداوند استرخای مثانه را سود دارد
و بول آمدن بی مراد باز دارد و خلطهای غلیظ
و لزج از بن پاک کند شحم حنظل غاریقون
بصل الفار مشوی اشق سقمونیا خربق سیاه سیوفا زعفران
فرفیون از هر یکی شانزده درم بنجانج افتیمون
مقل کمادریوس سلیخه از هر یک هشت درم سکبینج
زراوند طویل زراوند مدحرج فلفل سفید فلفل
سیاه دار فلفل دار چینی جاوشیر جندبیدستر
فطراسالیون از هر یک چهار درم و بعضی طبیبان
زعفران و صبر از هر یکی چهار درم اضافه کرده اند
اجزا را بکوبند و با انگبین مصفا برشته شربتی
پس از شش ماه چهار درم و اندر بعضی نسخها فراسیون

آورده اند وزن اما این ایارج افتیمون و مقل و کمادریوس

وسلیخه و فراسیون نه درم کرده اند این نسخه بیست و

چهار جزو است و وزن اما دویست و هفت درم

مزاج گرم و خشک است در دو درجه و نیم   بزرگ

نام این ترکیب نام ملکی است که این ترکیب در عهد

وی ساخته شد و از داروهای شریف و قدیم است

پیش از عهد جالینوس ساخته اند همه انواع سوء المزاج

را که از سردی و تری بود سود دارد و قولنج بگشاید

و اسهال بی رنج کند و حیض فرود آورد و دوار و سرگرانی

زایل کند و برص و جذام و استسقایی که از سردی

و ضعف جگر باشد باز دارد و درد معده و جگر

و جگر و سپرز و کلیه و رحم را سود دارد و خداوند

صرع را چند یک عدسی به آب شقایق حل کنند و اندر

بینی چکانند و خداوند لقوه را همچنین سود دارد شربتی

چهار مثقال اندر طبیخ افتیمون و غاریقون [illegible]

صبر اسقوطری یازده درم غاریقون

بیست درم زعفران دارچینی وج اذخر کبابه مصطکی از هر یک

سه درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان حب بلسان فرفیون

فلفل سفید فلفل سیاه جنطیانای رومی فقاح اذخر   دار فلفل

از هر یکی دو درم قسط تلخ کمادریوس افتیمون از هر یک

چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش درم

سنبل سه درم و نیم حماما مو از هر یک یکدرم با انگبین

بسرشند این ترکیب بیست و پنج جزو است وزن آن

یکصد و سه درم مزاج گرم است و خشک در اول

درجه سیوم   خربق سیاه یکدرم تخم حنظل

یکمثقال ملح هندی یکدرم غاریقون دو مثقال حجر

ارمنی نیم مثقال گل سرخ یکدرم فلفل سفید یکمثقال

زنجبیل دو مثقال وج حماما اسارون حب بلسان

حاشا صعتر بزر کرفس دوقو تخم کرفس تخم گزر

از هر یک سه درم لسان الثور ده درم تخم شاهسفرم

تخم [illegible] تخم بادرنجبویه از هر یک دو درم

تخم اترج چهار درم تخم نعناع خشک دو درم افتیمون
یکدرم ونیم بانگبین مصفا بسرشند وبعد از شش ماه
استعمال نمایند این ترکیب بیست وپنج جزو است وزن آن
هفتاد درم مزاج گرمست وخشک در آخر یکدرجه
فیقرا بلغت یونانی تلخست چون اصل این ایارج
صبر است فیقرا بدان سبب خوانندش واین جزوهاست
سنبل سلیخه مصطکی دارچینی اسارون حب
بلسان عود بلسان زعفران از هر یکی جزوی طبرسقوطری
دو مثقال دارد یا کنند شربتی دو درم نسخه معروف
[ونه جزوداشت] اینست چنانکه مذکور شد مزاج گرم وخشکست در اول
درجه سیوم واطبا از بهر بیماری تصرفی کرده اند چیزی به
درافزوده اند وبعضی دارو ها را مبادله کرده اند اما دارچینی
از لطافت نافع جشاست ومصطکی از بهر نفع معده است
سلیخه وزعفران از جهت بازاندن اخلاط است
واز جهت قوت دل ومعده اما حدا ونه صدا از کرما

را زعفران کمتر کنند ویا بعوض آن گل سرخ کنند
وهمچنین از جهت خداوند غشیان قی زعفران نشاید
کرد عوض آن گل کنند واسارون برای اسهال باری
دهد ورطوبتها را دفع کند وحب البلسان سود دارد
وگاه باشد که بعوض اسارون کبابه کنند از جهت
لطافت آن وحب بلسان وعود بلسان معده را
قوت دهد وتحلیل کند وبعضی طبیبان فقاح اذخر
اندر افزایند تا پیچ که از صبر افتد باز دارد وبعضی
مردمان ایارج خشک بکار دارند وبعضی بدو مقدار
دارو ها انگبین برسرشتند وانچه با انگبین سرشته باشند اسهال
زودتر کند وشیخ ابوعلی سینا میگوید که من صواب آن بینم
که مقل حل کنند واز اباب مقل ابریشم واقراص
کنم وبعضی صبر مغسول از جهت محرور اکنند تا اسهال
کمتر کنند وکسی را که تب سخت گرم باشد شاید دارد
شیخ میگوید که ایارج فیقرا صبر آن مغسول کرده

کافی اکه تب بوده‌اند مضرتی نرسانید و اسهال
اما ارج اندک باشد و دیر بود و باشد که اسهال
روز دوم کنند و ماده را از اعضاء غذا گیر در جوف
معده و روده‌ها و از جگر تواند که جذب کند و طبوخ تبها
از دماغ نیز فرود آورد و خداوند لقوه و گرانی
زبان و استرخاء اندامها و خداوند اوجاع مفاصل
و خداوند قولنج را سود دارد ارنسخه
یحیی بن ماسویه از جهت خداوند بواسیر و خداوند
تبهای کهن ساخته‌اند و صداع بلغمی و سوداوی را ببرد
مرانیون خطمیا نا قسط قصب الذریره سلیخه
عصاره غافت افسنتین شاهسفرم زعفران جعده از هر کدام
یکدرم حضض عصاره غافت از هر یک سه درم
شربتی یکدرم و نیم این نسخه دوازده جزوست وزن
ان شانزده درم مزاج گرمست در یکدرجه و نیم
خشکست در یکدرجه و سه ربع تبهای

کهن

کهن را زایل کند و جگر و سپرز را پاک کند اسطوخودوس
پنج درم مصطکی سه درم فقاح اذخر عصاره افسنتین عصاره
غافت از هر یکی دو درم و نیم جعده سه درم سنبل دارچینی
اسارون سلیخه عود بلسان حب بلسان زعفران از
هر یک دو درم صبر شش همه داروها این چهار ده جزوست
وزن ان شصت و پنج درم مزاج گرمست و خشک
در اواخر درجه دوم و هو تصر اط الحکیم
خطمیا نا سنبل راوند مدحرج سلیخه دارچینی
قطر اسالیون کمادریوس اسطوخودوس فلفلمون مصطکی
از هر کدام یکدرم مر چهار درم حب البلسان زعفران
از هر کدام یکدرم و نیم و صبر سجیده درم تخم حنظل
شش درم با نگبین مصفا بسرشند این نسخه یازده جزوست
وزن ان چهل و یکدرم مزاج گرم و خشکست در دو درجه رابع
از ابقراط حکیم قثاء الحمار فلفل
سیاه فلفل سفید دار فلفل کمادریوس از هر یک

پنج مثقال زعفران سقمونیا از هر یک دو درم شق
یکدرم با انگبین مصفا ببرشند این نسخه نه جزو است
وزن آن چهل و دو درم و نیم مزاج گرمست در درجه دوم
و سر راه خشکست در دو درجه و نیم
خداوند درد سر و درد چشم را سود دارد
صبر بیست درم هلیله زرد ده درم مصطکی کتیرا
سقمونیا زعفران از هر یک سه درم گل سرخ یکدرم
جمله بکوبند و بیزند و بگلاب ببرشند و حب
کنند شربتی دو درم و نیم این نسخه هفت جزو است
وزن آن چهل و هفت درم مزاج گرمست در یکدرجه
و نیم خشکست در آخر درجه دوم
تن را از بلغم غلیظ و سودا و مادتهای بد پاک
کند هلیله کابلی شش درم ملح هندی افسنتین
رومی غاریقون سقمونیا از هر یک سه درم اسارون
امیسون تخم کرفس از هر یکی دو درم تربد سفید هفت درم

افتیمون

افتیمون پنج درم فیقرا هفت درم قرنفل یکدرم
فانیذ چهار درم فانیذ اندر آب بگدازند و بقوام
آرند و دارو ها کوفته و بیخته بدان ببرشند و حب سازند
هر یک چون فلفل شربتی دو مثقال این نسخه دوازده
جزو است بغیر فانیذ وزن آن چهل و چهار درم
مزاج گرمست در اول درجه سوم خشکست در درجه
نسخه جالینوس خداوند درد سر
و درد چشم را سود دارد و تن از فضول پاک کند
مصطکی عصاره افسنتین صبر سقمونیا تخم حنظل
اجزا مساوی یکدیگر بکوبند و بیزند و باب کرفس
بجوشانند و صافی کنند و دارو ها بدان ببرشند و حب سازند
شربتی از یک مثقال تا یکدرم این نسخه پنج جزو است
مزاج گرمست و خشکست در دو درجه
منقول از منهاج و جوامع نخست اوجاع مفاصل
و نقرس را   قنطوریون باریک

پنج درم تربد سفید مجوف ده درم سورنجان پنج درم
سکبینج چهار درم عاقرقرحا دو درم صبر اسقوطری
شش درم شحم حنظل غاریقون فقاح از هر یک درم
جندبیدستر یکدرم اجزا را کوفته و بیخته باب کرم
حب سازند شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه
ده جزو است وزن آن یکصد و سی و چهار درم
مزاج گرمست و خشک در یکدرجه و ثلث
اخلاط غلیظ را گم کند و سده میگشاید
و نفع میکند وجع مفاصل و خاصره را و بهق و جذام
و داء الفیل را دور می سازند و این حب معروفست
بحب ماهانی   اشق سکبینج جاوشیر مقل
صبر حرمل هلیله شحم حنظل از هر یک هشت درم
شیرم افتیمون فرفیون شیطرج سورنجان از هر یک
چهار درم تربد ده درم جندبیدستر دو درم
سقمونیا سه درم غاریقون دو درم زعفران

سنبل قاقله پنج خطمی سفید مصطکی دارچینی خولنجان از
هر کدام یکدرم صموغ را در آب بخیسانند تا حل شود و
باقی اجزا را کوفته باب صموغ حب سازند این حب
بیست و چهار جزو است وزن آن یکصد و هشت
درم مزاج گرمست در یکدرجه و ربع خشکست در
دو درجه و نیم   نافعست وجع قولنج
و نقرس و درد پشت و زانو را پاک می سازد و بدن را
از خلط غلیظ لزج   مقل سکبینج جاوشیر بزر
حرمل شحم حنظل صبر افتیمون از هر یک ده درم
سقمونیا شش درم دارچینی سنبل زعفران جندبیدستر
دو درم فرفیون یکدرم صموغ را باب کنند تا حل
کنند و باقی اجزا را بآن بسرشند شربتی دو درم
این نسخه سیزده جزو است وزن آن هشتاد و پنج
درم مزاج گرمست در دو درجه و سه ربع خشکست
در دو درجه و نیم   پاک می سازد

خلط غلیظ لزج را از پشت و زانو   سکبینج
اشق جاوشیر مقل ازرق از هر یک ده درم تربد سفید دو درم
شحم حنظل دوازده درم صموغ را حل ساخته اجزا
کوفته و بیخته با آن حب سازند شربتی دو درم با آب
نیم گرم این نسخه منفعت جزو است وزن آن هشتاد و دو
درم مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است
در دو درجه و ربع   نفع میکند وجع مفاصل
و نقرس را و هر دردی که از بلغم خام و صفرا آلوده
باشد و نافع است فالج را   صبر سقطری زرد
منزوع النوی حرمل افتیمون ملتاب تربد اشق جاوشیر
سکبینج مقل الیهود از هر یک چهار درم شحم حنظل سه درم
سقمونیا دو درم حب بلسان دارچینی زعفران
از هر کدام یک درم صموغ را آب کنند تا با آب
کرفس یک روز و یک شب بجوشانند بعد از آن فی
الجمله حل شود و بکوبند چندانکه صموغ چون مرهم شود

پس از آن ادویه را کوفته و بیخته با آن حب سازند که هر دانه
مقدار فلفلی و در سایه خشک کنند شربتی دو درم
در اول شب با آب نیم گرم فرو برند این نسخه باز دارد وقت
وزن آن چهل و یک درم مزاج گرم و خشک است در دو درجه
و نیم   خداوند درد سرین و عرق النسا را
و درد پشت و گردن سود دارد و خلط لزج را دفع
کند   سکبینج اشق مقل جاوشیر افرفیون
از هر کدام یک درم صبر افتیمون غاریقون از هر کدام
یک درم و نیم زراوند مدحرج قنطوریون از هر یک چند
بسباسه از هر یکی دو درم دار فلفل زنجبیل نانخواه
زیره کرمانی انیسون تخم کرفس زعفران از هر یک
چهار دانگ هلیله زرد شورنجان بیخ ماهیزهره
از هر یک دو درم و نیم خردل شیطرج شحم حنظل
عود وج بلیله هندی از هر یک چهار دانگ با آب
کاکنج حل کنند و حب سازند شربتی دو درم این نسخه

پس از آن

بیست و هفت جزو است وزن آن سی و یک درم و چهار
دانگ مزاج گرم و خشک است در آخر دو درجه
هلیله زرد ده درم صبر بیست درم
زنجبیل دو درم فلفل دارفلفل از هر کدام یک درم
خردل سه درم شیطرج ملح هندی شحم حنظل از هر یک
دو درم فانید چهار درم باب کرنب حب سازند
این نسخه ده جزو است وزن آن چهل و هفت درم
مزاج گرم است در آخر دو درجه خشک است در اول
درجه سیوم صبر سورنجان تربد از هر یکی
دو درم شیطرج و حرمل ملح هندی نفطی شحم حنظل
غاریقون بزر سفید سکبینج مقل از هر یکی دو درم
زنجبیل دارفلفل مصطکی فلفل خردل انیسون قسط
نانخواه از هر کدام یک درم افتیمون هلیله سیاه
از هر یک نیم درم باب کرنب و کاکنج حب سازند
شربتی دو درم این نسخه بیست و یک جزو است
وزن

وزن آن شصت و چهار درم مزاج گرم و خشک است در آخر دو
درجه خداوند در جگر و یرقان اسود دارد
صبر عصاره غافت هلیله زرد اجزا متساوی یکی بگیر
باب کرفس حب سازند شربتی دو درم این نسخه
سه جزو است مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در آخر
دو درجه این حب حاد بلغم و سودا
بیرون می آورد و بادی که موجب ضعف هضم باشد
می شکند و در زمستان و تابستان می توان خورد
دارچینی زعفران قسط سنبل حماما
کمادریوس حب البان محلب قرفه غاریقون از هر یک
دو درم قرنفل از هر یک سه درم صبر شانزده درم
در تابستان بگلاب حب سازند و در زمستان
بشیره کرنب شربتی دو درم پیش از طعام و بعد از
یک ساعت غذا باب نخود بخورند این نسخه سیزده جزو است
وزن آن چهل و دو درم مزاج گرم است در اول
درجه سیوم خشک است در آخر درجه دوم

سر را واطراف را پاک می‌سازد و تا هفت اورام را
بعد از خوردن باید که بخواید تا سودا از همه اعضا جذب
تام نماید   صبر سقوطری تخم حنظل از هر یک
هفت مثقال زعفران سنبل دارچینی لسان الثور
حب بلسان اسارون مصطکی افسنتین رومی سقمونیا
ربد از هر کدام یکمثقال سلیخه نیم مثقال اجزا را کوفته
و بیخته با آب نیم گرم حب سازند و در حال حب ساختن
دست را بروغن بادام شیرین چرب سازد و استعمال
این دوا القدر نرم و خشک طبیعت است اقل آن
حب است و اکثر آن یازده و شربت تام دو
درم است در وقت خوابیدن این ترکیب دوازده
جزو است وزن آن بیست و سه مثقال و نیم مزاج گرمست
و خشک در دو درجه و نیم   تبهای بلغمی
و حمله و حمله در دهای بلغمی را برد و سه شربت دفع
بهق سیاه و سفید کرده   هلیله سیاه هلیله
زرد صبر از زوفا مقل سکبینج تخم حنظل از هر یکی

پنج جو وجز دل سفید صعتر فارسی شونیز زیره کرمانی
نمک طبرزد علک رومی از هر یکی جزوی صمغ
را در آب کنند تا حل کنند و دارو ها را بآن سرشته
و حب کنند مقدار فلفلی هر بامداد از مثقالی از آن بخورند
و طعام زیر با خورند این نسخه سیزده جزو است مزاج
گرمست و خشک در آخر دو درجه   طاهر النفع اثبات
در دفع ریاح و صفرا و باد بواسیر و بلغم خام
و بهق و جرب و در زمستان و تابستان توان خورد
هلیله زرد هلیله سیاه هلیله منزوع النوی از
هر یک دوازده مثقال اثلهٔ شش مثقال شطرج هندی
دار فلفل از هر یک پنج مثقال جوز بوا بلح درانی
از هر کدام یک مثقال تربد سفید صبر از هر یک
یکمثقال مجموع اجزا را کوفته و بیخته بروغن بنفشه حب
سازند و در سایه خشک کنند شربتی شش مثقال
نصف شب با آب گرم بنوشند نفع عجیب بران مترتب

خواهد شد این ترکیب ده جزو است وزن آن شصت مثقال
مزاج گرم است در یکدرجه و ثلث خشک است در اخر دو درجه
نفع میدهد بدبو را از بلغم و مره صفرا و مره
سودا و همچنین سر را هم نفع میدهد هرگاه که در سر یکی
از این فضلها باشد و میکشد بلغمت زبان را که از این
فضلها بهم رسیده باشد و نفع میدهد معده را و پاک
میسازد و نفع میدهد جگر را تقویت آن میکند و نفع
میدهد بلیله را و تبهای کهنه را و ساکن میگرداند جمیع
اخلاط را شفا میدهد انواع قروح و جرب را
و کسی که بواسیر داشته باشد و محتاج بخوردن این حب
شود باید که ابهام سبابه را بروغن شیرین چرب سازد
و حبوب را بان دو انگشت چرب کند و بخورد
چون چنین کند ضرر نخواهد کرد ، ایارج فیقرا
بیست و چهار درم هلیله سیاه هلیله زرد از هر یک
شش درم مصطکی افتیمون عصاره غافت عصاره

افسنتین

افسنتین از هر یک دو درم گل سرخ چهار درم ... را
کوفته و بیخته و با آب حب سازد مقدار فلفلی شربتی
دو درم تا یکدرم و نیم چون دو ساعت از اول شب
بگذرد پیش از خوابیدن بخورد و بخوابد در شب دو سه
مرتبه اطلاق واقع میشود و باقی عمل در روز
خواهد بود این نسخه هشت جزو است وزن آن
چهل و هشت درم مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است
در دو درجه و ثلث   خداوند درد زانو
و درد سرین و تهیگاه را سود دارد
تخم کرفس نانخواه سعتر از هر کدام یکدرم سکبینج و مقل
از هر یک دو درم ایارج فیقرا ده درم شحم
حنظل غاریقون از هر کدام یکدرم تربد شش درم
شربتی دو درم با آب نیم گرم این نسخه هشت جزو است
وزن آن شانزده درم مزاج گرم است و خشک
در اخر دو درجه   خداوند قولنج و بیماریهای

که از باد بود خاصه غلیظ سود دارد و حیض بگشاید

و فرود آورد   سکبینج صبر تخم کرفس از هر یک

هلیله زرد از هر یکی پنج درم تربد بیست درم شحم حنظل

سه درم سقمونیا دو درم شربتی از دو درم تا سه درم

این نسخه هشت جزو است وزن آن پنجاه درم مزاج

گرم است و خشک در اول درجه سوم

قولنج را بگشاید   سکبینج شحم حنظل از هر یک ده درم

سقمونیا سه درم و دو دانگ با آب سداب حب

کنند شربتی از یک درم تا یک مثقال این نسخه سه جزو است

وزن آن بیست و سه درم و دو دانگ مزاج گرم است

و خشک در آخر سه درجه   بیماریهای بلغمی

و فالج و لقوه را و اوجاع مفاصل را ببرد

سکبینج اشق مقل جاوشیر تخم حنظل از هر یکی ده درم

زنجبیل فلفل دارفلفل شیطرج نانخواه جند بیدستر

از هر یکی دو درم هلیله کابلی هلیله اهلیله از هر یک

سه درم

سه درم تربد پنج درم سقمونیا پنج درم زعفران دو درم

سورنجان سه درم صبر بیست درم با آب کنند حب

کنند شربتی از دو درم تا سه درم این ترکیب نوزده

جزو است وزن آن صد و شش درم مزاج گرم است

در آخر دو درجه خشک است در اول درجه سوم

کبیل دارفلفل سعد برنگ کابلی شیح

مقل قنبیل نمک هندی از هر یک پنج درم ترمس

هفت درم شیح ده درم تربد سفید یازده درم قسط

مر از هر یک هفت درم شربتی پنج درم با آب راس

این نسخه ده جزو است وزن آن هفتاد و یک درم مزاج

مزاج گرم است و خشک در اول درجه سوم

تربد قنبیل بوزنه خشک برنگ کابلی کبیل دارد از هر یک

ده درم تربد زرد ده درم قردمانا هشت درم شربتی

سه درم تا پنج درم با طبیخ شیح یا ناسرکه و سیر

این نسخه هفت جزو است وزن آن شصت و شش درم

مزاج گرمست و خشک در آخر دو درجه خداوند
گر و خارش را سود دارد صبر یک درم هلیله
زرد یک درم سقمونیا یک دانگ و نیم گل سرخ یک دانگ
کتیرا نیم دانگ آب کاشنی یا آب شاهتره حب
کنند و این یک شربتست این نسخه پنج جزوست وزن
آن دو درم و سه دانگ و نیم مزاج گرمست در یک درجه
و نیم خشکست در آخر دو درجه خداوندان استسقاء
زقی را سود دارد مازریون مدبر نیم درم
و سنبل دو دانگ فرفیون دانگی و نیم سکبینج یک درم ملح
هندی دانگی سرگین کبوتر دانگی این یک شربت قوی است
این نسخه شش جزوست وزن آن دو درم و دو دانگ
و نیم مزاج گرمست در دو درجه و دو ثلث خشکست
در دو درجه و نیم خداوندان استسقاء
زقی را سود دارد ریوند عصاره غافت
تخم کاشنی از هر یک سه درم غاریقون پنج درم

مازریون

و خشک میکند فضول بدن را **اخلاط** به پوست کنده
اندرون از تخم پاک کرده یک رطل عسل کف گرفته
دو رطل زنجبیل دارفلفل از هر یک چهار درم دارچینی
دو درم هیل قاقله زعفران از هر یک سه درم
مصطکی پنج درم سقمونیا ده درم تربد سفید مجوف
سی درم انجرا کوفته و بیخته و به را بیر که انگوری خوب
بپخته بعد از آن از آتش فرو گرفته یک ساعت بگذارند
که رطوبت بالکلیه برود بعد از آن به را خوب
بکوبند و عسل را آهسته طبخ نمایند و اندک حرکت
دهند تا نزدیک بانعقاد شود بعد از آن بهی کوفته
را در آن ریزند و بر هم زنند تا عسل بجمیع اجزای
به رسد و رطوبتش برطرف شود پس از آن از آتش
فرو گرفته ادویه در آن بریزند و بهم زنند تا خوب
بیکدیگر مخلوط سازند پس از آن از آتش فرو گرفته
ادویه در آن ریزند و بر هم زنند تا خوب مخلوط

پس ظرف چینی را بروغن بادام یا روغن شیره چرب کنند
وان معجون را بر سطح آن ریزند و بدست هموار کنند
و دو سه روز بگذارند تا خشک شود و سخت گردد
بعد از ان بکار برند و پارچه پارچه نمایند هر پاره
چهار مثقال و در ظرفی کرده سر از ان ببندند و
در وقت حاجت بکار برند و بعضی از اطبا مشک
دو درم داخل این ترکیب مینمایند این نسخه ده
جزو است بغیر عسل وزن ان یکصد و نود و دو درم
عسل دویست و پنجاه و شش درم مزاج گرمست در یک درجه
و سه ربع خشکست در اول درجه سوم جوارش سفرجلی کهل
سفرجل خوشبو چهار درم فلفل زنجبیل از هر یک
دو دانگ سقمونیا یکدرم با نگبین مصفا سرشته
شربتی یکدرم این نسخه چهار جزو است وزن ان
پنج درم و چهار دانگ مزاج گرمست در دو درجه
ربع خشکست در دو درجه و نیم جوارش سفرجلی مسک

بلعه

طبیعت را ببندد و نفع دهد ضعف معده
و بدی هضم را و رنگ روی را نیکو کند و اند اجزا
سفرجل مقشر عسل کف گرفته از هر یک دو رطل فلفل دراز فلفل
زنجبیل از هر یک پنج درم سنبل هشت درم قاقله
قرنفل سنبل الطیب دارچینی زعفران از هر یک
دو درم بطریقی که در جوارش سفرجلی مسهل مذکور
شد مستعمل نمایند این نسخه ده جزو است بغیر عسل
وزن ان دویست و نود و درم عسل دو رطل که دویست
و پنجاه و هفت درم باشد مزاج گرمست و سه ربع
درجه اول خشکست در یک درجه و سه ربع معجون
سفرجل معمول الصباره سفرجل نافعست بطلان شهوت
را و کسی را که جگر ضعیف باشد و رفع استرخای معده
نماید اخلاط سفرجل زرک بیرون و درون
پاک کرده بکوبند و شیره او بگیرند و قسطار وجی
که چهار صد درم باشد عسل کف گرفته مثل ان

سرکه انگوری یک قسط و نیم که سصد درم باشد
این هر سه را بر سر آتش نرم نرم طبخ نمایند و کف
بگیرند بعد از ان زنجبیل سه اوقیه فلفل سفید دو اوقیه
بکوبند و بیبزند و دران ریزند و بقوام ارند این
نسخه با عسل هیچ جزو است وزن ان یکهزار و صد و
پنجاه و سه درم و نیم مزاج گرمست قریب بسه
ربع درجه خشکست **الصا بسوعض** نسخه دیگر مشتهی
طعام مقوی معده است **اخراکی** عصاره
سفرجل سه رطل سرکه انگوری دو رطل زنجبیل
پنج درم فلفل سفید فلفل سیاه دار فلفل از هر یک
سه درم دارچینی دو درم عود خام سه درم
شربتی مثل فندقی پیش از طعام بنوشند و بعد از دو
ساعت طعام بخورند این نسخه نه جزو است با عسل
وزن ان هزار و چهل و هفت درم مزاج گرمست
در ثلث درجه اول خشکست در اخر دو درجه.

نافع

جوارش هندی نافعست قولنج و درد مفاصل
و نقرس و درد پشت را **اخلاط** سقمونیا ده مثقال
خیربوا قاقله زنجبیل دارچینی قرفه نانخواه مشک [?] قرنفل
فلفل از هر یک پنج مثقال تربد صد مثقال شکر صد
مثقال عسل بقدر حاجت و این جوارش را جوارش
تربدی مانند شربتی از پنج درم تا ده درم این ترکیب
یازده جزو است وزن ان بغیر شکر یکصد و پنجاه
مثقال مزاج گرمست در دو درجه **الصا جوارش**
[?] صاحب ذخیره جوارشهای بسیار باید که این
جوارش جدا اوند قولنج و وجع مفاصل و نقرس
را و جدا اوند ضعیف معده را سود دارد
اخلاط شیطرج هندی سادج هندی از هر یک
چهار درم جوزبوا نانخواه از هر یک دو استار
فلفل دار فلفل از هر یک پنج استار هلیله سیاه
سی استار نارمشک دو استار قرنفل پنج درم

بسباسه چهار درم فانید ده استار شربتی دو درم
بامنید که هنه این نسخه ده جزو است وزن ان ششصد و
هشت درم و دو دانگ مزاج گرمست در اول
درجه سیوم خشکست در دوم درجه و ربع **جوارش الملوکی** این
ترکیب را دو الحسنه نیز گویند حکیمان تمام هر روز
باید خورد و باقی عمر هر گاه که اخذ نماید مفید است
و کسی که بان مداومت نماید باقی منسیماند
در بدنش و دیلا که این ترکیب بر طرف میسازد
اثرا و نمیگذارد که موی سفید شود و این ترکیب را
پادشاهان متقدم استعمال می نموده اند تا نخست
تا صور سیاه و سرخ و سفید را و جمیع سردیها را
و ضربان مفاصل را و حلاهای ابصره میدهد و رنگ را
صاف میکند و قوت جماع میدهد و مطلف
از اصفر رطوبت و کسی که از اشاول نماید باید که
گرسنه نماید **اطریفل** هلیله سیاه بلیله آمله

از هر یک سی و شش مثقال شونیز بیست و چهار مثقال
فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلموییه از هر یک دوازده
مثقال نارمشک قاقله سعد از هر یک دو مثقال
کبابه بلادر از هر یک شش مثقال فانید سحری ششصد
مثقال اجزا را نرم کوفته و بیخته بقانید معجون سازند
و از احب کنند هر یک بمقدار دو مثقال و ربع
و هر روز یکی را ان حب باب سرد فرو برند و در
وقت حب کردن دست را بروغن بیت یا روغن
گاو چرب باید کرد و صاحب منهاج الادویه و
جوامع حب ای گویند که هو سید الادویه بعضی این
ترکیب بهترین تراکیب است در نفع این ترکیب
چهار ده جزو است بغیر فانید وزن ان دویست
و ده مثقال مزاج گرمست در آخر درجه خشکست
در اخر درجه دویم **جوارش مسخر یا** مسهلست و نفع میدهد
نقرس و درد پشت و جمیع امراض بارده را **اجزا**
سقمونیا دار چینی تربد زنجبیل از هر یک

هشت درم فلفل شش درم ترید ده درم دار فلفل
شش درم قاقله قرنفل تخم کرفس نانخواه از هر یک
چهار درم نوشادر نمک سندی از هر یک دو درم
فانید شکر از هر یک بیست درم حلتیت دو درم
نیم مسحوق نمایند سه درم عسل بقدر حاجت شربتی
دو درم تا چهار درم باب نیم گرم این ترکیب
هفده جزو است وزن آن یکصد و نوزده درم
و نیم مزاج گرمست در دو درجه و نیم خشکست
در دو درجه و سه ربع **جوارش کمون** کمون مقشر
زیره کرمانی زنجبیل از هر یک ده درم دار فلفل
فلفل از هر یک پنج درم دارچینی دو درم قاقله
از هر یک سه درم شکر طبرزد فانید از هر یک
شصت درم این نسخه هشت جزو است وزن
آن چهل و هشت درم مزاج گرمست در آخر دو
درجه و نیم خشکست در دو درجه و ربع **ایضا**
کمون بنحوی که صاحب منهاج الادویه

ذکر کرده و از اسفوف جوارش هر کونید نفع میباید
زنان آبستن را دارشیان شهوت بد چون گل و انگشت
خوردن و غیر آن دور مینماید و تقویت معده میکند
و اشتهای طعام می آورد و رنگ روی را نیکو میگرداند
ایضا زرنباد تخم کرفس نانخواه از هر یک دو
درم کندر زدگر سه درم زیره کرمانی دو درم زنجبیل
فلفل دار فلفل هیل قاقله دارچینی از هر یک سه درم
شکر طبرزد یک رطل ادویه را خوب کوفته
و بیخته بشکر معجون سازند این ترکیب دوازده
جزو است وزن آن سی و نه درم شکر طبرزد یک
رطل که یکصد و بیست و هشت درم و نیم است مزاج
گرم است در آخر دو درجه خشکست در یک درجه و نیم
جوارش جوز الخضرا نافعست بواسیر و برد معده و بدی
هضم و نرمی طبیعت را **اجزا** حبة الخضرا اصل بلادر
کمون مقشر از هر یک شش استار شکر طبرزد بیست و چهار

استار هلیله کابلی بلیله آمله منزوع النوی زنجبیل دار
فلفل برنج کابلی ساذج هندی شیطرج از هر یک
چهار درم فلفل مرکوس بسباسه از هر یک دو درم
بعسل و روغن گاو بقدر کفایت معجون سازند و بعد از
ششماه استعمال نمایند شربتی دو درم بروغن گاو
غذای وی ها دام که این ترکیب می خورده باشد
شیر برنج این ترکیب پانزده جزو است وزن آن
سیصد و چهار درم مزاج گرمست در دو درجه و
نیم خشکست در اول درجه سیوم **جوارش زنجبیلی** نافعست
نفخ شکم و معده و بادهای غلیظ را **اخلاط** فلفل
تخم کرفس از هر یک دوازده درم الخدان سیاه
چهار درم فطراسالیون مامیران فوتنج حاشا
سلبالبوس از هر یک هشت درم الخدان سفید
سیزده درم بعسل کف گرفته بسرشتند این نسخه
نه جزو است وزن آن بود دو یک درم مزاج

گرمست و خشک در دو درجه و ربع **نسخه دیگر**
نافعست معده و جگر سرد را و کسی را که جگر صلب
شده باشد و گرده را سود دارد و استسقا را سود
دارد **اخلاط** الخدان سیاه ده درم تخم جرجیر
تخم گندنا از هر یک هشت درم زنجبیل بلیله آمله
از هر یک هشت درم نانخواه تخم کرفس انیسون
قاقله صغار زیره کرمانی دارچینی از هر یک پنج درم
هلیله سیاه هفت درم قرفه هفت درم فلفل دار
فلفل از هر یک چهار درم سنبل دو درم
قرنفل یک درم با نگبین مصفا بسرشتند شربتی
دو درم اندر طبیخ بادیان و انیسون و سنبل مصطکی
این نسخه هیجده جزو است وزن آن یکصد و دو درم
مزاج گرمست دو درجه خشکست در دو درجه و
ربع **جوارش کافور** نافعست ضعف معده و جگر
را و دفع بادهای غلیظ کند و یاری دهد هضم را

اخوا کافور زعفران عود قاقله خیربوا کبابه

کاشم قرفه قرنفل اشنه سنبل بسباسه صندل سفید

فلفل دارفلفل دارچینی شیطرج نارمشک شقاقل

خولنجان جوزبوا زنجبیل سعد فلفلمویه اجزا مساوی یکدیگر

بوزن جمیع ادویه این نسخه بیست وچهار جزو است

مزاج گرمست در اول درجه دوم خشکست در دو درجه

وربع **نسخه دیگر** نافعست بدی هضم وضعف معده

وبلغم غلیظ را **اخلاط** فلفل جوزبوا زنجبیل قرنفل آسیا

دارچینی قرفه باجنست فلفلمون ناقصیر قرنفل

بستانی کافور زعفران ازهریک دو درم

بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه سیزده جزو است

وزن آن بیست وشش درم مزاج گرمست در آخر

درجه اول خشکست در دو درجه ونیم **اخلاط دیگر**

اقوی از اول **اخوا** زنجبیل فلفل دارفلفل دارچینی

قرفه سادج هندی سنبل الطیب شیطرج هندی

جوزبوا صندل حب بلبان قاقله بسباسه قرنفل

نارمشک طالیسفر سعد طباشیر عود هندی ازهریک

نیم اوقیه کافور رباحی مشک تبتی ازهریک دو درم

ونیم شکر طبرزد ده اوقیه ونیم بعسل کف گرفته

القدر که حاجت باشد بسرشند این نسخه بیست ویک

جزو است بغیر شکر وزن ادویه یکصد وهفت درم

شکر ده اوقیه ونیم که یکصد ودوازده درم باشد

مزاج گرمست در یک درجه وربع خشکست در دو

درجه وربع **جوارشن** مقوی معده ومسخن است

بغیر افراط وهضم طعام میکند ونشف رطوبت معده

مینماید **اخلاط** سنبل الطیب سنبل رومی تخم

کرفس انیسون مصطکی ازهرکدام یکدرم عود

سه درم قرنفل دو درم بسباسه دو درم ونیم

قرفه مشک ازهریک دو درم بلیله کابلی

زرنج مشک ازهریک دو درم ونیم جوزبوا

یکدرم و نیم ماحوز سه درم گل سرخ قصب الذریره
از هر یک دو درم همه خمیر کنند شربتی دو مثقال این
ترکیب شانزده چیز است وزن آن سی درم
مزاج گرمست در یکدرجه و ربع و خشکست در آخر
دو درجه **جوارش عود** صنعت شیخ الرئیس
اخلاط عود سه درم کافور ربع درم مشک
ثلث درم بسباسه نارمشک سعد قرنجک زرنب
زرنباد از هر کدام یکمثقال دارچینی مصطکی زنجبیل
فلفل قرنفل از هر یک دو درم لسان الثور
پنج درم تخم رازیانه چشم کرفس درونج سنبل از هر یک
سه درم عسل مصفا سرشند این نسخه نوزده چیز است
وزن آن سی و نه درم و نیم دانگ مزاج گرم
و خشکست در آخر دو درجه **انفع عود** صنعت
شیخ الرئیس **اخلاط** هلیله کابلی دارچینی سلیخه
زعفران فلفل قرنجک زرنباد از هر یک

پنجدرم سعد زرنب سادج هندی قرنفل از هر یک
سه درم عود خام هفت درم عنبر یکمثقال کافور
دو دانگ تربد چهار درم نمک هندی یکدرم
بعسل مصفا یا شکر سرشند این نسخه هجده چیز است
وزن آن شصت و هفت درم مزاج گرمست و خشک
در آخر درجه دوم **جوارش جالینوس** منقول از ذخیره
این جوارش را خاصیت بسیار است معده را
قوت دهد و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند
و بسیاری بول که از سردی مثانه باشد باز دارد
و سرفه بلغمی را ببرد و باه را قوت دهد و لون را
صافی کند و بادهای ناصور و دیوانگی ببرد و درد
سری که از سردی باشد و نقرس و قولنج را
سودمند بود و بواسیر و ریگ گرده را دفع
کند و سیاهی موی را نگاه دارد و هر کس که بیت
نگیرد را استعمال نماید از این بیماریها که ذکر کرده شد

ایمن گردد و بعد از ده روز که ساخته باشد استعمال
توان کرد **افوا** سنبل قرنفل قاقله سلیخه دارچینی
خولنجان زرنباد زعفران فلفل سفید قسط بحری دار فلفل
سعد دعو بلسان حب الآس اسارون قصب
الذریره از هر یکی جزوی مصطکی پنج جزو شکر
مثل جمیع اجزا العسل کف گرفته بسرشند و نیم
نگاه دارند شربتی دو مثقال ناشتا داگر این
طعام ساعتی خورند روا باشند هرچند کهنه تر شود
بهتر باشد این نسخه هجده جزو است با سکر مزاج
گرم و خشک است در آخر درجه **جوارش دارچینی** نافعست
ضعف جگر و معده و کلیه را و اخلاط غلیظ را
پاک سازد و بادهای غلیظ را دور کند **اصلاح**
دارچینی عود راسن از هر یک شش درم
قرنفل فلفل سیاه دار فلفل سنبل اسارون از
هر یک پنج درم زرنباد یک اوقیه نعناع هشت درم
جبر بوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون
تخم رازیانه سلیخه از هر یک سه درم عسل کف
گرفته بسرشند این نسخه شانزده جزو است وزن آن
هفتاد و هفت درم و نیم مزاج گرمست و خشک
در دو درجه و نیم **جوارش هندی** نافعست قولنج و سردی
معده و درد مفاصل و نقرس را **افوا آن** شیطرج
ساذج از هر یک چهار درم جوز بوا نانخواه از
هر یک دو استار فلفل دار فلفل از هر یک پنج استار
زنجبیل پنج استار هلیله سیاه سی استار نارمشک
دو استار قرنفل پنج درم جبر بوا دو استار بسباسه
چهار درم فانید ده استار شربتی دو درم این
ترکیب سیزده جزو است وزن آن چهارصد و
شانزده درم مزاج گرمست در آخر درجه
دوم و خشک در دو درجه و نیم **جوارش کمونی** نافعست
بادهای غلیظ را و طعام بگوارد و اسهال باز
گیرد و خداوند هیضه را سود دارد **اصلاح**

زنجبیل بیست درم صمغ عربی خیربوا از هر یکی ده درم
قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوزبوا بعد
زعفران یک درم نشاسته گندم چهل درم شکر
طبرزد یک رطل بغدادی این نسخه هشت جزو است
وزن آن نود و سه درم شکر یک رطل که یکصد و
بیست و هشت درم و چهار سبع یک درم باشد
مزاج گرمست در یک درجه و نیم خشکست در یک درجه
و سه ربع **جوارش مشک** ضعیفی معده و بادهای که اندر
معده در رود ناپدید آید و بادنا سور و خفقان را
سود دارد **ادویه** مشک تبتی نیم مثقال
خیربوا قاقله قرنفل زنجبیل دارفلفل از هر یکی ده
درم دارچینی سه درم عود هندی یک اوقیه زعفران
دو درم شکر بوزن جمیع ادویه بانگبین بسرشند
شربتی دو درم این نسخه نه جزو است وزن آن
شصت و شش درم و نیم شکر مثل آن مزاج
گرمست و خشک در دو درجه و نیم **جوارش اطریـ**

بادها را بشکند و طعام بگوارد و بوی دهان خوش
کند **اخلاط** پوست ترنج خشک سی درم قرنفل
جوزبوا دارفلفل فلفل خیربوا دارچینی خولنجان
زنجبیل از هر یک یک درم مشک تبتی یک دانگ
و نیم بانگبین مصفا بسرشند چنانکه رسم است
شربتی دو درم این نسخه ده جزو است وزن
سی و هشت و یک دانگ و نیم مزاج گرمست و خشک
در اول درجه سیوم **جوارش قیصر** نافعست قولنج
و سرد بهیار را و اخراج فضلات غلیظ البرج نماید و نفع
دهد نقرس را **اخلاط** دارفلفل زنجبیل هلیله زرد
سقمونیا تربد از هر یک دوازده درم تخم کرفس
نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد از هر یک شش
درم شکر شانزده درم بعسل کف گرفته بسرشند
این نسخه ده جزو است وزن آن با شکر یکصد درم
مزاج گرمست و خشک در دو درجه و نیم
جوارش اسقنقور زیاده کند باه را **ابوالی** تخم

هلیون تخم بار تخم شلغم تخم رطبه تخم کند نا تخم
کرز تخم جرجیر تخم الجزره شاهسفرم حب الخضرا
لسان العصافیر کنجد مقشر تخم زب لو دری سعید
لو دری سرخ حب الصنوبر حب الرشاد از هر یک
سه درم زنجبیل شقاقل خولنجان دار فلفل از
هر یک پنج درم دارچینی جوز بوا بهمن سفید بهمن
سرخ از هر یک دو درم سره شقاقل پنج درم
اسقیل مشوی سه درم فانید بوزن جمیع ادویه
بعسل کف گرفته بسرشند شربتی دو درم بمثلث
یا بماء العسل ناشتا این ترکیب بیست و هفت جزو است
بغیر فانید وزن ان هشتاد و هفت درم فانید
مثل ان مزاج گرمست در دو درجه و ربع
خشکست در یکدرجه و نیم **جوارشی دیگر** نافعست
خفقان را و مقوی معده و هاضم طعامست
و شکم براند **اخلاط** هلیله کابلی یازده درم
طالسفر بخید رم زرنباد درونج سلیخه از هر یک

سه درم

سه درم غاریقون بخید رم مازریون مدبره ده درم
حب کنند چنانکه رسمست شربتی دو درم و نیم این
نسخه پنج جزو است وزن ان بیست و چهار درم
مزاج گرمست در آخر درجه دوم خشکست در
دو درجه و نیم خداوند سل و دق را
سود دارد صمغ کثیرا مغز دانه الخشم
خطمی پاک کرده اند هر یکی سه درم مغز بادام
شیرین سفید کرده باقلای خشک مغز تخم خیار
از هر یکی بخید رم رب سوس سه درم تخم کدوی
شیرین مغز بخید رم نشاسته سه درم تخم خرفه
از هر یک سه درم شکر ده درم جمله را بکوبند
و بلعاب اسقول بسرشند و حب کنند بهین
و پیوسته در دهان میدارند این نسخه دوازده
جزو است بغیر شکر وزن ان چهل و چهار درم
مزاج سرد است در یکدرجه و نیم رطبست در نیم

درجه   حرارت بنشاند و سینه نرم کند و تشنگی
را ببرد   رب سوس ده درم تخم خرفه ده درم
تخم کاهو پنج درم صمغ کتیرا از هر یک هفت درم
مغز بادام شیرین ده درم نشاسته و آرد جو
بجز بحینه از هر یک هفت درم تخم خیار پاک
کرده یازده درم تخم خربزه پوست باز کرده ده درم
تخم خشخاش پنج درم مغز دانه ابی شش درم
شکر طبرزد ده درم بلعاب اسبغول
بسرشند و حب کنند این نسخه دوازده شربت است
بغیر شکر وزن آن یکصد و یک درم مزاج سرد است
در یک درجه و ثلث رطبست در دو ثلث درجه
اندر تبهای گرم و اندر سفر در دهان گیرند
تشنگی بنشاند خاصه اگر با رب لیمو و رب
غوره و رب نار دانه آن بسرشند
تخم خیار مقشر تخم کدوی مقشر تخم خرفه

پاک

پاک کرده از هر یکی جزوی تخم کاهو نیم جزو
و رب سوس نیم جزو همه را بکوبند و بلعاب اسبغول
بسرشند و با آب برگ خرفه و حب کنند و در سایه
خشک کنند و باز بکوبند و برب میوه بسرشند
این نسخه صحیح خود است مزاج سرد است در دو درجه
و ربع رطبست در دو درجه   که تشنت
بیقرار دارد ببرد و سینه را از خلط غلیظ پاک
کند   مسعه آر یک درم کندر دو درم رب
سوس یک درم افیون یک دانگ و نیم حب کنند هر
یکی دانگی شب اندر دهان نهند این نسخه چهار
جزو است وزن آن چهار درم و یک دانگ
و نیم مزاج گرمست در آخر یک درجه خشکست در
یک درجه و ربع   از بهر سرفه که شب
بیقرار دارد سود دارد   رب

السوس هر یکی نیم درم فلفل و قردمانا و مغز بادام تلخ از
هر یکی دو درم حلتیت دو درم بماء العسل
بسرشند و حب کنند این نسخه شش جزو است
وزن آن پانزده درم مزاج گرمست و خشک
در اول دو درجه   قرصه حب بیدستر افیون
راستا است حب کنند مقدار فلفلی شربتی
هفت حب باب سرد و کودک را دو حب تا سه
تا پنج حب بقوت او نگاه کنند و سال وی این
نسخه سه جزو است مزاج گرمست در سیم درجه
خشکست در دو درجه و نیم
مازو ثمرة الطرفا افیون راستا است جمله
بکوبند و باب صمغ بسرشند و حب کنند
شربتی دو دانگ این نسخه سه جزو است مزاج
سرد است در دو درجه و ثلث خشکست در دو درجه

دو ثلث

و دو ثلث   افیون جوز بوی اقاقیا دو جزو
و ثمرة الطرفا سماق حب الآس از هر یکی چهار
جزو جمله را بکوبند و برب آبی بسرشند شربتی
یک درم این نسخه پنج جزو است مزاج سرد است
در اول دو درجه خشکست در یک درجه و نیم
جوز بوا قاقله و قرنفل
دارچینی خولنجان از هر کدام یک درم کافور نیم دانگ
مشک دو دانگ حبها کنند چون نخود و اندکی
بزرگتر و پیوسته اندر دهان نگاه دارند
و اگر اندرین حب تخم خشک و کبابه و زنجبیل
و بسباسه در افزایند صواب باشد و اگر یک
مازوی بی سوراخ و نیم درم کتیرا بنهند
در افزایند صواب باشد رطوبتها کم کند
اصل این نسخه هشت جزو است وزن آن
شش درم دانگی مزاج سرد است در سه ربع درجه

خشکست در دو درجه و سه ربع و در منهاج الادویه
این نسخه را باین طریق ذکر کرده جوز بوا قاقله
قرنفل کافور دارچینی فوفل از هر کدام یکدرم
مشک دو دانگ پوست ترنج کباره بسباسه
از هر یک یکمثقال سعد دو درم اجزا کوفته
و بیخته و مشک را علیحده کوفته بعد ازان داخل
اجزا نموده بگلاب یا باب حب سازند و در دهن
گیرند این نسخه دوازده جزوست وزن آن
چهارده درم تخمینا مزاج گرمست در ثلث
درجه اول خشکست در دو درجه و نیم
خداوند فالج و لقوه و نقرس و قولنج و بیماریهای
بلغمی را سود دارد و بادهای غلیظ را بشکند
هلیله زرد صبر تخم حنظل با مغز بهره ۱۸ سغند
جند بیدستر انزروت اشق مقل سکبینج جاوشیر
صمغ سداب نفط غفیه از هر یک نیمدرم صمغ را بنفط

حل کنند

حل کنند و داروهای کوفته بدان بسرشند و حب
کنند شربتی دو درم و نیم باب گرم این نسخه سیزده
جزوست وزن آن شصت و نیمدرم مزاج گرمست
در اول درجه دوم خشکست در آخر درجه دوم
این داروییست که طبیبان با تقدم
مبارک داشتند و منافع آن بسیارست معده
ضعیف را که فضلها می پذیرد و از دیگر اندامها
بدو می آید قوت دهد تا آن فضله را دفع کند و
از وجع ترش را باطل کند و خوردن وی پیشانی طلا
کنند کردن با سرکه درد سر را بنشاند و نزلها باز
دارد و بار زدیا وی بسرشند و بدندان
که خورده شده باشد اندر نهند سود دارد
و بگوش اندر چکانند باب مرزنگوش درد گوش بنشاند
و سرفه کهن را و خون بر آمدن که بسرفه برآید

سود دارد و خداوند تبهای کهن را با آب
مرزنگوش بدهند تب زایل کند و کسی را که جانوری
زهرناک گزیده باشد یا زهری داده باشند
با شراب انی بدهند یا آب سداب و اگر با شراب
انی بدهند اسهال خون باز دارد و ریش
روده‌ها را که از بلغم شور بود و ریش مثانه را سود دارد
و اگر با سکنجبین غرغره کنند خناق بلغمی باز دارد
مر صافی جندبیدستر سنبل سلیخه گل مختوم
پوست بیخ لفاح از هر یکی چهار درم از هر چهار درم
افیون زعفران قسط تلخ کوکب الارض که ازا طلق
گویند از هر یک پنج درم خشخاش سفید هفت درم
دوقو انیسون سیسالیوس بزر البنج میعه تر
تخم کرفس از هر یکی هشت درم میعه و افیون را بشراب
ریحانی حل کنند و داروهای خشک بکوبند
و بیزند و بدان بسرشند و اقراص کنند هر یک

پنج درم

نیم درم و در سایه خشک کنند و از پس شش ماه
بکار دارند و اندر بعضی نسخها کوکب الارض
چهار درم هست این نسخه هفده جزو است
وزن آن نود و نه درم مزاج گرمست در ثلث
درجه اول خشکست در دو درجه و ثلث
نسخه معروف خداوند درد معده را سود دارد
و رطوبتهای معده را بزداید و بیماریهای بلغمی را
ببرد   برگ گل سرخ شش درم سنبل
اصل السوس از هر یکی ده درم بثلث بسرشند
و اقراص کنند و در سایه خشک کنند شربتی
دو درم با سکنجبین ساده یا بزوری این نسخه
سه جزو است وزن آن چهل درم مزاج گرمست
در نیم درجه خشکست در سه ربع درجه   اسهال
صفرا کند   گل سرخ ده درم رب سوس
پنج درم سنبل سه درم سقمونیا سه درم مصطکی ده درم

بسرشند و قرص کنند شربتی دو درم و نیم این نسخه
پنج جزو است وزن ان بیست و سه درم مزاج سرد است
در دو درجه خشکست در دو درجه و ثلث
تب گرم را و درد معده که از گرمی بود سود دارد
و تشنگی بنشاند و خداوند یرقان را سود دارد
زرشک دانه بیرون کرده طباشیر گل سرخ
از هر یک هفت درم تخم کوکب تخم کاسنی از هر یک
سه درم مغز تخم خیار مغز تخم کدوی شیرین از هر یکی
پنج درم صندل سفید دو درم کتیرا سه درم رب
سوس دو درم کافور یک درم بلعاب اسبغول بسرشند
و اقراص کنند شربتی دو درم با سکنجبین این ترکیب
دوازده جزو است وزن ان چهل و هشت درم
مزاج سرد است در دو درجه خشکست در اول
درجه سوم سده بگشاید و تبهای گرم را
ببرد بنفشه خشک نیلوفر خشک از هر یک

سه درم

سه درم تخم خیار بادرنگ طباشیر زعفران از هر یک
دو درم گل سرخ سه درم ریوند چینی لک مغسول از
هر یک دو درم کتیرا یک درم رب سوس دو درم
کافور نیم مثقال ترنجبین ده درم اقراص کنند و با سکنجبین
بدهند این نسخه سیزده جزو است وزن ان سی و چهار
درم و نیم مثقال مزاج سرد است در دو ثلث درجه
خشکست در اول درجه دوم ترکیب شیخ
ابوعلی سینا خداوند تبهای محرقه و تب دق را سود
دارد و قی خون و اسهال خون باز دارد
تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه از هر یک دو درم
و دو دانگ رب کدو و اگر نباشد صندل از هر یک
دو درم و دو دانگ سرطان محرق زعفران رب
سوس کافور از هر یک یک درم گل سرخ چهار درم
و اگر کسی طباشیر سه درم مغز کدوی شیرین دو درم
تخم خشخاش سفید دو درم اندرین قرص زیاده

صواب باشد این نسخه یازده جزو است وزن آن
سبت و یکدرم مزاج سرد است در یکدرجه و
ربع خشک است در آخر دو درجه   اسهال صفرائی
باز دارد و تشنگی نشاند و تبهای گرم را سود دارد
طباشیر گل سرخ سماق پاک کرده از هر یک
ده درم بزرالحماض بزرالبقلة الحمقا از هر یک پنجدرم
سک دو درم گلنار پنجدرم صمغ عربی گل ارمنی
از هر یک سه درم اقراص کنند شربتی دو درم
با شراب به یا با سبت جو و شکر و اگر بدل سماق
زرشک پاک کرده کنند و دو درم شاه بلوط
زیاده کنند روا باشد این نسخه نه جزو است وزن
آن پنجاه و سه درم مزاج سرد است در یکدرجه و نیم
خشک است در دو درجه و نیم   اسهال صفرائی
باز دارد و تشنگی نشاند و تبهای صفرائی را سود
دارد   طباشیر پنجدرم گل هفت درم

صمغ نشاسته بزرالحماض گل ارمنی زرشک پاک کرده
تخم خرفه بریان کرده از هر یک سه درم صندل
مقاصری دو درم تخم شاهسفرم ده درم گلنار
سه درم زعفران نیم درم شربتی دو درم با شراب
و مانند آن این نسخه دوازده جزو است وزن
آن چهل و پنجدرم و نیم مزاج سرد است در ربع درجه
خشک است در یکدرجه و نیم   سوزش دل و سینه
را و تبهای گرم را سود دارد   گل سرخ شش درم
طباشیر کثیرا از هر یک چهار درم تخم خیار بادرنگ
تخم کدو و تخم خرفه از هر یک شش درم زعفران دو درم
رب السوس سه درم نشاسته سه درم کافور یکدرم
بلعاب اسبغول بسرشند شربتی دو درم با سکنگبین
بخورند این نسخه یازده جزو است وزن آن چهل و هفت
چهل درم مزاج سرد است در یکدرجه و نیم خشک است
در یکدرجه و ثلث   بیماریهای جگر گرم

وتبهای گرم را سود دارد زرشک پاک کرده
ده درم تخم کاسنی تخم خرفه تخم خیار مقشر از هر یک
سه درم گل سرخ پنج درم ریوند چینی یکدرم
سنبل نیم درم شربتی یک مثقال تا دو درم با سکنگبین
دهند این نسخه هفت جزو است وزن آن بیست و پنج درم
و نیم مزاج سرد است در آخر یکدرجه خشکست در اول
دو درجه بیماریهای جگر را که باحرارت بود سود
دارد و یرقان را ببرد و سده بگشاید زرشک
پاک کرده پنج درم ترنگبین پاک کرده سه درم تخم
کشوث ده درم عصاره غافت ده درم تخم خیار
مقشر سه درم سنبل یکدرم طباشیر سه درم زعفران
لک ریوند از هر کدام یک درم رب سوس
دو درم ترنجبین را با آب کاسنی بگدازند و داروها
بدان اقراص کنند و با سکنگبین بدهند یا با آب
کاسنی این نسخه یازده جزو است وزن آن چهل و یک درم
مزاج سرد است در یکدرجه و دو ثلث خشکست

در یکدرجه

در یکدرجه و نیم ترکیب شیح الرئیس ابو علی
جگر و سده را تحلیل کند زرشک پاک کرده
با عضاء او پنج درم عصاره غافت طباشیر
از هر یک دو درم لک مغسول کنند سنبل عصاره
افسنتین ریوند چینی لسان الثور از هر یک دو درم و نیم
زعفران یکدرم با آب کاسنی بسرشند چنانکه رسم است
این نسخه ده جزو است وزن آن بیست و پنج درم
مزاج گرمست در نصف درجه اول خشکست در
یکدرجه و سه ربع بیماریها و سده جگر را
سود دارد و طعام بگوارد لک مغسول
ریوند چینی مصطکی از هر یکی سه درم سنبل تخم کرفس
نانخواه اذخر ابهل بادام تلخ قسط فوه عصاره
غافت اسارون جنطیانا از هر کدام یکدرم و نیم
اقراص کنند هر یکی نیم مثقال و با سکنگبین و زوری
بدهند این نسخه چهارده جزو است وزن

ان هیبت وپنجدرم ونیم مزاج گرمست دریکدرجه

وسه ربع خشکست دراخر دودرجه بیماریهای

جگر وسده ازا سود دارد لک مغسول

قوه انیسون تخم کرفس افسنتین اسارون مغز بادام

قسط دارچینی زراوند طویل عصاره غافت ازهر یکی

استار است واندر بعضی نسخها رب سوس وعصاره

ریشک زیادت کرده اند این نسخه یازده

جزو است مزاج گرمست دریکدرجه ونیم خشکست

دراخر دودرجه اماس جگر وسپرز

را وزخمی که برتن مردم آید سود دارد ریوند

چینی هشت درم فوه لک مغسول ازهر یکی چهار

درم تخم کرفس غافت انیسون ازهر یک سه درم

همه را بکوبند وبپزند وبه تخم کشوث بسرشند واقراص

کنند هر یکی یکمثقال شربتی یک قرص این نسخه شش

جزو است وزن ان هیبت وپنجدرم مزاج گرمست

دریکدرجه

دریکدرجه وثلث خشکست دراخر دودرجه

خداوند جگر سرد را سود دارد دراسود دارد ریوند

چینی ده درم سنبل مصطکی غافت افسنتین انیسون

تخم بادیان ازهر یک دودرم ونیم باب بادیان

بسرشند اقراص کنند هر یکی یکمثقال این نسخه هفت

جزو است وزن ان هیبت وپنجدرم مزاج گرمست

دریکدرجه وربع خشکست دریکدرجه ونیم

اسهال خون باز دارد ریوند چینی یکمثقال

گل ارمنی صمغ عربی ازهر یک یکمثقال ونیم این جمله

سه شربت باشد درآب کاشنی دهند اندر آب

سان الحمل این نسخه سه جزو است وزن ان چهار

مثقال مزاج سرد است درربع درجه خشکست یکدرجه

وسه ربع خداوند تبهای کهن را سود دارد

وسده بگشاید وادرار بول آرد شهوت طعام

باز پدید آورد افسنتین رومی انیسون تخم

کرفس اسارون مغز بادام تلخ اجزا اسمه مساوی یکدیگر
اقراص کنند شربتی مثقالی تا دو درم این نسخه پنج جزو است
مزاج گرمست در یکدرجه و سه ربع خشکست در دو درجه
و ربع خداوند درد معده را که از پس
طعام خوردن بدید آورد و با قذف نکنند ساکن
نشود نافعست و این قرص را قرص ایلادوس گویند
افسنتین رومی ده درم تخم کرفس انیسون
از هر یک پنج درم سنبلچه بیست مر فلفل جند بیدستر
افیون از هر یک دو درم اقراص کنند هر کدام یکدرم
با شراب پودنه و مانند آن دهند این نسخه هشت جزو است
وزن آن چهل و هشت درم مزاج گرمست در یکدرجه
و ثلث خشکست در دو درجه و نیم خداوند
درد سپرز را سود دارد پوست بیخ کبر چهار
استار اشق چهار استار زراوند طویل دو استار
تخم بیخ انجشت فلفل سیاه از هر یک شش استار

اشق را بخل الخمر حل کنند و داروهای خشک را
بکوبند و بدان بسرشند و اقراص کنند هر یک
دو درم و با سکنگبین بدهند این نسخه پنج جزو است
وزن آن بیست و دو استار که یکصد و چهل و یکدرم
باشد و سه بخش از هفت بخش یکدرم و این بنا بر قول
صاحب ذخیره است اما بنا بر قول صاحب جوامع
الادویه یکصد و سی و نه درم و دو دانک است
مزاج گرمست در دو درجه و نیم خشکست در اول درجه
سیوم نفع میکند تبهای گرم و کهن را و دفع
تشنگی میکند و سده و ورم جگر و سپرز را دفع
میکند و یرقان را سود دارد عصاره غافت
شش استار گل سرخ منزوع الاقماع سنبل
الطیب طباشیر چهار درم ادویه را کوفته و بیخته
قرص سازد این نسخه پنج جزو است وزن آن
یکصد و بیست درم تخمینا بنا بر قول صاحب ذخیره

اما بقول صاحب جوامع الادویه یکصد پنجدرم و دو دانگ است
مزاج سرد است در سیم ربع درجه خشک است در یکدرجه
و نیم   نافع است نفث دم و نزف دم را
کهربا بسد مروارید تخم خرفه از هر یک پنجدرم
شاهترج شاخ گاو کوهی سوخته پوست تخم مرغ
سوخته کتیرا صمغ عربی از هر یک سه درم گشنیز
بو داده خشخاش سفید خشخاش سیاه از هر یک شش
درم سوخته بزرالبنج سفید از هر یک دو درم اجزا را
کوفته و بیخته با آب بزرقطونا قرص سازند هر یک مثقالی
این نسخه سیزده جزو است وزن آن پنجاه و چهار درم
مزاج سرد است در آخر یکدرجه و ربع
خداوند قرحه کلیه و مثانه را و خداوند تقطیر بول
را سود دارد   بزرالبنج بزر کرفس تخم بدیح
از هر یکی شش درم تخم بادیان دو درم زعفران
بزر حماض مقشر جلغوزه افیون مغز بادام

تخم از هر یکی سه درم حب کاکنج بیست و پنج عدد
تخم خیار پاک کرده دوازده درم اجزا را
کوفته بدوشاب انگوری سرشته نمانند این نسخه
یازده جزو است وزن بغیر حب کاکنج چهل و هفت
درم مزاج سرد است در یکدرجه و نیم خشک است
در اول درجه دوم   سرفه را و درد
سینه را و تب را و خون آمدن و سرفه را و اسهال
خون ورا رد   گل سرخ صمغ عربی از هر یک
چهار درم نشاسته کتیرا از هر یک دو درم
تخم خشخاش سفید تخم خشخاش سیاه از هر یک
سه درم طباشیر رب سوس از هر یک دو درم
زعفران دو دانگ بلعاب دانه بهی قرص
کنند از یکدرم تا یکمثقال در بعضی نسخه‌ها سه درم
حب الآس بریان کرده آورده‌اند زعفران
نیم درم خداوند سرفه را با شراب روفا

دهند و برآمدن خون از ایشان با شراب خشخاش
و خداوند تب را با جلاب دهند یا با شراب بنفشه
و قوت این قرص تا شش ماه تا هفت بعد از آن ضعیف
می‌شود این نسخه نه جزو است وزن آن بیست و دو درم
و دو دانگ مزاج سرد است در یک درجه و ربع
خشک است در یک درجه و دو ثلث اسهال
خون و زحیر باز دارد خاصه اسهالی که از جگر باشد
گلنار قرظ سماق تا بکرده بلوط
حب الآس از هر یک بیست درم سک دو درم
صمغ سه درم گل مختوم درم طباشیر سه درم کهربا
چهار درم اقراص کنند و با رب آبی دهند
این نسخه ده جزو است وزن آن یکصد و هفده درم
مزاج سرد است در یک درجه و سدس خشک است در آخر
درجه دوم دل گرم را
سود دارد گل سرخ طباشیر از هر یکی

سه درم کشنیز خشک دو درم اسبد مروارید
کهربا از هر یک نیم درم کافور یک دانگ شربتی دو درم
با سکنگبین سفرجلی این نسخه هفت جزو است وزن آن
نه درم و چهار دانگ مزاج سرد است در یک درجه
و نیم خشک است در دو درجه و ثلث نفع این
سفوف چون سفوف طباشیر است گل ارمنی
کشنیز خشک از هر کدام یک درم طباشیر کهربا از هر کدام
یک نیم درم کافور نیم دانگ این یک شربت
تمام بود با دوغ گاو دهند این پنج جزو است
وزن آن سه درم و نیم دانگ مزاج سرد است
در یک درجه و نیم خشک است در اول درجه سیوم
که در جوامع و منهاج مذکور است نفع سپیدبا
سحج و اسهال مراری را بزرقطونا تخم مرو
تخم شاهسفرم نشاسته صمغ عربی طین ارمنی
از هر یک جزو صمغ و طین و نشاسته را بو داده

درم بکوبد و بیکدیگر مخلوط سازد و بروغن گل حب
ساخته استعمال نماید شربتی سه درم برب سفرجل
یا رب آس این نسخه شش جزوست مزاج سرد است
و خشک در اواخر درجه اول که
بجهت اسکندر ساختند نفع میکند دربو و فساد معده
و دردی و بوی را و دفع نسیان کند و طعام
بگوارد و بوی دهان خوش کند و مفرح است
فرقه ساذج هندی عود هندی
هیل اسارون مصطکی هلیله کابلی مقشر بنجنکشت
نارمشک زیره کرمانی دارچینی اشنه فلفل دار
فلفل زنجبیل قرنفل ناردانک جوز بوا قاقله از هر یک
دو درم مشک عنبر کافور از هر یک یکدرم
شکر شش مقدار همه دارو ها شربتی از یکدرم
تا سه درم پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد
این نسخه بیست و چهار جزوست بغیر شکر و ل

ان

آن چهل و یکدرم مزاج گرمست در یکدرجه و دو ثلث
خشکست در دو درجه و ثلث معده سرد
و تر را سود دارد و جگر ضعیف را فربه کند
لک عیدان حب الآس بلوط مصطکی نارپوست
مازو از هر یکی جزوی کند زنجبیل از هر یک ربع
جزو شکر طبرزد دو وزن همه دارو ها در جوارش
شکر یک جزوست مساوی مصطکی و باقی آخر
شربتی یکمثقال تا دو مثقال یک هفته بکار دارند
روزی دو بار یکبار صباح ناشتا و یکبار دیگر وقت
خواب و دران مدت که این سفوف میخورند گوشت
نخورند این نسخه نه جزوست بغیر شکر مزاج گرمست
در سه درجه خشکست در اول درجه سیوم
سحج و قرحه امعا را سود دارد
صمغ عربی بریان کرده هفت درم نشاسته
بریان کرده چهار درم اسبغول بریان کرده ده درم

تخم مرو بریان کرده تخم شاسفرم بریان کرده بلوط
بریان کرده حب الاس از هر یکی شش درم شربتی
سه درم با شراب مورد در نسخه دیگر تخم خشخاش
و تخم خرفه اورده اند این نسخه هفت جزو است وزن
ان چهل و پنج درم مزاج سرد است در اخر یک درجه
خشک در یک ربع درجه که در ذخیره مذکور است
سحج را و لوا اسیر را سود دارد اسفیدان
سفید بریان کرده سی درم زیره کرمانی شش نار در
در سرکه خوابانیده و خشک کرده تخم کتان بریان
کرده تخم کندنا بریان کرده از هر یک ده درم
مصطکی سه درم هلیله کابلی بریان کرده از هر یک
ده درم مصطکی با روغن گاو هفت درم مصطکی
و زیره را بکوبند و با تخمها کوفته بیامیزند شربتی سه درم

شربتی

و در منهاج و جوامع نیز این نسخه مذکور است اما
در وزن تفاوتی دارد این نسخه شش جزو است

وزن

وزن آن هفتاد درم مزاج گرم است در دو درجه
و نیم خشک است در دو درجه و دو ثلث
معده را سود دارد و کرم دراز را زود هاکب
هلیله کابلی امله پاک کرده بزنک کابلی
از هر یک ده درم تربد سفید کوفته و بیخته سی درم
فانید در مقدار مجموع دارو شربتی دو درم
این نسخه چهار جزو است بغیر فانید وزن آن نصفت
درم مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است
در اخر دو درجه خداوند نقرس را
و اوجاع مفاصل را سود دارد سورنجان
هفت درم زیره کرمانی بریان کرده و لودنه
جو باری از هر یک دو درم فلفل یک درم شکر
مقدار همه دارو شربتی از دو تا سه درم این نسخه
چهار جزو است وزن ان دوازده درم
مزاج گرم است و خشک در یک درجه و ثلث

و این مشتملست بر فایده و ذیلی در

بیان اوزان و مکاییل چون حضرت استادی استادی
علامی مد ظله العالی در رساله اوزان نحوی استقصای
مکاییل و اوزان فرموده اند که مزیدی بر آن
متصور نیست ما نیز تیمنا بکلامه الشریف بهمان
اقتصار نمودیم حبه یک جو میانه است طسوج که
بفارسی تسو گویند مقدار دو جو میانه است
قیراط چهار جو است خرنوب شامی یک
قیراطست کنجی که در بلاد هند نزد زرگران
و بعضی دیگر مستعملست سه جو میانه نزد کسیست
دانق که بفارسی دانگ گویند هشت حبه است
ترمسه یا ترمسیه دو قیراطست ابولوس سه قیراطست
غرا یک دانگ و نیم است سامو تا یک
غرا و نیم است و نزد بعضی سه قیراطست
نواه در ذخیره گفته که دو دانگ است

بوزن

بوزن زر و در جوامع الادویه گفته که نواه سه مثقالست
و بعضی گفته اند که نصف درهم است و این قول
بحق و صواب نزدیکتر است ابولوس در ذخیره گفته
که یک دانگ است بوزن زر و در قرابادین
قلانسی مذکور است که ابولوس شش یک مثقالست
یا هفت یک مثقال درهم که بفارسی درم گویند
مقدار چهل و هشت حبه است باقلاء یونانی
در جوامع الادویه و ذخیره بیست و چهار جو بیان
کرده که نصف درهم باشد باقلاء مصری در
جوامع مذکور است که چهل و هشت جو است که یک
درهم باشد باقلاء اسکندریه را نه قیراط گفته
که سی و شش جو باشد مثقال شصت و هشت جو است
و چهار جو است حصه از یک جو که او را هفت
حصه برابر کنند بندقه نخودی که در ذخیره و جوامع
الادویه مذکور است یک درهم است و بعضی گفته اند

که یکمثقالست جوزه نطبیه در جوامع مذکور است
که جوزه نطبه که عبارت از بندقه است و در ذخیره
گفته که جوزه نطبیه یک مثقالست درخمی در جوامع
مذکور است که ان یکمثقالست و نیز در جوامع
آورده که بعضی گفته اند که درخمی فارسی درهمست
و شیخ در قانون بعد از انکه بر نه وجه بیان نموده
که درخمی یک مثقالست در اواخر بیان اوزان
درخمی را برین وجه بیان کرده که شش اولوس است
و هر اولوسه قیراطست و هر قیراط چهار جو
گفته پس درخمی بنا برین بیان هفتاد و دو جو
باشد و در ذخیره باین عبارت گفته که درخمی
یکمثقالست و نزدیک بعضی یکدرم است
فلنجیون در جوامع مذکور است که دو مثقال
حامی الکبیر سه مثقالست حامی الصغیر دو مثقال
و در ذخیره نیز گفته که حاما الکبیر سه مثقالست

وحاما الصغیر

وحاما الصغیر دو مثقال و خیر در جوامع و بعضی دیگر از کتب
طبیه از ادو حصه از سه حصه مثقال بیان نموده اند
استار چهار مثقال و نیم صاحب جوامع الادویه گفته که استار
شش درهم و دو دانگست یا چهار مثقال و نیم و صاحب
ذخیره بحساب مثقال موافق کتب مذکور اورده
اما بحساب درهم فرموده که استار شش درهم و
نخس از نصف نخس درهم است قاتوتین در جوامع
الادویه از شش درم و نیم گفته ببطل در جوامع
آورده که شش درهم است و شیخ در قانون
فرموده که ببطل دو استار است و صاحب
ذخیره گفته که ببطل هفت درم است و در نزدیک
بعضی دو استار است جوزه حطلقه مبخوی که در ذخیره
و جوامع الادویه مذکور است نیز درخمی است
و در هر دو کتاب مذکور این نیز نقل شده که
نزدیک بعضی چهار مثقالست جوزه ملکیه شش

در خمی است خرمه در جوامع چهار مثقال گفته ملعقه
از معجونات واز عسل بقدر چهار مثقال است واز
دارها بقدر یک مثقال ما یحمله ثلثه اصابع بود در جوامع
گفته که دو درخمی است ما یحمله الکف شش درخمی است
توله که از اوزان متعارف محروسه دکن است
گاهی در وزن بدویست وپنجاه و دو جو موافق
آمده وجهه تفاوت جو در بزرگی و خردی
گاهی بکثیر ازین وگاهی بچندین موافق بوده
بنابر آنکه دویست وپنجاه و دو جو باشد یک
توله پنج درم و سه قیراط خواهد بود و بحساب
مثقال سه مثقال ونیم و سه قیراط اوقیه که آنرا
نیز وقیه نیز خوانند در صحاح و قاموس
مذکور است که اوقیه یک استار است و دو نخش
از سه نخش یک استار و در ذخیره وجوامع
الادویه مذکور است که اوقیه بحساب مثقال

هفت مثقال ونیم است وبحساب ده درم و پنج
نخش از هفت نخش یک درم است قوابوس
در جوامع الادویه گفته که یک اوقیه ونیم است
و شیخ در قانون فرموده که قوابوس از روغن
زیتون دوازده درخمی است واز شراب یک
وقیه ونیم درخمی وثلث است واز عسل دو وقیه
وربع است اکسونافن در قانون بنقل از بعضی
کتب سیزده درخمی گفته اند ودر ذخیره و
قرابادین قلانسی مذکور است که اکسونافن
هم در کیل مستعمل میشود وهم در وزن در کیل
هیجده درهم است و در وزن هشت قیراط
و در جوامع نیز هیجده درخمی گفته رطل صاحب
صحاح وقاموس دوازده اوقیه گفته اند وبها
بر آنچه در بیان اوقیه گذشته دوازده اوقیه
بحساب مثقال نود مثقال میشود و مراد از

رطل رطل عراقیست و رطل مکی دو برابر رطل
عراقیست و رطل مدنی یک رطل و نیم عراقیست
و شیخ نیز در قانون فرموده که رطل مکی بیست
استار است صاحب ذخیره گفته که رطل
بغدادی دوازده اوقیه است و بیست استار
و نود مثقال و یکصد و بیست و هشت درم
و چهار سبع یک درم و در جوامع الادویه
رطل الحجاب موافق ذخیره نود مثقال بیان (مثقال)
نموده اما الحجاب درهم یکصد و بیست و هشت
درم و نیم گفته و سخن صاحب ذخیره درین
باب صواب مینماید و در بعضی کتب طب
طوطون یا طولون را اوزان مذکور است
در ذخیره و جوامع الادویه مذکور است که آن
نه وقیه است همچو فوطولی و فوطیل هشتاد
و دو مثقال است با رطل در جوامع مذکور است

که نصف

که نصف رطل است مسطون که سه وقیه است
و مسطون صغیر شش درخمی است و همچنین در
قانون و ذخیره نیز همین نسخه مذکور است
سکرجه صغیره در قرابادین قلانسی و در
جوامع مذکور است که سه وقیه است و سکرجه
کبیره که از اصدقه نیز گویند نه وقیه است
سکرجه مطلقه شش استار و چهار یک استار است
و صاحب ذخیره همین تفصیل اشاره نموده
اما اینجای سکرجه سکره مذکور ساخته سکره و سکرجه
ظرف و پیمانه خاص است بزبان فارسی
سکره می گفته اند و چون لفظ مذکور را عربی
ساخته اند سکرجه گفته اند و بوعلی شیخ در قانون
گفته که از دهن نه اوقیه است و از شراب
ده اوقیه و از عسل سیزده اوقیه و کم است
و در جوامع نیز همین تفصیل مذکور است

من که بزبان عربی منا نیز آمده بنابر آنچه در صحاح و
قاموس و مهذب اللغه مذکورست دو رطل است
و کلام اطبای معتبرین نیز بااین موافق است شیخ
در قانون فرموده که من چهل استار است
صاحب ذخیره من را بحساب درهم دویست و پنجاه
و هفت درهم و یک تسو از هفت تسو یک درم گفته
و بحساب مثقال یکصد و هشتاد مثقال بحساب
رطل دو رطل بغدادی گفته و بحساب استار
چهل استار و بحساب اوقیه بیست و چهار اوقیه
بیان نموده و در جوامع الادویه نیز موافق
همین تفصیل مذکورست و در ذخیره من رومی را
بیست و یک اوقیه و من الطالیقی و مصری را
شانزده اوقیه بیان نموده و در قرابادین قلانسی
از قرابادین چنین نقل نموده که رومی بیست اوقیه است
و شیخ در قانون نیز از بعضی کتب بر توجیه نقل

نموده

نموده و نیز در قرابادین قلانسی مذکورست که من مکی
دویست و پنجاه درهم است و من الطالیقی و مصری
شانزده اوقیه است و مد که در کتب فقه بتقریب
تحقیق زکوة مال و زکوة فطر و بعضی کفارات است
و غیر آن مذکور است بنابر آنچه در صحاح و
قاموس مذکورست دو رطل عراقی است
و معتبرین فقها چون شیخ جمال الدین مطهر در ارشاد
و شیخ شهید در کتاب دروس مد را دو رطل
و ربع عراقی بیان نموده اند پس هر مد بنابر قول
فقهای عظام دویست و نود و دو درهم
خواهد بود چنانچه از حساب رطل عراقی مخفی
نیست و در دروس تصریح باین نموده و بنا
بر تفسیر و بیان اهل لغت یک مد دویست
و پنجاه و هفت درم و یک تسو از هفت تسو
یک درم است و صاحب قاموس در بیان مد

آورده که آدمی که دست و انگشتان او در بزرگی
و کوچکی میانه باشد هر گاه که هر دو دست خود را
از غله پر سازند چنانکه انگشتان را دراز کرده باشد
مقدار پیمانه مذکور است که مد باشد و دعوی
کرده که من تجربه کرده ام و این موافق یافته ام
و جامع رساله ادران مد الله ظله العالی
فرماید که آنچه صاحب قاموس آورده و دعوی
تجربه نموده و ملاحظه الواقع شد در مد وزن
و بعضی اجناس موافق آنچه گفته ظاهر شد و مقدار
مذکور کمتر از دو رطل بوده بعضی دیگر ربع
سیر از دو رطل کم ظاهر شد و بعضی ازین کمتر
اما آنچه گفته وزن گندم بقدر موافق است چرا که
مقدار گندم که هر دو دست را از آن خوب پر کنند
گاهی دو سیر و دو تولچه و گاهی اندکی ازین
بیشتر کنند و گاهی اندکی ازین کمتر ظهور یافت

و دو رطل

و دو رطل نزدیک باین است چنانکه سابقا بیان شد
پس اگر در بیان صاحب قاموس اندک تقیید
و تخصیصی می بود اولی و اصح بود دورق در جامع
الادویه رنجانی دورق را سه رطل گفته که یک
من و نیم باشد و شیخ در قانون نیز گفته که دورق
سه رطل است فقط از عسل دو رطل و نیم است
کوز که عبارت از کوزه باشد از انیز سه رطل گفته
که کوز الذین چهل و هشت استار است و کوز الطلا
و آنچه شبیه باشد شصت استار است تامین
بیست و پنج استار است و صاحب ذخیره
نیز موافق صاحب جامع الادویه اما شیخ
در قانون بر نوع حنین نقل نموده که تامین پنج
استار است و چهار او بولو و هم در قانون
ذکر نموده که ابان عسل دو رطل و نیم است و ابان
روغن یک من و نیم است و نیز در قانون ذکر

نموده که قسط نزد اهل روم نه رطل و نیم و سدس است
پس بیست اوقیه باشد و قسط انطالیقی یک رطل
و نیم است و من انطالیقی و مصری شانزده وقیه است
و نیز در قانون از بعضی دیگر کتب نقل نموده که قسط از
روغن زیتون شانزده اوقیه است و از شراب
هشتاد رطل است و از عسل یکصد و هشت رطل و نیم است
و بعضی گفته اند بیست اوقیه است و قسط مصری شانزده
اوقیه است و قسط انطاکی نیز اینچنین است و قسط
قطری بیست و چهار اوقیه است کیلجه در بعضی کتب
لغت گفته که آن پیمانه ایست که در عراق معروفست
گویا مقصود عراق عرب باشد که بغداد دار الخلافه است
و کیلجه بنابر آنکه در قاموس و صحاح تحقیق شده پیمانه ایست
بقدر یک من و هفت بخش از یک که آنرا هشت
بخش برابر کنند و در ذخیره مقدار کیلجه که بعبارت
کیله مذکور شده موافق صحاح و قاموس است ابریق

در جوامع میگوید که دو من است جره صغیره نیز در جوامع
مذکور است که چهار قسط است و جره مطلقه بیست قسط است و چهار
حنوش شیخ در قانون میفرماید که حنوش از زیت
نه رطل است و از شراب ده رطل و از عسل بیست و سه
رطل و نیم صاع نیز پیمانه ایست که در زمان حضرت
پیغمبر علیه السلام شایع بوده و در بعضی احادیث
نیز مذکور گردیده بنابرین فقها در بعضی مباحث فقه
ذکر و تحقیق آن نموده اند صاحب صحاح و قاموس
صاع را چهار مد گفته اند و چون مد را در صحاح و قاموس
دو رطل بیان نمودند بنابرین صاع هشت رطل خواهد بود
و در قراباذین قلانسی نیز صاع را چهار من بیان
نموده و چون من را در لغت و طب نیز دو رطل بیان
نموده اند آنچه قلانسی در بیان صاع گفته موافق
صحاح و قاموس خواهد بود و صاع پیغمبر در کتب
معتبره فقه چون ارشاد و دروس و غیرها چنان

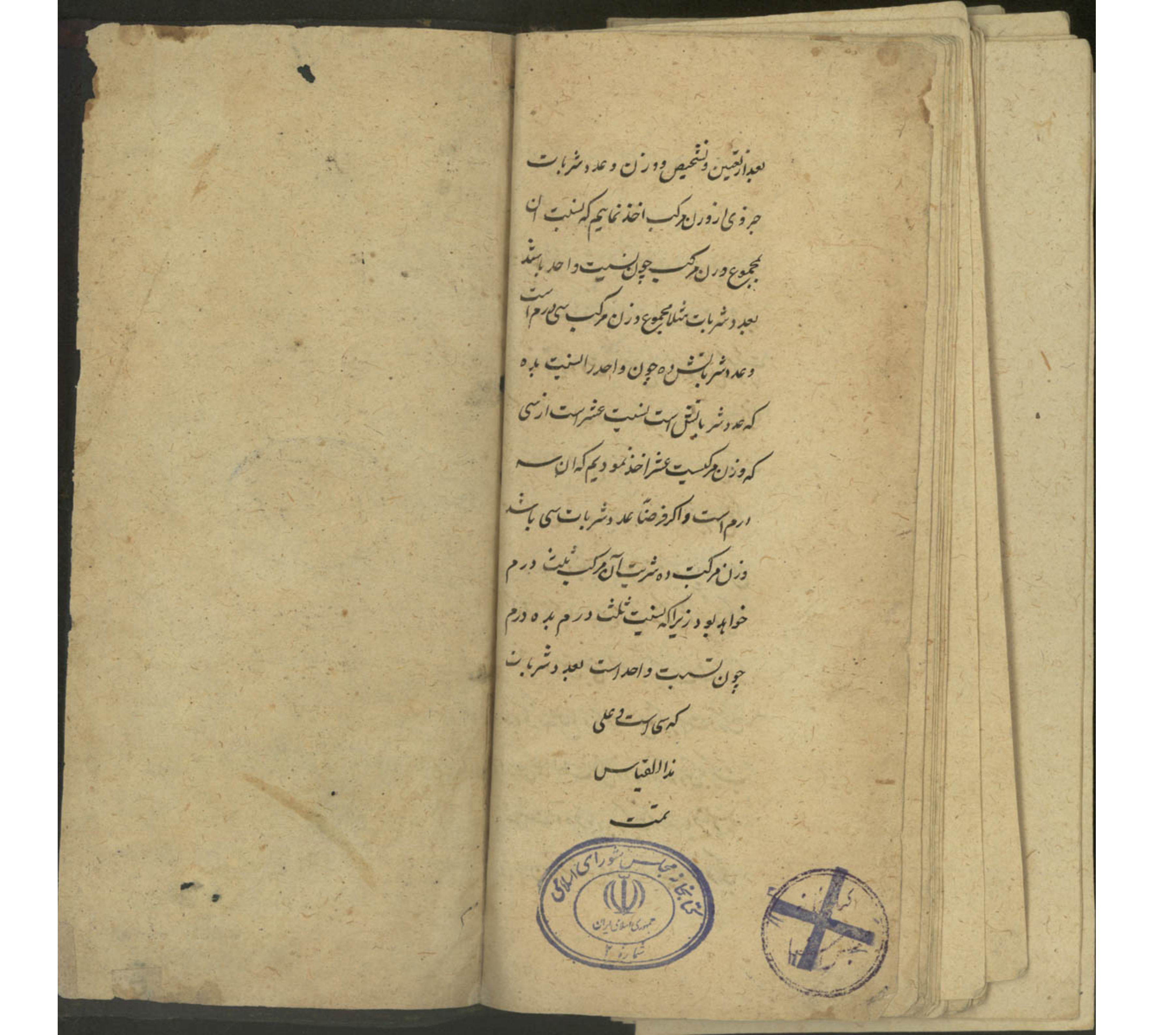
تحقیق شد که چهار مد است و مد بنا بر قول فقهاء امامیه
رضوان الله علیهم دو رطل و ربع عراقیست چنانکه سابقا
تحقیق شد پس صاع نه رطل عراقی باشد و بحساب درهم
یکهزار و یکصد و هفتاد درهم میشود چنانکه شیخ شهید
علیه الرحمه در کتاب دروس در مبحث زکوة فطر بیان نموده
باین عبارت که والواجب صاع وزنه الف درهم
ومائه وسبعون درهما شرعیه و بحساب مثقال ششصد
ونود و دو مثقالست و بحساب جو چهل و شش هزار و
یکصد و هشت جو خواهد بود و صاعی که در زکوة
فطره بجهت هر کس بمقدار یکی از آن دادن واجبست
نزد علمای امامیه رضوان الله علیهم این صاعست و قدر
این صاع بحساب سیر متعارف محروسه دکن
بنا بر آنچه در تحقیق و بیان توله مذکور گردید ده سیر است
و هفت توله الا ربع یکدرم و چون در جوها
تفاوتی میباشد بنا بر آن عدد جوهای میانه که در توله

اعتبار شده شاید از آنکه مذکور اند که تفاوتی پیدا کند
وازینجهت در صاع نیز بحساب سیر که مذکور شد اندک
تفاوتی بکمی یا زیادتی محتملست که راه یابد پس رعایت
جانب احتیاط در ادای واجب مقتضی آنست که بجهة
هر کس موازی ده سیر و نیم سیر متعارف دکن و تحقیق
وصاحب قاموس بر آن نوجه است که صاع نبی علیه السلام
آنقدر است که آدمی که دستهای او در بزرگی و کوچکی
معتدل باشد چهار مرتبه هر دو دست خود را پر سازد
ملوک بنا بر آنچه در صحاح و قاموس مذکور است پیمانه ایست
بقدر سه کیلجه و در بعضی کتب لغت مذکور است که مکوک
پیمانه ایست بقدر دو صاع و نیم پس ملوک پنج من
و پنج حصه از یکمن شود که از هشت حصه برابر کنند و این
زیاده رطل و ربع از رطل عراقی شود و قفیز در صحاح
و قاموس گفته که آن هشت ملوک است و صاحب
ذخیره گفته که قفیز پنج من تبریز است و این هشت

ملوک باشد و یکپله بیست و چهار کیله است و بنا بر آنچه
کتب لغه و طب در بیان قفیز نقل شد یک قفیز بود رطل
عراقی خواهد بود و قنطار صاحب صحاح گفته اند که قنطار
یکهزار و دویست اوقیه است و بعضی گفته اند که یکصد و
بیست رطل است و بعضی گفته اند که قنطار آن قدر
طلاست که یک پوست گاو را از آن پر کنند و در
جوامع الادویه و ذخیره و قرابادین قلانسی
در بیان معنی قنطار همین قدر مذکور است که یکصد و
بیست رطل است شاید نزد اطبا در غیر این معنی
مستعمل نباشد طالیطون در جوامع و ذخیره و قرابادین
قلانسی مذکور است که آن یکصد و بیست و پنج رطل است
از رطلی که هر یک دوازده اوقیه باشد چو همین در قانون
و جوامع الادویه و ذخیره برین وجه بیان شد
که شش قسط رومیست و بنا بر آنچه شیخ در قانون قسط
رومی را بیان نموده که بیست اوقیه است یک

چو

جو سین که یکصد و بیست اوقیه خواهد بود و رق انطالیقی
در قانون و ذخیره و قرابادین قلانسی دو ورق
انطالیقی را هشت جو همین گفته اند و بنا بر آنچه در جو همین
مذکور شد دو ورق انطالیقی نهصد و شصت اوقیه
خواهد بود و وسق در صحاح و قاموس مذکور است
که مقدار شصت صاع است که قریب چهار ده من از این
متعارف و بعضی ولایات دکن حرست علی الآفات
والفتن خواهد بود و بنا بر آنچه فقها در تفسیر صاع ذکر
نموده اند و بنا بر آنچه اهل لغت در بیان صاع
گفته اند بحساب من از آنچه مذکور شد چیزی کمتر
میشود و وسق بمعنی مقدار بار یک شتر نیز آمده
چنانکه در صحاح و قاموس مذکور است و در صحاح
از بعضی علماء لغت نقل نموده اند که وسق بار یک
شتر است و وقر بار یک استر یا خر دیده
در بیان دانستن مقدار شربت هر مرکبی



بعد از تعیین و تشخیص وزن و عدد شربات
جزوی از وزن مرکب اخذ نماییم که نسبت ان
بمجموع وزن مرکب چون نسبت واحد باشد
بعدد شربات مثلا مجموع وزن مرکب سی درم است
و عدد شرباتش ده چون واحد را نسبت بده
که عدد شرباتش است نسبت عشر است از سی
که وزن مرکب است عشر اخذ نمودیم که ان سه
درم است و اگر فرضا عدد شربات سی باشد
وزن مرکب ده شربت آن مرکب ثلث درم
خواهد بود زیرا که نسبت ثلث درم بده درم
چون نسبت واحد است بعدد شربات
که سی است و علی
هذا القیاس
تمت

